

# فیلم و هنر

ناصر ملک مطیعی، پوری  
بنائی و منوچهر وثوق در  
جنگال مرگ

خبرهای تازه و جالبی از  
هنرمندان ایران





عبدالعلی همایون

حسین حسینی

و مرتضی عقیلی

در فیلم

# استوار و پاسبان

فیلمی که بارها بتمشای آن خواهید رفت  
و از آن لذت خواهید برد

وباشرکت : بهارک - شهر روز رامتین - پرستو

کارگردان : نظام فاطمی

فیلمبردار : ابراهیم دیلمانی





## چشم

● رضا صفائی که هم‌اکنون مشغول کارگردانی فیلم «مثنوقه» میباشد مصمم است علاوه بر فیلمهای که قرار است برای تهیه‌کنندگان بازار فیلمی موسوم به «چشم» با سرمایه‌های خوش تهیه نماید. در این فیلم که صفائی تقصده دارد فیلمی در محور توجه و قابل بحث و گفتگو خواهد شد تاکنون بازی کامپی کسروی و میری در آن اطمینی شده است.

## خواننده

● آغاسی که تاکنون در فیلم های ابوالقاسم، خیلی هم ممنون و فاتح دلفا بازی کرده است و همین‌اکنون نیز مشغول بازی در فیلم «نعت غنی» است قرارداد تازه‌ای با سازمان سینمایی پانوراما منعقد کرده تا سبب آن زودی در محصول سینماکوب رنگی اسپن سازمان موسوم به «خواننده» بازی نماید. این فیلم را رضا صفائی کارگردانی خواهد کرد و احتمالاً فروریان و میری نیز در آن شرکت خواهند داشت.

## معتوقه در شمال

● این عهته آگاسی از طرف

همکاری بیک ایمپورتی میباشد.

## پاپوش آماده نمایش

● اسماعیل پورسعید که به رودی برای اسکارفیلم کارگردانی فیلم «پاپوش» را آغاز خواهد کرد هم‌اکنون سخت مشغول آماده‌نمودن فیلم پاپوش محصول دیگر حسین سازمان سینمایی است. در پاپوش کنونیست حسین‌الدینی فیلم‌برداری شده بیک ایمپورتی، مرتضی عقیلی، عاله، فرید فرزان، نوید فرنگی، فرور و شیراندانی شرکت دارند. برای این فیلم حسین وانی فیلم‌موزیک متن ساخته است.

## ایرام فرنگی

● تاکنون بیست دقیقه از محصول تازه استودیو عصر طلایی موسوم به «ایرام فرنگی» به کارگردانی نظام‌قلی توسط ابراهیم دهلانی فیلم‌برداری شده است. در این فیلم کمدی انتقادی کسروی آرا احمد نجیب زاده نوشته است. در رسایک ایمپورتی ساخته شده در فیلم «مظفر» بازی کرده بود نقش یک مرد باسابقه را بازی میکند. عبدالطی همایون، حسین حسین و مرتضی صفی از جمله هنرپیشگانی هستند که در فیلم ایرام فرنگی،

آزیر فیلم جهت شروع تهیه فیلم «مثنوقه» به شمال عزیمت مینماید. در مثنوقه که سناریوی آسرا حسین‌الله کسائی نوشته و به کارگردانی رضا صفائی توسط کامی مطیعی فیلم‌برداری میشود همسرممید، ایرن، شهرور رامین و لیلی بخش مثنوقه نقشهای اصلی را برعهده دارند. مثنوقه را که «حسین وانی» برای آن چندآهنگ ساخته ساموئل خاچیکیان تهیه مینماید.

## ضبط موزیک عیالوار

● تا چند روز دیگر موزیک متن فیلم «عیالوار» چهارمین فیلم پرویز نوری سازنده فیلمهای «سنا جاهل»، «شبه و حکیم‌باشی» که مجتبی میرزاده ساخته است ضبط خواهد شد و بلافاصله بعد از اتمام سایر مراحل فی این فیلم کمدی انتقادی که پیش‌بینی میشود یکی از فیلمهای موفق امسال باشد آماده نمایش خواهد شد.

در عیالوار که سناریوی آنرا بهرام‌ری‌پور و پرویز نوری نوشته‌اند توسط همایون ارچند فیلم‌برداری شده است صورت گرمی، سوزی، بانگی، نگار، توران مهرزاد، شهرزاد، سرور جانی، مفیدی و نهدد شرکت دارند. کتیبه امسور فی «عیالوار» در استودیو فیلم‌نگار انجام شده است.

## بخطار بیک عقب افتاد

● دو هفته پیش خبری داشتیم که رضا صفائی بخاطر قرارداد های دیگری که دارد از کارگردانی فیلم «گروگان» منصرف شده است. بعد از انتشار این خبر «نعت رفیعی» یکی از تهیه‌کنندگان این فیلم به اطلاع رساند که این خبر صحت ندارد و فیلم گروگان را رضا صفائی خواهد ساخت این بخاطر گرفتاریهای بیک - ایسانوردی است که مدتی فیلم‌برداری آن تاخیر افتاده است و به محض پایان بازی بیک در فیلمهای گدائی ملینور و ایرام فرنگی فیلم‌برداری گروگان آغاز خواهد شد.

## مرد دوزخ تمام شد

● فیلم‌برداری محصول تازه استودیو نقش جهان موسوم به «مرد دوزخ» که بعد از تهیه



● فرسایک ایمپورتی و «عاله» چهره با نام فیلمهای تبلیغاتی در صحنه‌ای از فیلم جدید «اسماعیل پورسعید» موسوم به «پاپوش»

صحنه‌هایی در شمال از دو صحنه پیش در اسفهان ادامه یافته بود این هفته بازیگر آن بهران مراجعت سازنده و بازیگر آن بهران مراجعت نبودند. در مرد دو زنه کسه بکارگردانی وحدت توسط عزیز رفیعی فیلمبرداری شده وحدت زاله کریمی، توتیا، سروررجانی، اسزاده و عده‌ای دیگر شرکت دارند.

## اضطراب

● با مراجعت سازندگان فیلم «متوقف» بهران ساموئیل حاجیکیان کارگردانی تازه خود موسوم به «اضطراب» را که محصولی است از آثار فیلم و توسط کمال مطیعی فیلمبرداری خواهد شد آغاز می‌سازد. ساموئیل مصمم است کلیه نشئهای اصلی این فیلم را به چهره‌های جدید واگذار نماید و بار دیگر کاری را که چند سال پیش با ساختن فیلم «فیکندم» تا مرگ شروع نموده بود تکرار نماید.

## منظر خورشید

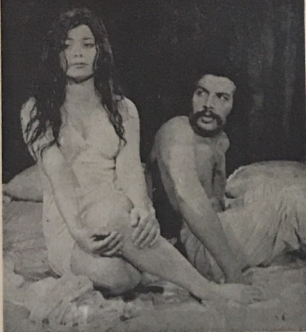
● عاصی شایوز اپروز ها منظر بارکت فخری خورشید از خوب است تا اکیپ سازنده و بازیگر فیلم تازه خود «خام معلم» را جهت شروع آن به اسفهان برسد. از طرفی ژورگ نیز در نظر دارد بعد از بازگشت خورشید تهیه فیلم تازه خود را در شمال آغاز نماید. خود بطور قطع معلوم نیست که خورش با شایوز همکاری خواهد کرد و یا با ژورگ؟

## آقای مهلی بیابان رسید

● پنجشنبه گذشته کلیه مراحل فیلمبرداری محصول در دست تهیه پارسا فیلم موسوم به «آقا مهدی گلپز» توسط حای بیابان رسید. در این فیلم که سناریوی آرا دکتر منوچهر کیهرام نوشته است و بکارگردانی منوچهر صادقیور ساخته شده فرید میری، منوچهر صادقیور، میری، بهمنیار آرزو و ساندی بهرامی شرکت دارند. فیلم مشغول مونتاژ این فیلم است تا جهت صدابرداری آماده‌اش نماید.

## سرچوخه در قزوین تمام میشود

● اکیپ که از هفت گذشته جهت تهیه صحنه‌های خارجی فیلم



● بهمن مهدی و چهره جدید «ملوک»

در صحنه‌های آریفیلم

در دست فیلمبرداری

«تبراته بهاندی»

موسوم به

«مناجات»

این دومین فیلم

«ملوک» است

فیلم اول وی

«سرچوخه جاز»

نام دارد.



## خروس رو به انام

سرچوخه جاز از طرف پارسیلم به قزوین رفته‌اند. هواگون مشغول ساختن این فیلم در آنجا می‌باشد. در این فیلم که سناریت و کارگردان آن آمان مطیعی و فیلمبرداریش ایرج سادقیور است فریدین، دلارام، ملوک، محسن مهدی، رضا رجحانی، حامدی، حسن رضائی، مرجانه، شریمان، دهقان وجشید، مهرداد شرکت دارند. با انسام فیلمبرداری سرچوخه جاز بلافاصله کارهای فنی این فیلم که برنامه روزروز ۱۳۵۲ گروه اوتیورسال است آغاز خواهد شد.

## خیالاتی ادامه دارد

● منوچهر نودی که از هفت گذشته در اسفهان سرگرم ساختن فیلم «خیالاتی» شده است هواگون سخت مشغول کارگردانی این فیلم می‌باشد. در این فیلم که سناریت و کارگردان آن نوبدی و فیلیت که بطور تکنیکی بسیار سفید انجام شده رضا امجدوز و قاسمی کیان هستند ابرووان، خنیر پروین ملکوتی، مرتضی احمدی و عده‌ای دیگر شرکت دارند. برای آنها و گناه لنگری چند آهنگ جدید ساخته کارفرم و مایه‌مخواندند.

## صدابرداری

● هفت گذشته صدابرداری فیلم تنها و گناه زیر نظر پروین ملکوتی در استودیو هاملت فیلم انجام شده در این فیلم ایروان، خنیر پروین که سناریت و کارگردان آن ابوالناس ملکوتی و فیلمبرداریش که بطور تکنیکی بسیار سفید انجام شده رضا امجدوز و قاسمی کیان هستند ابرووان، خنیر پروین ملکوتی، مرتضی احمدی و عده‌ای دیگر شرکت دارند. برای آنها و گناه لنگری چند آهنگ جدید ساخته کارفرم و مایه‌مخواندند.

## گدای ملیور

● محمود کوشان تاکنون جهت و پنج دقیقه از فیلم تازه خود، گدای ملیور را فیلمبرداری و کارگردانی کرده است. در این فیلم که محصولی است از پارسیلم و تهیه کنندگان آن محمود کوشان و رحیمزاده هستند بیک ایمانوردی، شهر تهرانی، کریمین پاترسون، سادان، کامبیز کوشان و هاپوون اشکان و فرخ ساجدی شرکت دارند. سناریوی گدای ملیور را رضا میرلوسی نوشته است.

## بازگشت مجید محسنی به سینما

● بازگشت مجید محسنی عروشه قدیمی که در سالهای اخیر بخاطر منطفه سیاسی ناشی از روکات محسن شورای ملی اکثر فعالیت خری داشت مصمم است بار دیگر بازی در فیلم را آغاز نماید. همین مناسبت مذاکره‌ای با وحدت بهمنش آورده است تا با همکاری وی در فیلمی که خود تهیه خواهد کرد در استودیو نقش جهان شرکت نماید هنوز از نام فیلم و بازیگران دیگر آن اطلاعی نداریم.

● بالاخره « فریبوزدورک » برای فیلم ناسازی خود عنوان « ناچورها » را برگزید.

سناریوی این فیلم را « فریبون کله » نوشته است و به کارگردانی « فریبون زورک » توسط « احسنیرازی در زیر آب » « ناحیدای در خیابان » فیلمبرداری خواهد شد. « ناچورها » ناسر ملک مطیعی، « بیگانه باوردی، مرجان و احتشالی فخری خورشید غفر های اسلی را بازی خواهد کرد. با اجتماع ملک مطیعی از شهرت که هم اکنون در آلمان سرگرم بازی در فیلم « حاسی » است اکیب سارمدی ناچورا را به شمال غربت خواهد کرد.

**فیلم رنگی در نیاکارا !!**

● شرکت سهامی سینما تاشو رنگی که هم اکنون از نظر تهیه و پخش فیلم پرکارترین شرکت در سینمای کشور است به خاطر ارزانیات فینتهای در دست تهیه و آمادگی نمایش خود قادر نیست کلیه آنها را در گروهی که خود در آن عضویت دارد « گسروه رنگی - آسیا » نمایش دهد همین خاطر هفت گدشته قرارداد یکی از فیلمهای آماده نمایش خود را موسوم به « تنها آقای محله » با گروه « نیاکارا - میناس منعقد نمود تا بعد از نمایش فیلم سابق کرده در آن گروه به روی اکران آید. در این فیلم که تهیه کشدهاش محمد علی زردینی است بوری سانی، شیراندانی،

فرنگیس فروهر، آرش و مرتضی عطایی شرکت دارند. تنها آقای محله بکارگردانی داود اسماعیلی توسط کمال مطیعی فیلمبرداری شده و ستاروی آنرا رضا عطایی نوشته

**مناجات از اصناف بازاری**

● اکیمی که در هفته قبل جهت تهیه قسمت هائس از فیلم « مناجات » به اصناف سرپیوده بودند جمعه گذشته بهران مراجعت کردند. در این فیلم که محصولی است از اسکار فیلم چنه نسخه باقیمانده که در تهران فیلمبرداری خواهد شد. در مناجات که به کارگردانی عزیزالله بهادری توسط مازیار زینتوفیلمداری میباشودراج قادری، بهمن مفید، ملوکی، جلال، کیتی فروهر، حسین شهاب، رحمانیان و مرتضی عطایی شرکت دارند.

**نظرین در آخرین مراحل فیلمبرداری**

● ناصر تقوایی سازنده فیلم «نی آرایش» در حضور دیگران و مذاکره کرده هم اکنون در جنوب کشور سرگرم ساختن فیلم « نظرین » است که تا چند روز پایان خواهد رسید. در این فیلم که توسط « محبتی فیلمبرداری میشود بهروز ونوقی، فخری خورشید، کهنوش و وحشیده شایخی نقشهای اصلی را محده دارند. نظرین محصولی است که شرکت سینمایی هفت که توسط شرکت سهامی سینما تاشو رنگی پخش میشود.

**پشت پرده...**

**در انتظار نامه های شما ...**

● در صدنیم کار تازه ای را در مرحله آغاز کنیم. تصاویر رنگی فیلم «هتر» را با آخرین متدهای صنعت چاپ در ایران منتشر سازیم. کاغذ متن مجله را تغییر دهیم و نابلوه ای رنگی را بصورت تازه ای چاپ کنیم. نیازمان قبل از هر چیز بنظر خوانندگان است که ما را در مورد مطالب و نوع آن باری دهند. برای ما بنویسید که چه مطالبی در مجله کم است. چه مطالبی زائد بنظر میرسد. چه رپه تازه ای را ما باید در فیلم و هتر بخوانید و آیا مجله دلخواه شما بجای داستان و پاورقی نیاز دارد و مقدار آن چند صفحه باید باشد. آیا رویدادها کافی است یا آنکه آنرا اضافه کنیم. مطالب خارجی کم است یا زیاد. مطالب تکنیکی و فنی مورد لزوم است یا خیر.

زردنی نیست که ما خواهیم کوشید مطالب مجله را با الهام از خواستهای شما و با مقدمات خودمان تنظیم کنیم. هم اکنون کاغذ و قلم را بدست گرفته و تصمیمات برایمان نظر خود را بنویسید زیرا شورای نویسندگان فیلم و هتر در انتظار نامه های گرم و صمیمانه و نظریات آگاهانه شما است. از همه کسانی که قبلا برای ما نامه می نویسند و ما را راهنمایی میکنند صمیمانه متشکریم.

**شورای نویسندگان فیلم و هتر**

وی در مجله سپید و سیاه اقدام باین امر نموده است و در هر ماه بطور تقریب بیست هزار ریال باو اختصاص داده است.

**آرایش پروانه گرفت**

● فیلم « آرایش در حضور دیگران ساخته ناصر تقوایی که برای نمایش در سینما کاپری بطور انحصاری انتخاب شده است در این هفته پروانه نمایش گرفت و احتمالاً اوایل سال آینده نمایش درخواستی آید.

آرایش در حضور دیگران اولین فیلم طویل ناصر تقوایی است که یکی دو سال توقیف بود و با اقداماتی که بعمل آمد پروانه نمایش آن صادر گردید.

**کیمیایی تکذیب میکند**

● در این هفته مسعود کیمیایی که اینک متغول تهیه مقدمات فیلم تازه خود در استودیو میثاقیه است طی یک تماس تلفنی با دفتر مجله

**بسنجی در فستیوال لندن**

● فیلم پنجمی ساخته « اریوش مهرجویی » بعد از شرکت در فستیوال کان، ونیز، برلن برای نمایش در برنامه رسمی فستیوال لندن انتخاب و روزهای ۲۷ و ۳۰ نوامبر جاری نمایش درخواستی آید. فیلم سنجی بعد از کات تنها فیلم ایرانی است که در چند فستیوال معتبر جهانی نمایش درمی آید.

**میتاقیه برای پروانه خانه گرفت**

● در این هفته مهدی میتاقیه تهیه کننده معروف سینمای ایران برای « پروانه » خواننده قدیمی رادیو ایران که از دنیا طبع است خانه ای اجاره کرده و مبلغی نیز در ماه علاوه بر آن باو اختصاص داد تا وسیع زندگی وی تأمین گردد. خانه ای که برای پروانه اجاره شده است در میدان کدی قرار دارد. میتاقیه پس از مطالعه رگشت

**گرافیک اسکین سلیکو  
بزرگترین مرکز تهیه آفیش و چاپ**

**پلاکات**

۲-۳۷۸۹۱-۲  
خدمات آژانس کاج خدمات بچشم میدان قج

## موفقیت غیر منتظره سوسن



● **تلورکه خرنگار** با آمریکا می‌نویسد. برنامه سوسن خواننده معروف ایرانی در نیویورک شدیداً با استقبال دورو گردیده و موفقیت غیرمنتظره‌ای دست آورده که کاباره معروفه ناچر چندبار فرارده ناو گردیده است.

سوسن که در یکی دو سال اخیر درخشش سابق خود را در ایران از دست داده بود، هنوز برای ایرانیان ملیم خارج یک خواننده فوق‌العاده است و صفحات وی بیشتر از صفحات سایر خوانندگان به عنوان کادو برای آنها ارسال میگردد. مناسله با این توجه شدیدی که دست نوی به عمل آمده، در مطبوعات ایران هیچگونه خبری در این مورد نجاب نرسمد است.

احتمالاً سوسن بعد از اتمام فراردهاش در نیویورک بنا بر ایالات عجمه آمریکا برای اجرای برنامه سر خواهد کرد. در تماسی که خرنگار فیلیپوهر با وی گرفت، سوسن اظهار داشت ایران حسن استقبال هوستانه در آمریکا و افا خوشحالم و هرفب که از صحبایین می‌آید لذت خوشحالی می‌گیرد.

شکار ارجمند آقای حسن مرتضوی

تولد یوزاد رانریک میگوئیم و برای یوزاد و همسران آرزوی سلامت و تندرستی داریم.

تورای نویسندگان فیلمهتر

و استهان سرگرم بازی در فیلمه های تازه خود بودند بیگانه‌انوردی نیز برای «ایرام فرنگی» بشیراز میرود.

### مرگ در حمام منزل

● هفت گشته یکی از زبانی هرپشته نام «میو» که ایامگر غنای های کوانه در فیلمه بوده است در حمام منزلش بمطرح جنگی از گاز درگشت.

میو برای آخرین باربر سجنهای از فیلم «مستم هرمان» حصول در نستهیمه استودیوآرپی شرکت کرده بود.

### فرارده یکسند و پنجاه هزار نوعی آغشی

● آغشی که تاکنون در فیلمه های که بازی میکرد سهیم بود مثل ایواوله، خیلی هم مستون و فاتح دها اخیراً اولین فرارده بدون اینکه سهیم باشد برای بازی در فیلم «صمت نس» با بارسا فیلم منعقد نموده که هم اکنون مشغول بازی در آنست.

آغشی بوجهب این فرارده مبلغ یکسند و پنجاه هزار تومان برای بازی در فیلم فوق‌الذکر از منوچهر ساندیچور دریافت میدارد. بدین ترتیب باید آغشی را بنساز ورق برزیند

### انتشار خاطرات پوری بانای

● بعد از مصاحصای که بهرور ونوفی در محله زن روز عمل آورده و متذکر شده بود که وی اصولاً در زندگی شخصی وجود نداشته است. پوری بانای در صدد است خاطرات دوران نامزدی خود را بهرور ونوفی منتشر نماید و این یکی از نویسندگان فیلم و همسر مشغول نظیر خاطرات او است. پوری در هوبان از انواع استهان محله زن روز را مطالعه کرده و از اظهارات بهرور ونوفی سخت ناراحت شده است.

### ایرام فرنگی بشیراز میرود

● نظام فاطمی مصمم است برای کارگردانی سجنه های خارجی فیلم بازماند دوم به «ایرام فرنگی» بزودی اکیبی را بشیراز برود.

بدینال فرید، نامرنگ مطیعی، بهروز ونوفی، منوچهر ونوفی، ایرج قادری، همن مفید، مرتضی غلیلی، سعید زاد، داوود رشیدی و وحدت که طی سوسه هفت گشته در قزوین، هرسرا، آمانان برود.

## لی‌ای وشکست در عشق تازه

● از لی‌ای ساره سکسی سنمای ایران مدتی خبری نبود و شاعانی برسر زبانی بوده که وی در نظر دارد کار سینما را کارگردانه و ازدواج کند و حتی وی در نظر داشت که درشت عید فطر نامزدی کوچکی برگزار کند و بنا بر اهدا عمل خود تدارک زندگی حسدستی بسند، اما تلقین یک ناسنس، او را از حقایق مطلع ساخت. جوانی کفرار بود با لی‌ای ازدواج کند دارای زن و فرزند بود، بدون آنکه در این مورد با لی‌ای صحبتی کند. لی‌ای که حتی انگشت نامزدی خود را خریدار بود. صبح روز نامزدی برای اطلاع از این امر سرانغ فرزند نامزدی رفته و او را از آمدن به خانه می‌برد و بازن او ورور مشغول. ایجاد چنین اتفاقی او را شوکه میکند و حقیقت تلقینی را در می‌یابد و پس ضمن عذرخواهی از همسر نامزدی او را ترک میکند. لی‌ای همی روزها در برج عجمی سرخیزد و نمیداند چه کند زیرا عشق و علاقه شدیدی که نسبت به جوان مرور پیدا کرده ساعت شکست روحی سختی برایش گردیده است.

## برندگان جوایز هفتمین فستیوال فیلم‌های کودکان و نوجوانان

- داوران بین‌المللی هفتمین فستیوال کودکان و نوجوانان جوایز خود را به‌صورت آهنگ کردند.
- پلاک طلای فستیوال در گروه فیلم برای کودکان سنین ۶ تا ۱۰ سال به فیلم سیاه و سفید از ایران به کارگردانی شهرام شهیدآبادی خاطر موسوی انسانی که به‌شکلی کابوسی و طنزآمیز ساخته و ارائه شده است.
- پلاک طلای فستیوال در گروه فیلم برای کودکان سنین ۱۰ تا ۱۴ سال به فیلم گلبرگ از ایران به کارگردانی علی‌اکبر صادقی خاطر بناغ و سادگی شیوه نقاشی متحرکی که مضامینش از میثاق‌های فستیوال ایران الهام گرفته شده است.
- پلاک طلای فستیوال در گروه فیلم برای نوجوانان سنین ۱۴ تا ۱۸ ساله به فیلم کبوترهای پاره‌پاره از ایران به کارگردانی شهرام شهیدآبادی خاطر موسوی انسانی که به‌شکلی کابوسی و طنزآمیز ساخته و ارائه شده است.

## مرجان و فعالیت تازه...



● مرجان ساراف معروف‌سینمای ایران که پس از یک سفر دوماهه اروپا و بازگشت به ایران مدتی سکوت کرده و فعالیتش نداشت، اینک باز دیگر فعالیت تازه‌ای را آغاز نموده و قرارداد بازی در دو فیلم تازه را باخضار رسانده است که محصول تازه سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یک‌ایستادگاری ساخته می‌شود از آن جمله است: مرجان در سینمای ایران دارای موقعیت خاصی است و از بازیگرانی ستاره‌گاران زینسینمای ایران است که در طی سال ۶۶ تا ۶۸ فیلم‌بازی دارد. احتمال می‌رود با دیگر گویانی که وی قرار است در کنار بازیگرانی که در فیلمها ارائه می‌دهد، به‌عمل آورد بتواند خیلی زود بازیگر موقعیت‌خود را به‌عنوان یک ستاره برآورد از سینمای ایران بیست آورد.

از مرجان فیلم‌هفته‌ها هم‌زمان آسانه است که بروی نمایش درخواهد.

پیدا که سازندگان این فیلم منابعی حاصل می‌دهد، راجع حمله کرده بودند می‌نویسند. خلاصه بیست روز دیگر هم می‌رسد. بازی او در فیلم «حروس» تمام شود. سازندگان عیب‌نمایی در این مورد گرفتیم آنها عقیده دارند که علت اصلی کنار گذارنن حمید ران به‌خاطر بازیگرانی بود که او در این فیلم آنها می‌کنند است.

### کریسی را فقط بالا نهریها دوست دارند!!

● با آنکه نمایش فیلمهای درخشانی، محفل و حکیم‌نمایی ثابت کرده بود که فیلمهای کریسی فقط در سینما های بالای شهر خوب کار می‌کنند و مردم پایین شهر آن استقبال را که بالا شهرها از فیلم های او میکنند عمل نیابورند. «حسن سیاه» نیز به چنین سرنوشتی دچار شده است و درحالی که فروش سینما های آسیا، یونان و اروپای سینما ونگ عالی است سینما های پایین شهر نمایش‌دهند. این فیلم حوت و سون و کسور است!!

جا دارد همه گشادگان فیلم‌های بعدی کریسی به‌همگام عقد قرارداد با مدیران گروه نمایش‌دهنده شرایطی را مذاکره شوند که فیلم‌های کریسی حیف و میل‌نشد و با لاقال فیلمهای او را فقط در چند سینمای بالای شهر نشان‌دهند.

### در سه روز اول گروهیان برنده شد

● فروش فیلم «گروهیان» طی سه روز اول نمایش در تهران ۱۰۰ هزار تومان، حسن سیاه ۳۳۵ هزار تومان و جهنمیانه من ۳۱۰ هزار تومان بوده است. حسن سیاه در سینما های بالای شهر و جهنمیانه من در سینما های پایین‌تر از فروششان بهتر بوده است درحالی که گروهیان بطور نسبی در تمام سینما های گروه فروش خوب بوده است.

زمین و خاک مطبوعه کفریالیان. جانان بلای رقم یکصد و بیست و هزار تومان بوده است. آنسری را گرانترین هزینه فیلم‌های ایران داشته است.

### چرا «سعدیان» عوض شد؟

● همه گفته‌ها می‌گویند که سعید ران از بازی در فیلم «غضب» کنار گذارنن درموجای او درگیرا مطبوعه انتخاب کردند. این خبر از یک جهت نامعنا آید و

## حسن انتخاب



● در انتخابات هیئت رکیه انجمن شهر تهران که چند روز قبل به‌عمل آمد تیمسار رشید نادرخانی سمت رئیس انجمن شهر تهران انتخاب گردید.

تیمسار نادرخانی از امراء شاه دوست و افتخار ارتش و هواربه عضو مقامات حساس بود و آخرین مقام ارتشی منازعه فرماندهی ارتش شهبان بوده است.

منزله‌هایش از قبل بافکار بازنشستگی عضویت مجلسیوسان انتخاب شد و در اینک راجع دومین بار عضویت انجمن شهر تهران برگزیده شده و در انتخابات داخلی انجمن نیز سمت ریاست انجمن انتخاب گردیده‌اند.

تیمسار نادرخانی از افسران پاکدامن، صادق، صمیمی و در انجام وظیفه جدی و فعال می‌باشد. ما این حسن انتخاب را تبریک گفتیم و توفیق ایشان را در خدمت نهادهای آرمانی و ملت ایران آرزو داریم.





مصاحبه‌ی کوتاه با:

# بهرام ری‌پور کارگردان فیلم جن

بند در برنامه تولیدات سینمایی وزارت فرهنگ و هنر قرار نداشته، اما بهر حال این کار نیست که به تجربه‌اش خاصه در جهت پیشبرد سطح کیفی فیلمسازی ملکوتی‌نژاد وارد اینگونه نام تجربیات سورئالیستی. آمیز باشد، وزارت فرهنگ و هنر می‌تواند با «مدل» یا «سونه» سازی به پیشرفت کار کمک کند و توجهات کیفی به امر تولید فیلم دهد.

● تصور کمک در زمینه اعتلای کیفی...؟  
- بله، با تمام باهوشی که در امر فیلمسازی داریم بهر حال سینمای کشور ما سینمای جوانی حساب می‌آید و من فکر می‌کنم که بهر حال این سینما باید در «پناه» و حمایت دولت باشد تا مسیر واقعی خود را پیدا کند.  
● در مورد در «پناه» و یا در «حمایت» دولت سینما توضیح بیشتری بدهید.

- منظور از در پناه بودن و مورد حمایت قرار گرفتن این است که سینما برخلاف بسیاری از هنرها در امرات امور اقتصادی و تجاری است که بطور اختصاصی با پیوسته در کیفیت فیلمسازی مؤثر می‌افتد و منظور من از «پناه‌دانه» حمایت کردن «آزاد کردن هزینه‌های آرایشی و مشکلات است و نه دخالت در امر آفرینش.

● برای فیلم بدندان که امیدواریم فیلم داستانی بلند مدت باشد آرزوی موفقیت داریم.

● چند سال در کار سینما هستید؟  
- از زمانی که کارمطموعی من شروع شد از همان زمان به سینما علاقه‌مند شدم. یعنی ۲۰ سال است. آشنایی من با سینما با پیش از درباره سینما آغاز شد. یعنی زیربنای وسیله‌ای که برای آشنا شدن با هنر مورد علاقه خود در اختیار داشتم.  
● و بعد...

- و بعد کار فیلمسازی را بطور عملی در وزارت فرهنگ و هنر شروع کردم و تا بحال چندین فیلم در زمینه‌های مختلف و با کیفیت متفاوت ساختم.

● چگونه بنظر ساختن «جن» فیلم کوتاه‌داستانی که در چندین مسئول آشنایی‌یافته شد افتاد؟  
- داستان این فیلم را در

مجدای خواندم فضای تصویری این داستان مدتی مرا مشغول کرده بود البته مسائل مطرحه در آن برای ساختن یک فیلم بلند مناسب نبود، بالاخره بعد از یکسال با همکاری یکسری از دوستانم سازبومی با تغییراتی و اضافه و کم کردن شخصیت‌هایی تهیه فیلم و با

● شاید ایده‌های رمانواختصاص

فعالیت بیشتر در این زمینه امکان تهیه فیلمهای بلند داستانی‌درامی کارگردانی که در وزارت فرهنگ و هنر فعالیت می‌کنند فراهم آورد نظر شما در این باره چیست، خاصه اینکه در صورت تهیه فیلم‌های خوب، در لفظ نظرسرماه‌گذاری و فعالیت انتقاسی امکان تهیه فیلمها را توسط وزارت فرهنگ و هنر بیشتر خواهد کرد.  
- بطور کلی تا آنجا که اطلاع دارم ساختن فیلمهای داستانی



● «نصرت کریمی» در صحنه‌ای از فیلم «جن»

# دانششرا

## یاداون روزهای بد



پانزده سال قبل، وقتی فیلم *عروس فراری*، اولین فیلم سینما سکوپ رنگی ایران در سه سینمای «ایران - سیلا - دیانا» در تهران نمایش درآمده بود، خوب خاطرم هست که شوغای تازه ای در تهران راه افتاده بود که يك فیلم ایرانی در سه سینمای بزرگ تهران هرمان نمایش درآمده است و این مسئله توجه همه را بخود جلب کرده

و همه میگویند، سینمای ایران بزرگترین موفقیت خود دست یافته است. از آن زمان تا امروز که ملاحظه می‌کنیم که بیش از ۴۰ سینمای بزرگ تهران و شهرنشانیها اختصاص نمایش فیلمهای ایرانی در يك زمان یافته است ۱۵ سال پیش نمیگذرد، اما خوشحانه سینمای سینمای ایران آنچنان دگرگون شده و با توفیق کامل مواجه گردیده است که حتی نمیتوان برای آن تصور بود.

طوریچه آمار نشان میدهد، از میان بیش از یکپارهارد صد سیمایی که در ایران نگار متغول است قریب ۷۵۰ سینما بطور مداوم در اقصی نقاط کشور نمایش فیلمهای ایرانی اختصاص دارد و دیگر حالی برای نمایش آثار خارجی باقی نگذاشته است. این موفقیت نشان میدهد که واقعا اگر حمایت کاملی در مورد فیلم ایرانی عمل آید، سینمای ملی ایران بخواهی میتواند جای خود را در بازارهای جهان بدست آورد و جای پائی باز کند زیرا دیگر آن روزهای بد از میان رفته است و اینک اگران بزرگترین سینماهای تهران و شهرنشانیها نمایش فیلمهای ایرانی اختصاص یافته است. آرزومندی این توفیق پایدار بنامد و سینمای ایران بتواند واقعا از روی يك نقشه دقیق و حساب شده همچنان این روزهای روشن و خوب را برای خود نگاهدارد و مسئولین امر نگذارند چنین پیروزی بزرگی فدای هو سازی گروهی تهیه کننده ناوارد بدون صلاحیت شود.

علی مرتضوی

## بد شانسهای سینما

«مارسل مارتن» نویسنده و منتقد سرشناس فرانسوی کتابی دارد بنام «زبان سینما» که در آن سینما را نمره يك هر تشریح و بررسی کرده و گفته است که تاریخ سینما حدود پنجاه فیلم وجود دارد که با بزرگترین آثار هنری جهان از قبیل: *اېلباد - پارتنون و ژوکوند قابل قیاس هستند. وی در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «... ولی باید*



دانست طبیعت سینما طوری است که بر علیه خودش اسلحه بدست این و آن میدهد. مثلا برای خیلیها فیلم يك نوع کالای تجارتي است و در هیچ يك از هرها شرایط مادی نا این حد مزاحم آزادی کار هرماند نیست. سینما از نظر اکثریت مردم فقط يك تفریح و وقت گذرانی ساده است. سانور، تهیه‌کننده، پخش کننده و حتی نمایش دهنده بسیل خود در صحنهای فیلم دخل و تصرف میکند يك فیلم را فقط در يك چهارچوب زمانی معین و محدود میتواند دید و همین نكته گاهی اوقات تماشاگران پایان فیلم را قبل از آغازش میبینند و اکثرا روی برده ای که با اعزاز کادر فیلم تناسب ندارد. در هیچ يك از هرها جلب نظر منتقدین نا این حد مشکل نیست واز همه اینها گذشته هر کس تصور میکند این اجازه را دارد که درباره سینما فتاوت کند»

می‌بیند که سینما واقعا هر دانشانی است!

بهرام ری‌پور

## فردین را باید ستود

● رفتنی که از عید فطر

میان سه فیلم جهنم باشاهه من، حسن سیاه و گروهان آغاز شده اگرچه از نظر تجاری چندان برای فیلم «جهنم باشاهه من» جانب‌بده ولی از لحاظ ارزش سینمایی بود این فیلم است زیرا که زحمات فراوان و بی‌درغ «فردین» برای ساختن يك فیلم خوب در آن کاملاً چشمگیر و نمایان است.



فردین در تب دوستدانشنی و موفقیتی که با فیلم «گنج قارون» بدست آورده بود سالیها در صحنای سینمای بومی بکانه‌تاز وی‌رقیب بود و با آنکه این تیش هوزم هم‌اخوانان بیشماری چه در تهران و چه در شهرنشانیها داشت ولی خودش بخاطر احساسی که در نیکوختی آن مینمود بیکاره باوجود پیشنهادات زیاد برای بازی در این نوع فیلمها از ادامای بازی در این سری فیلمها خودداری کرد و تصمیم گرفت در قالب و کاراکترهای دیگر کارش را دنبال نماید.

شاید همین خاطر باشد که بعد از دوسال که با استودیو سیمراطلی و حاسمفلم برای بازی در يك فیلم قرارداد دارد هنوز خود را نتوانسته راضی کند در فیلمهایی که این استودیوها سوژی آنها بفردین میدهند بازی نماید. طی این دوسال قریب ده ستاروی مختلف به فردین داده شده تا او یکی از آنها را انتخاب و در آن بازی نماید ولی فردین حتی یکی از این ستاروها را برای بازی مناسب هدف خود نیاخته است. پس دیگر سکر این نلسون شد که فردین میخواهد کارهایش مورد تالید قرار گیرد و این هدف را بخواهی میتوان از تهیه فیلم «جهنم باشاهه من» حس نمود.

فردین را باید در راهی که آغاز نموده ستود و منتظر موفقیتش با ارزشی برای او شد ...

رضا شمشادیان

### نشریه هنکی : فیلم و هنر

صاحب امتیاز و مدیر : عبدالعزیز رحمانی

آدرس اداره : اندای روزگت - شماره ۳ - آپارتمان

شماره ۱۰ - شماره صندوق پستی : ۱۹۷۷

تلفن امور اداری : (۳۳۹۸۷) تلفن هیئت تحریریه : ۳۳۳۳۳۰

جای از : سکه (تلفن ۴۱۳۹۴۱)

گزارش از : جواهری (تلفن ۳۱۴۱۱۱) - (۳۳۴۱۱۱)

روی جلد : «ناصر ملک مطیعی - پوری مالی» بازیگران : عاصی

ناظم وسط ، کلبنت استوود و موس

بود ... و هیبطور فیلمهای رنگی در فوکل و دواوی خانگی و آقای روسی اتومبیل می خرد را هم که ایضا از کارهای آقای «پورتو» بودند.

ویرحال سلام آخر ما، جز آرزوی موفقیت هرچه فرابندهر آقای کارداران فستیوال ، چیز دیگری نیست . چشمشید آگرمی

## تودهنی بمخالفان سینمای ایران

اعلام فیلمهای رنگی هنسن فستیوال فیلمهای کودکان و بزرگسالان در تهران ، نود و نه چهار فیلم ایرانی، نود و نه فیلم خارجی دیگر بود برای کسانی که هنوز نمیخواهد وجود سینمای درست و سالمی را که در کنار سینمای معارف فارسی حاکم میگردد ، و روز به روز بیشتر به پیش می رود ، پذیردند .



در دشواری نمایش فیلم این فستیوال ، بارها شاهد بودیم کشمندی از کسانی که هنوز سینمای ایران را در مرحله چهار، پنج سال گذشته می دانند و با حداکثر پیشرفتن این سینما را تا حد همان «گلو» و «قیصر» که روزگاری ورد زبان همه شده بود ، می نماندند ، نمانندند جنسی «ایران تقدیم می کند» ، جلوی چشم یک مشت اجنبی ، از سینما خارج و بعد از به پایان رسیدن فیلم ایرانی وارد سینما می شدند ... این کارها به جز یک مثالی نمی باشد و یک خودنمایی بیروشن شده و پایه خیال خود آنها ، یک جوب لای جرح این سینما گذاشتن ، چه معنی می تواند داشته باشد ... هنوز یک عدد نمی دانند که دوران این نبردها و این امجوبیت کردها ، برآمده است و فیلم ایرانی را باید دید ...

در فستیوال اسامی کودکان فیلمهای خوبی نظیر «پیرام بیضالی» در حد بهترین فیلم کوتاه این فستیوال ، سیاه و سفید «پیرام شهید ناک» «زنگ تفریح «کارشما» من جقدر می دانه «قبیسه ریاحی» یک نقشه سبز «فرقنی میز» و «گدازان «علی اکبر صادقی» - «از مرکز سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان - « فیلم دیدنی «لب مثل یلیکن» از سازمان تلوویزیون ، «کارگردانی «پروتو کسماوی» و فیلم ساده و بی ادبی «جن» از وزارت فرهنگ و هنر به کارگردانی «پیرام ری پور» نمایش داده شد .

این هشت فیلم خوب ایرانی فستیوال ، در مقابل سیزده فیلم عرضه شده ، تعداد کمی نیست . می بینیم که به فیلم ایرانی ، در فستیوال برنده شده و حتی فیلم «سفر» جوایز متعددی گرفته است . اما دیدیم که تماشاگران فستیوال ، فقط برای فیلم «سفر» وضعیت «پودن «بیضالی» و موفقیت های قبلی او در «سوسو» و «از گد» بوده بود اینک «سفر» فیلم خوبی است ... ویرحال اینکه چه موقع شر این تماشاگران مثالی می باشد می شود است از سر سینمای ایران که خواهد شد ، بر ما پوشیده است . اما قدر مسلم اینست که سینمای ایران علیرغم این دستسها و باند بازیها ، پیش خواهد رفت .

رضا بهرانی

## پیشنهادی برای کانون پرورش فکری

هنسن فستیوال جهانی فیلم

های کودکان و نوجوانان از نظر کیفیت برگزاری ، صرف نظر از پارهای نقاط ضعف پرهیز ناپذیر ، محطی برای ایران باقی نگذاشتن این طبیعی بود چرا که به نظر می رسد اسامی فستیوال کارهایش را با دست کاردها سزده باند . و با حدود زمانی نیز چنین بود . اما مناسبانه فیلمهای نمایش



داده شده در جشنواره اسامی منجست المصنوع کینیایی سرتز از جشنوارههای پیشین نداشتند و حتی برخی می توان تفاوت کرد که فیلمهای فستیوال پارسال در مجموع کیفیتش بهتر از فیلمهای فستیوال آلمان داشتند «بهترین فیلمی که من در فستیوال اسامی دیدم ، یکی از اسامی «رونو پورتو» بود نمود به «اندره شور» Pickles سین برنامه رتویسکیو جشنواره ، که این خارج از مسابقه رسمی فستیوال بود و صاحب آنکه دو فیلم دیگر از بهترین آثار جشنواره هم از جریان مسابقه رسمی خارج بودند . ضحبا و آرس علیه اطلسی .

هر کیفیت بخصوص در فیلمهای طولی جشنواره سخت به چشم می خورد و بهترین نگاه این مطلب آنکه فیلمی معمولی و نه چندان درخشان در سطح «فوش» توانست سهمی بسیار بیش از آنکه آوازش بود از جوایز جشنواره بگیرد . مطلب را کوتاه کنیم . در فستیوال اسامی نزدیک به نیمی از فیلمها کارهای بد و با دردهایی متوسط بودند که باز نمی شد از آنها چشم پوشیده و به جشنواره راهشان داد . اما در اینصورت البته شماره روزهای برپائی فستیوال برشم هر ساله بانه نمیرسید و این شاید اولیای کانون را خوش نمی آمد . اما پارسال هم یکبار اشاره کردیم . واقعا چه ایرادی دارد که وقتی فیلمهای خوب به تعداد کافی در دست نیستند روزهای فستیوال را کمتر کنیم و با برعکس اگر یکسال تعداد فیلمهای باارزش زیادتری داریم ، فستیوال را در زمانی بیش از دهموز برپا داریم ، خلاصه آنکه هیچ فروشی ندارد دلزده این قید بسیاریم که فستیوال هر ساله حدا در روز زمان برگزاری داشته باشد . این زمان در سالیهای متفاوت برخی می تواند بیشتر یا کمتر شود و در هر شرایطی آخرین ملاک باید کیفیت مطلوب تمامی فیلمهای جشنواره از حد معنایی چندگونه باشد و نی .

فستیوال اسامی یک جشنواره ویژه فیلمهای سازمان جوان نیز برپا داشت که این قبل از هر چیز بیانه ای شد برای نمایش یک رشته فیلمهای کوتاه معمولی که برخی از آنها واقعا غیرقابل تحمل بودند . فستیوال مطفا اگر راه پارسال را در برگزاری یک جشنواره جشنی ادامه می داد ، به موفقیت در خور استثنائی دست می یابد .

در مقابل این ، شاهکار فستیوال اسامی ترتیب دادن برنامه رتویسکیو آثار «رونو پورتو» خالق کاراکتر «ناتس مترا» آقای روسی» بود که فرصت مفتی و غیر منتظره ای داشت داد برای نمایش پنج شش فیلم کوتاه با ارزشهایی فوق العاده (این فیلم ده ، پانزده دقیقه ای «اندره شور» را اصلا نمی توان فراموش کنیم . چه شاهکاری

## پستیچی (داریوش مهرجویی)

● نظر بانهستی که فیلم «پستیچی» داریوش مهرجویی درجه‌سازندگی سنی ایران دارد، همه نظراتی را که در زمینه اسن فیلم از صاحب‌نظران دریافت کنیم و واجد سالی باشد، مترجم چاپ‌خواهیم زد.



● داریوش مهرجویی سازنده فیلم «پستیچی» ...

بکی از خصوصیات فیلم - سازی، احاطه کامل و آگاهسی وسیع بر فرهنگ انجمنی تا حدیک روانشناس وارد و جامعه‌شناس‌ماهر است، به‌نحوی که فیلمساز بخوبی قادر به درک این واقعیت گردد که به‌معنای یک فرد هنرمند در قبال جامعه، رسالت و تعهد انسانی به عهده دارد. ارزش کار مهرجویی برکنار از نیروی بصری‌اش و جدا از کدو کاورگی فلسفی‌اش دقت فراوان و هوش و فراستی که در همین نکته است، تعجب، سگال و مهرجویی برای هر فیلمساز بخرج مینهد نشانه این حیثیت است که وی به ارزش وفادار و به حرفش بویست است. نگرشی منطقی و آگاهانه به حد اصلی فیلمهای او (گاو - هائو - پستیچی) بیش از هر چیز ذهن بیدار و خرسه دانایی را میرساند. کاراکتر اصلی فیلمهای مهرجویی همواره بازناب و آینه تمام‌نمایی از جامعه خویشند و بی‌مبایا قربانی نجاتیم این نیرو می‌گردند. طبیعت از افق دیدفرمان فیلمهای مهرجویی، نفس است همه

سوی‌رهای و استحاله. و در آخرین ساخته مهرجویی پستیچی، سرانجام سنیاتی‌مهرجویی را شاهدیم. آغازگر فیلم، فصل‌انگیزی است: تقی پستیچی، آدمی که خود را در ارقام و اعداد محصور کرده و نه‌تدید سخت و اقبال زنده است، از درون ماهیها بتدریج پدیدار میشود - جوستی متن و ویژه در این فصل و طبقه‌ای سنگین‌تر از یک ملودی ساده را به‌عصه دارد - زندگی بیروح و بیرنگ او با برس و رنگرانی از تراکم بدهی و افساد تصویر میشود، ازباق تقی، مالک و دامداری است که دانهایش درناز شیوع مرض ناشناخته و مرموزی مملکت میشود. باورود یک‌نهستی از فرنگ رنگنه همه چیز تغییر میکند، وی مصمم است با پرورش

مرک و میر دامها دناز لیسروی مجهول و ناشناخته نشنل گویایی است از گرسنگی در جهان سوم را نکو. و خصوصیت اجلائی‌مالکت که طبع آرام و «لطیف» گویند را از دست داده و خوی کربانوک را صاحب شده از سویی دیگر. تحت ادوا و فرار گرفتن تقی فرد «دام پرنش»، وابسته‌ای بعصه همان رفتاری را که بادامها دارد، باوی نیز بعمل می‌آورد، جیره دیگری از استمداد و گرفتن تقی فرد «دام دیایی سوم می‌نمایاند (به اسامه جالبکه دامپرنش، تقی را وادار به جانندن گونتها و لیسورند گونتها می‌نماید). ورود مهساز از فرنگ رنگنه همراه نخته غربی‌اش و طرح پیشنهادی و اجسرانیش؛ پرورش خوگیا بجای دامها، و

سین ناراح تنها زبون تقی یعنی هسز ربایش دال بررخه سبواصل سناک است در ذره ذره هستی آندهای جهان سوم. عکس‌الععمل مجاهدانه تقی در مقابله با این جبر خالی باهمنس و آزار، سخت سرحراکلیس و مصوبانه است؛ مصاف دادن با تشک خالی باهمنس و آزاراب - اذیت و آزار سرلشنان یک انومبیل و نگرستن همه آندها از یک درجه - بیرون ریش نامهای پستی همه زمره عدم خلاصه به‌ارتباط آندها، متفکرانانین و در عین حال بوجز ترین سکاس فیلم، فصل نهایی است که تقی به طبیعت گریز زده وندویانگی کشیده شده و ناآگاهانه هسز را بفصل پارسالنده است. این انتها وانجام کار جهان سوم‌استکه

# کارگاه شادمانی

## با شرکت تضامنی برادران آپاراتچی



### بخش حمایت از حیوانات

طبق آخرین گزارشات واصله به دفتر کارگاه - مغربی می‌گشاید با ششصد سدهای مردانه و دلگش (با نام کاف) و دو (دوای نمره ۲) از ترس بیخوش می‌شود و قبل از رسیدن به بیمارستان در بی‌راه جابجا جان میدهد و نعل خاک‌نورده مرور تنواری است.

با رسیدن این خبر - کارگاه تصمیم به افتتاح بخش جدیدی تحت عنوان «حمایت از حیوانات» گرفت و در همین بخش به مصرف‌کنندگان لغتی توصیه می‌شود که برای از بین بردن حشرات مثل مگس - پشه - زنبور - سوک - مورچ - سگکون و ساس کافی است سطحهای زیرین از این خواننده را روی گرام

بگذارید و به‌طور احذ بهترین نتیجه تا ۹۰ دقیقه پس از انجام این کار در ویجره را بسته‌نگارید البته لازمت بلافاصله اطای را ترک گویند.

### بخش زن و زندگی

دنیال کوش‌مطخ «بانوان» در نظر خواهی از هم‌رندان (مرد) به‌طور کتف زبان دلخواه آنها - حال کارگاه حوشوقت است اطلاع رساند که پس از مطالعات فراوان به نحوه های مورد نظر دست یافته است و مطمئناً میدهد که این سونه‌ها از هرجهت با مشخصات دلخواه هم‌رندان قابل انطباق می‌باشد:

موجر : زن دلخواه من .  
باید وزن بدنش به اندازه‌ای باشد که بتوانم روی‌ش‌های بلندش کنم.  
کارگاه : دقیقاً در حدود کسی سگتر از وزن «عابد» و قدری



زن - کجا؟ شوهر - از دست دارم میرم «جهنم»!

که «متر» اخبراً قفوری «واقعیت بیس» هی «لارمه» را بر هروخ «احسانات بیبوره» ترجیح داده و بگومگو هائی را پیش آورده است روی این نظر کارگاه از آوردن نام سوبه دلخواه ایشان تا اطلاع ثانوی خودداری می‌نماید.  
فردیون فرج‌زاد : زن دلخواه من باید چشم هایش به رنگ سبز و مویش سیاه باشد . لباس هائی به رنگهای ساده و روشن بپوشد البته رنگ اهنیتی ندارد هم آستنگه افکار بزرگی داشته باشد .  
کارگاه : از جمله «بانوان» شتوال می‌شود که آیا با «فردیون فرج‌زاد» قید از امتحان و شان راین «صلاحیت» خود میتواند در این نظر خواهی شرکت نماید ؟

### بخش در ضعف و پیری

حکایت : از پیرمردی ضعیف که از پس نتاشگران فیلدهای کودگان همی آمد . پرسیدمش که ترا بافیلدهای کودگان چکارکه چون پیر ندی ر کودکی دست‌باز بازی و طراف جوانان بگسار نالید و گت ای جوان تا کودکان بیابوردم اگر کودکی بگوم حال فقط برای حل معمای این فیلم ها برای بومام آمدمم و حال برماندمم که چه جواش بدمچون ترجمام را هنوز خام می‌بینم .

### بخش آخرین خبر

دنیال خبر پیروزی نیکسون در انتخابات و یکبارزه در دنیالناایع شد که «سپس غلیظه» به‌طریق خلق دست بخودکنی زده است . چون مرد مورد علاقه‌اش گویا‌فند ازواج دارد و برای این موضوع او باستفال مرگ رفته است .  
مفسرین سیاسی کارگاه ، گزارش بر ایبوره تهیه نبدند که عهده آینده ارائه خواهد شد .

سگینر از «تهنار نهانی» فردی : زن دلخواه من باید چشم و مو منکی باشد سانه‌آرایش کند و در لباس خوش سلیقه باشد . بلند قد و خوش قامت هم باشد .  
واقعین و طرفدار موسیقی ایرانی (بازهم) باشد .  
کارگاه : درست شبیه مثلاً خانم «پوری بنائی»  
ایرج : زن دلخواه من باید میزان تصبیلات او خیلی زیبا و درک هنریش به همان اندازه باشد واقعین و طرفدار صد ترصد موسیقی اسپیل ایرانی باشد .  
کارگاه : با کمال تألم به استحصار میرساند که هیچ زنی در دنیا پیدا نمی‌شود که با درک‌هری خیلی زیاد فقط طرفدار صد ترصد موسیقی اسپیل ایرانی باشد .  
آغاسی : زن دلخواه من باید سیاه چشم و سیاه مو که بلندی مویش تا کمر باشد . بلند قد . طرفدار موسیقی ایرانی شماند آید .  
کارگاه : درست شبیه آشتیاز نهانی خانم «تهنیر» که ساهاستاز طرفداران موسیقی اسپیل ایرانی بشمار می‌آید و بلندی مویش به اندازه دور کمرش میباشد .  
فرح ساجدی : زن دلخواه من فقط باید با احساس باشد میزان معلومات هنری و با سوادش اهنیتی ندارد و لباس هائی به رنگ لیمونی بپوشد .  
کارگاه : عیبا مثل حسابوم کتابون (گتی‌نایلو) البته بشرطی که لباس به رنگ لیمونی پوشیده باشد .

ثابت‌امانی : زن دلخواه من باید رتالینت و در عین حساس کسی هم با احساس باشد .  
کارگاه : نوسخ بیشترنی مورد احتیاج است .  
باسر مقلانطعی : زن دلخواه من باید واقعینتر را بره‌راشوع احسانات پیوردر ترجیح بدهد .  
کارگاه : حدس زده می‌شود

## بازگشت

# از سر زمین «عاصی»ها

✽ «ناصر ملک مطیعی - پوری بنائی و  
منوچهر وثوق» در جنگل مرگ ....

✽ هر لحظه حادثه‌ای در کمین بازیگران  
فیلم «عاصی» است .



سعد طللی صحنه را برای ناصر ملک مطیعی تریج میکند . شبانی ( نهب کشنده ) مصطفی عالیسان ( فیلمبردار ) و رفیع در عکس دیده می‌شوند .



همه چیز آماده است . کار آغاز میگردد، طللی آخرین دستورات را میدهد و عالیسان آماده است که صحنه را فیلمبرداری کند .

یک حادثه ناگهانی، ناصر ملک مطیعی از اسب سقوط کرده و یاری راه رفتن ندارد . رفیع و چنگیز دون از بازیگران فیلم او را برای سوار شدن ماشین یاری میدهند .



شهرها در میان کوه های سر بلك  
کتیسه جتیارى است . آفتاب  
مطلوع پائیزی و جاده سیاه و  
پکتواخت ما را در رخوت می‌برد .  
اما این رخوت دیری نس پایدیرا  
از دور شهرها نمایان می شود .  
شهری که فقط از يك جایبان و  
مقداری كوچه تشکیل گردیده است .

از شهرها که رد می شویم پس  
از گذشت چند کیلومتر بجاده‌ای  
خاکی می‌پیچیم . پشت سرمان  
انبوه خاکی است که بهوا بلند  
میشود . تا چشم کار میکند بیابان  
است . نه آبی ، نه غلغلی ، ندرختی .  
بالاخره کورمه‌ها شروع می‌شود .  
بافرچان رسیده ایم . يك دهکده  
مانده هونجان ، مقر اکیب هنرمندان  
فیلم عاصی . جاده پارک است و  
خطرناک ، همه سنگلاخ و بریده  
بریده . از كوچه پانتهائی میگذریم  
که پائیز رنگ دلپذیری بدرخت‌ها  
داده است . از این پل بروی آن  
پل ، از این جاده بان جاده ، از  
این کوه بان کوه و بالاخره هونجان  
از دور پیدا می‌شود . بچه های  
خاك گرفته ، مردانی که در آفتاب  
لمبدهاند و گرد و خاك را با دود  
سیگار و چپق فرو میدهند . در  
يك سر بالائی تند ماشین می‌ایستد .  
اینجا مقصد است . از ماشین پیاده  
شویم و داخل حیاط می‌شویم .  
صحن حیاط منلو از گل است و

● هوا تاریک و روشن است  
که خردم را بهیابان میرسانم .  
هدف فرودگاه مهرآباد است . در  
آن ساعات جز از ماشینهای جوارى  
که سرعت میگذرند ، از تاکسی  
خبری نیست ناچار با يك تاکسی یار  
خردم را به فرودگاه میرسانم . چندان  
در دست منتظر میمانم تا ماشینی  
نهبی کشنده فیلم نیاید . با او در  
این سفر همراه .

وقتی جت غول پیکس از  
فرودگاه پرواز میکند ساعت ۷  
است در طی راه با شبیانی صحبت  
میکنم و او از خطرات و حوادثی  
که برای هنرمندان و کارکنان  
فیلم در طی دو هفته روی داده است  
برایم صحبت میکند . شبانی نهبی  
کشنده تازه نفسی است که بیوسه  
در صدد نهبی فیلم خوب است . تلاش  
میکند که هر فراموشی از فیلم قبلی  
بهنر نود و تاکنون هرچه فیلم  
ساخته با اقبال عموم مواجه شده  
است . اما فیلم عاصی در میان فیلم  
های او فیلم دیگری است . وقتی  
هواپسای غرش کمان بزمن می -  
شوند ، خاکدان - مدبر تشارکات  
فیلم که بیوسه فیلمهای اینچنین  
را برای کار انتخاب میکنند بایستی  
دیگر از کارکنان اکیب فنی در  
انتظار ما است . ماشین خیلی زود  
ما را بجاده شیراز می‌گذارد . محل  
فیلمبرداری ۵۰ کیلومتر دورتر از



سقوط ، خطر ترك ، یکی از صحنه های لشکرها از پشت بام بر زمین می افتد. شیبانی ( تهیه کننده ) و منوچهر وثوق او را که پایش آسب دیده و مدتی هم بی هووش بوده به بیرون از صحنه می برند .

بوی آن فضا را پر کرده است . باستانی‌نمان می آید . چهره های سوخته و آفتاب خورده هنرمندان و سپاهي لشکرها و اکیپ فنی حاکی از کار زیاد و طاقت فرمائی است که داشته اند . منوچهر وثوق و سپس سعید مطیعی و عالیپان ، جلال مهران . با آنها خوشبوش کرده وارد اتاق پوری بانئی می شویم . در و دیوار اتاق او ملو از روی جلد مجلات است و پوری در پتو خوابیده و مریض است و ناسر ملك مطیعی در کنار او . دو روز قبل پوری از اسپریمین اتاده و سخت بدنش ضربه خورده و بهلاوه يك سرماخوردگی او را از پای درآورده است . ناسر ملك مطیعی دست بکتر بلند می خورد . او نیز هنگام آسب سواری از آسب زمین خورده و دستش جراحت برداشته و ضربه ای که بکمرش خورده از کار بازش داشته است . مهرداد بریا است و درصدد کار ، منوچهر وثوق نیز از این دو دست کمی ندارد . سقوط از پشت آسب یاو ضربه وارز کرده . پایش درد می کند و دستش جبروج است .

در هر حال دیدار تهیه کننده فیلم با آنها جمع سبب می شود که دوستان اندکی بخود آید . ورود من در آن جمع موجب تصحاست .

من ششصد کیلومتر را پیموادم که از پشت صحنه فیلم ناسی ریزناز تهیه کنمو گزارشی برای خوانندگان مجله تدارك بستم . قبل از هرچیز از من آخرین شماره فیلم و هنر را میخواهید و سپس حمله طرفی آن و با همین اختیار و مطالب آن . از اتاق پوری بانئی بیرون می آیم و برسان بزرگی که در آن ملك مطیعی ، منوچهر وثوق ، سعید مطیعی ، خاکدان و شیبانی ( تهیه کننده فیلم ) بر می روند میرویم . همه آشتایان جمع میگردند و صحبت شروع می شود . در اینجا باز هم صحبت عیدها فرستاد و فیلم گروهیان و جهیموس .

●

سبحانه را که مخبور بود مسائل کار آماده می شود . قرار است امروز سکانس يك میخانه که در آن عدالته بنیدار یکی دیگر سراز پارانش می آید فیلمبرداری شود . در يك زیر زمین متروکه که بقول اهالی دویت سال قبل ساخته شده است ، وسائلی صحنه چیده شده . خوشبخت یکی از بازیگران فیلم که بنفس رحمان ظاهر می شود ، دو میخانه مشغول انداختن میغ قلدوران حاضر در صحنه است و طبش انداختن میغ چهار نفر با یکدیگر است که رفیع یکی دیگر از بازیگران فیلم که در نقش اسلان ظاهر میگرد

مفاش سبز می شود و خیر رورود عدالته را باو میدهد . سعید مطیعی که کارگردانی فیلم را عهددار است با عالیپان فیلمبردار فیلم سه گشکو می برنازند . این سکانس که شاید در حدود يك با دو دقیقه فیلم بیشتر باشد به ۱۵ پلان تقسیم میگردد و طبق امکانات محیط سراز دو کواچ می شود . شیبانی تهیه کننده فیلم در تمام احوال در کساف نظارت دارد و در بعضی مواقع نظریات جالبی ارائه میدهد که قبول می شود . شیبانی پستان عاسی سخت علاقمند است و تمام اوقات به آن فکر میکند .

●

برای فیلمبرداری های سکانس ۵ ساعت وقت صرف میگردد . وقتی از میخانه قنبری بیرون می آئیم ، ساعت چهار بعد از ظهر است و انگار همه در فکر آوردن کس که کار بنحو دلخواه پایان یابد .

●

در محل اقامت اکیپ سفره چهار پهن می شود . در سر ناهار صحبت از کار بعد از ظهر است . مدت دو هفته است که اکیپ در هرجان بر می رود ، اما به علت مشکل بودن کار بیش از چند سکانس فیلمبرداری نشده است . کار بعد از ظهر را در سر نهار تدارك

می بینند . يك گروه زیر نظیر خاکدان برای تهیه وسائلی و آماده کردن مقدمات کار میروند و شیبانی ، مطیعی و عالیپان و مهران با یکدیگر به تبادل نظر و دوکواچ صحنه ای که قرار است فیلمبرداری شود می پردازند ، زمن مشغول صحبت با ملك مطیعی و منوچهر وثوق . ملك مطیعی معتقد است که این مشکل ترین کاری است که در سینما بدان پرداخته ، زیرا داستان فیلم ملوری است که وی میساخته شخصا همه کارها را انجام رساند . پیوسته سرازه ، گریز ستیز ، تیراندازی ، زد و خورد ، آسب سواری در روی کوهها ، نهعا و جاده های آهواور . دستش را نشان میدهد ، از پنج او سخت آسب دیده است و هنوز زخمی که بر سر جاد مانده اقیام نیز برده . کمرش درد میکند و این حاصل يك صحنه از فیلم است که آسب او را بر زمین انداخته و توفیک بوده که زیر دست و پای آنها از بین رفته .

●

منوچهر وثوق نیز که مدت کوتاهی است باسب سواری برداشته است همین درد دچار شده و سقوط از آسب باعث جراحت دست ، ضرب دیدگی در مچ پا و آسیب دیدگی در پشت او شده است و ملوری که در یکی دو صحنه نیز از بسدل بقیه در صحنه ۶۹

## گفتگویی با:



## فاطمی نظام

۴۰

● منتهای محل استفاده از موسیقی و اینکه از کجا باید شروع شود، خیلی مهم است که متأسفانه در فیلم های ایرانی - چه آنها که از موزیک خارجی استفاده می کنند - و چه آنها که نمی کنند هیچکدام رعایت این مسئله نمی شود.

● اگر شما یک تراولست بلدان، یک تیلت و با یک زوم بدون تکان در تمام فیلم های ایرانی پیدا کنید در - است قبول می کنم که تکنیک سینمای ایران پیشرفته تر از کارگردانهاست.

● موزیک فیلمهای اخیرشما به صورت صدای غارق در آمده است... در این مورد توضیحاتی دارید؟

فاطمی: موزیک فیلم عصر بسیار مهمی است. البته اگر از آن خوب استفاده شود. ولی اگر قرار باشد که یک ملودی بگیرند و آریا مرتب کند کنند و تشه کنند و در جاهای مختلف فیلم بورد استفاده قرار بدهد که این موزیک را اگر اصلاً نگذارند بهتر است. غیر از این، منتهای محل استفاده از موسیقی و اینکه از کجا باید شروع شود، خیلی مهم است که متأسفانه در فیلم های ایرانی - چه آنها که در ایران موزیک ساخته می شود و چه آنها که از موزیک خارجی استفاده می کنند - هیچکدام رعایت این مسئله نمی شود. مثلاً جایی که باید موزیک باشد، محبت و جایی که باید صد در صد موزیک وجود داشته باشد، نیست. جایی که باید موزیک رمانتیک باشد، موزیک خشن است و جایی که باید خشن باشد، رومانسیک است.

در حال حاضر در کار موزیک یک حالت فزاینده وجود دارد که آن شرف ناپیداست. در حالی که خود کارگردان باید به سلیقه خودش به کسی که موزیک می سازد بگوید من دلم نمیخواهد در این قسمت موزیک شنیده شود یا اینجا ضربی موزیکال بد بیشتر باشد، اینجا پریموناز حرف بزنند... البته کارگردانی که مید این کار را داشته باشد.

من اکثر فیلم های را که روشن موزیک گذاشته شده، نسنجیدم، حتی خود قضا را که من به ندرت موزیک گذاشتم. اما طاروت باشم، منتهای من در این کار تجربه خوبی خودم داشته ام و ندیدم که کسی دیگری داشته باشد موزیک که برای فیلم ساخته اند. تکنی و فیلم کرده

باند، جز اینکه سفارشات فروش رفته، از دیگری نداشته است.

ما فیلمهای زیادی می بینیم که چه از نظر هنری و چه از نظر تعارضی موفقیت داشتند ولی برای آنها موزیک متن ساخته نشد. همین فیلم های زیادی داشته ام که در ایران موزیک ساخته شده ولی نه از نظر هنری و نه از نظر تعارضی موفقیتی کسب نکرده اند.

● سینمای ایران را از نظر تکنیک در چه مرحله ای می بینید؟

فاطمی: برخلاف آنچه شایع شده تکنیک سینمای ایران خوب است یعنی پیشرفته تر از کار کارگردانهاست. من می خواهم بگویم که تکنیک سینمای ایران هنوز سفر است می بینید که ما هنوز ما دورین خری فیلم می گیریم - هنوز گرفتار کار کردن در خانه های مردم هستیم، آنها هم جزو تکنیک است فرق نمی کند. تکنیک عازت است از فیلمبردار خوب و دورین خوب موتور خوب و مووی های خوب دکور خوب و دکوراتور خوب. تکنیک عازت از این نیست که رنگ یک فیلم پوری دریا بد کند اما شایع است از آن خوش نیاید و به به بگوید که رنگ این فیلم خوب بود. رنگ فیلم دلیل تکنیک خوب نیست.

تکنیک سینمای ایران خیلی ضعیف است، به دلیل اینکه هیچ گونه آموزش تکنیکی در ایران وجود نداشته است. هر کسی که در ایران تکنیک را فرا گرفته، نمونه مالیت، یعنی خودش با ذوق و علاقه و تجربه ای کم دارد کار می کند ولی اگر شما یک تراولست، یک بان یا یک تیلت بدون لرنرش و با یک زوم بدون تکان در تمام فیلمهای ایرانی پیدا کنید بنده درست قبول می کنم که تکنیک سینمای ایران پیشرفته تر از کار کارگردانهاست. این عوامل است که جمع می شود و یک فیلم خوب را می سازد که در مملکت ما به هیچ گرفته شده است...

متأسفانه در سینمای مملکت ما چشم و همچشمی به طرز احمقانه وجود دارد. تا یک کسی می رود لایرانواز رنگی می آورد فوراً ده نفر دیگر هم همین کار را می کنند در صورتی سالی یک فیلم رنگی هم در ایران ساخته نمی شود.

شاه، تعداد استودیوهای را که لایرانواز رنگی دارند بشمارید و بعد می بینید که تعداد استودیوهای

که یک آرک - یعنی لازم نرسد وسیله فیلمبرداری - دارند چندتر است وسیله ای که در حال حاضر در فیلمهای تلویزیونی هم مورد استفاده قرار می گیرد... همینطور است پرودکنورهای کوچک و بزرگ و لنزهای مختلف... هیچکس به فکر این نیفتاده که به جای خرج ۵۰۰ هزار تومان برای لایرانواز رنگی، چهارتا دورین فیلمبرداری حرفه ای - نه خری - چهارتا شایروبی خوب، چند تا حرکتییل و پرودکنور خوب یعنی وسایلی که این روزها کوچکترین استودیو های رم هم دارند بخرند... با یک دستگاه صدابرداری خوب ما ممکن است که حتی دستگاههای خوب صدا برداری داشته باشیم ولی کسی را که بتواند صدای خوب بگیرد نداریم. چون کسی برای این کار پرورش نیافته است.

یکی از این استودیوها پیدا نمی شود که چهار نفر را به خرج خودش به خارج بفرستد. یکی را برای مونتاژ، یکی را برای چاپ و لایرانواز... افعالی مخصوص و...

تمام افراد کارهای فنی ما خودرو هستند، در صورتی که آنها چیزی که نمی تواند خودرو باشد افراد کار فنی است. یعنی ممکن است که کارگردان خودرو باشد، چون کارگردانی به عقیده من آموزش ندارد. در هر دانشکده ای که بروید یک مقدار تئوری است و بقیه سنگر دارد به ذوق و سلیقه و میزان مدیریت، تا خیلی از فارغ التحصیلان مدرسه ای یک راداریه که نتوانسته اند کار خوبی ارائه بدهند.

ولی تکنیک دودوتا چهارتا است. به کسی می گویند که صدا را باید بشنود گرفت و راه دومی ندارد و او یاد می گیرد و عمل می کند. ولی هیچوقت کسی برای این کارها اقدام نکرده است.



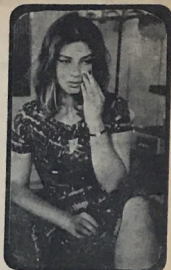


● «سهیلا» در روزهای آخر فعالیت در سینما

«سهیلا»

هم

رفت!



● سهیلا در روزهایی که تازه به سینما آمد بود.

اگر کسی با حرفهایش عموماً با شما خنده‌های سر می‌گشاید و خیلی از مسائل را بازگو میکند... ولی من میخواهم دره او را تازه کنم و به است خنده‌هایش مهیج برود میگویند.

— برای فرار از این حرفها چکار میخواهی بکنی؟ خنده تلخ تحویل میدهند.

— چکار میخواهم بکنم؟ سهیلا را با نامهای ناله‌ای که با آن دارم می‌بوسم و کنار میگذارم!

جوابش را انتظار میدهم! ... میخواهی بگویی که قادر هستی اینکار را بکنی؟ می‌تواند بگویی بله ولی من تصور میکنم این یک تصمیم روزگرم و ناپایدار است... زیرا آنچه من تصمیم گرفته‌ام سهیلا را کنار بگذارم، اما هر بار بعضی در فیلم بازی کردی... با جمله حرف را قطع میکند.

— اما ایندفعه دیگر تصمیم عوض نخواهد شد. اگر آفتابها به سهیلا رنگتیم، فقط بعلت احتیاج مادی بود که داشتیم. من هیچگاه نتوانستم بخاطر مادیات خرج زندگیم را از حرکت باز ایستد... همین جهت بخیرها هم کمک کردم... ولی ایسار تصمیم دارم درس نتوانم و بهندس بشوم.

با لحن سؤال میکند: تو میخواهی با این من وسایل درس بخوانی؟

— آره، حالا که بیست و هشت سال دارم درس نتوانم و با شهادت هم میگویم که مثل یک بچه مدرسه‌ای بزم را از نوبی کتاب درس و مثل بلد نسکتم.

حالا زن خندناز شده، زن خندناز بدون درد... او او می‌بوسد چرا از شوهرت طلاق گرفتی؟

— بخاطر اینکه ایسلا با هم توافق اخلاقی داشتیم.

— جنسی پیش جندها داشته شد؟ میخواهد با شخصیت که در کار سهیلا دست دارد از قواچ بگوید و جایی شوم تازی بفرم. خند هم رفته، اما مثل اینکه حلقه‌هایش را با من نداده!

سندرسه من میخواهم که چهار ازدواج دورتره اخلاقی بکنم در صفا ۱۰

«من دیگر از بازی کردن در فیلمهای فارسی حسه نندادم. دلم میخواهد مثل تمام زنها، بخانه وردندگی خودم برسم. خودم غذا بپزم خودم رخت بشویم و مثل هر روز دیگری در مسائل خانه صاحب نظر باشم. آخر ناکی باید در این سینما انگشت‌های این و آن بود! ناکی باید حرفهای ضد و نقیض دیگران را شنید. من جرات نسکتم تنها نوبی خیابان قدم بزم. از هر پنج نفر آمد، دوترا منک مسکوند، و بخاطر اینکه روی پرده سهیلا خانم هریشته نندادم و توسط رئیس فلان نادمه دزدیده نندادم مرا! با چشم دیگری نگاه میکند!...»

سهیلا هریشته قدسی فیلمهای ایرانی، با این کلمات سرحرف را باز میکند... یکروز حرف میزند و نزدیک است گریه‌اش بگیرد از او سؤال میکند:

— چه خبر شده، مگه اتفاق افتاده که اینقدر ناراحتی؟ ... ناراحت و عصبانی میگویند.

— چه اتفاقی از این ناگوارتر که بچه من و برادرم بخاطر اینکه مادر و خواهرتان هریشته است، از این و آن لحنه بشوند من میخواهم نندادم مگر هریشته گناه است؟ والله، بخدا همه جای دنیا بزن و مرد هریشته احترام مسکندارند، اما اینجا همه بچشم دیگری آمد را نگاه میکنند، خصوصاً اگر زن باشد.

— آ حاجتی با او جمعینده هست... منی از هریشته‌گان ما بچه‌بچه در جامعه آنگنان که باید تحویل گرفته نشوند «درداشته‌ها خیال بد است و اشیعار گویند، اگر زنی در فیلم رقصید و با نقش پاک داشته را اجرا کرد نباید قضاوت مردم نسبت بآن هریشته تغییر کند زیرا نقش او انجام میکند تا در چنین قالبی هرچقدر را پیاده کند قاصله برده سهیلا، بآندگی واقع خیالی زیاد است... سهیلا همه از همین مینالد او میگویند.

— من دیگر هیچگاه در فیلمهای نسکی بازی نخواهم کرد. من اگر در فیلم بازی کنم روزی سر می‌کنم و دمان بلد می‌رویم. دلم میخواهد بپرم وقتی بزرگ شد از اینکه مادرش یک هریشته بوده است عجلت نکند.

من نندادم چه اتفاق افتاده... زیرا سهیلا خیلی دلتی بر است.

# رهالی «ناصر تقوالی» در جشنواره بین المللی سائفر انسیسکو

## اختصاصی برای فیلم و هنر از : سعید صالحی (آمریکا)

سرمایان اصلی جشنواره اسانلایلا، برده فیلساز فوق عیار بوده از :  
ژان پائول سارتر، آل گاس، فرانک فوری، فرانسیس فورد کوپولا، ریچارد برتون، زان کسود و پالی، پل توردی و زان لولا گودلی.  
بجز این گروه، آنتی ورنال، سیلویا سبار و ویرجینیاماسیسا نیز با درخشان روزهای جشنواره به پیوسته که حضورشان بر سر افشانی بود.

جشنواره با آخرین فیلمهای رنگی، فیلساز معروف سینمای ایتالیا به نام فرود، طبعی براس پرشکوهی افتتاح شد. فیلم های جشنواره از میان آثار برگزیده پیش ازین کشور جهان اختصاص شده بود که کیفیت هنری و اجتماعی آنها در سطح بسیار والاتر قرار داشت.

هفته فیلم فنی، که بر پایه های فکری این فیلساز تکیه دارد، روز را در چند زبان و دوره اجرا نشان میدهد که در یکدیگر ادغام شده است. حضور اسانلایلان بر سر رونق پانک جوان ایتالیایی (فایده خود فنی) به در بر زمان حکومت فاشیستی، دیانو موسولینی دور میرسد که جهانی است برای فیلساز تا گوشه های از زندگی، طغیان مختلف مردم را در بر زمان گذشته، حال و آینده را نشان دهد. روز گذشته، همان سایر رنگین فنی است که فایلا فنی با فرم برهجات زیبای حرفش گسترده بود. اما در این جا به جز لفظی چند، موفقیت زمانی برای زمینه ندارد. روز زمان موسولینی، همان چیزی است که فنی به خود سر بر میخیزد و در اثر مرور زمان از واقع گویی مطلق میروید و چون تو اصلی فیلم در این قسمت جلوه گر است. ما باز با همان چهار چهره های رنگ و روغنی و نمایش های مستعدی و مردم خانی روم سرو میرویم، مشغول به طاعت سر برگی میانی از دست تقوالی در کل این فضاست به چو میخورد اما از طرفی چیزی به طرز چشمگیری نمی آید. روم آینده که روم امروز باشد، چیزی است که فنی نهایت پلانی طرز به کارش میگرداند زیرا با چشمه های سرگردان که در لفظان فیلمهای داده است، ادامه میدهد به

● اسانل - خاتمه عین سال برگزاری جشنواره بین المللی فیلم در سائفر انسیسکو برگزار شد. آنان جایی که من به خاطر دارم، فقط یکبار. آنچه موفقی که بهترین فیلم در این دست کارگردان برای پانک افشانی بر روی شرف در این جشنواره به نمایش درآمد، مطلق بر سر صحنه درخشندگی، به چهره های که بیشتر مربوط بهترین دستیاران تا صوفیت جشنواره، مشافهات و با وجود این که جشنواره سائفر انسیسکو از اقصی برای با جشنواره عالی بود. سائنگو - برلین و غیره بر خوردار است، هنوز در میان طیفه سینما روی کشور ما نشانها و نشانها باقی مانده است. اندام مطلق برین می میوه که در برده این جشنواره سینمایی، سر از خانه سال برگزاری - اطلاعاتی در اختیار طاقانها گذاشته خود را چگونگی برگزاری و کیفیت فیلمهای نمایش داده شده، آگاهی حاصل بکنند.

● جشنواره فیلم سائفر انسیسکو که جنبه بین المللی دارد - هر ساله نزدیک اکثر با نمایش یک فیلم در صحنه افتتاح می شود. جشنواره اسانل در تاریخ ۱۶ اکتبر در لاج هرهای زیبا افتتاح شد و پسر بازده روز نمایش بر روی فیلمهای - در تاریخ ۲۲ اکتبر جلوه پذیرفت. خلق رسو در این جشنواره، آثار برگزیده پانک یا نو سینماگر بر صحنه نیز به طور چشمی به نمایش درمی آید که گاه گاه این آثار - در طمان حسرت و سفرهای کناری آنها با او و طرح سؤالات تربیتی هر چه فرگشت می کند و به سه سؤالات ملاقاتی حاضر بر صحنه پاسخ میگوید - اسانل برای بهترین نمایش های سینمایی این جشنواره که آثارشان در خلال روزهای - برگزاری جشنواره، نمایش در دست «تقوالی» و «براولو والی» بودند که هر دو از سینماگران فنی و گه گاه عالی بود نشان میروند که فضا آثار ارزنده این دو سینماگر بزرگ را به خاطر دارد.



● رهالی - از «ناصر تقوالی» با استقبال دورو شد این فیلم در جشنواره و نیز در خارج گرفت

● تصویر اول - هر صحنه ساخته کار فرانک فوری  
● تصویر فنی شروع شد - تصویر اول اسانل با فیلم اروپا





● سروس حسیور و عباس دسترخ در الفرف ساخته فراموش نشدنی پسران بیضالی

## شاهکار کوچک «بیضالی» به فستیوال امسال اعتبار بخشید نگاهی به فیلمهای ایرانی هفتمین فستیوال جهانی فیلمهای کودکان و نوجوانان جمشید اکرمی

● تعداد فیلمهای ایرانی عرضه شده به هفتمین جشنواره جهانی فیلمهای کودکان و نوجوانان را رقم زکرده شگن (۱۳۱) شماره گذشت که از این میان ۹ فیلم از محصولات خون «کانون پرورش گفتری کودکان و نوجوانان» بود و دو فیلم از فرآورده های سینمایی وزارت فرهنگ و هنر (جن - شکار ماه) و دو فیلم نیز از مرکز تولید فیلم تلویزیونی ملی ایران («پ» مثل بلیکان - اینسانل متوخ) .

از میان این تعداد فیلم ، فیلمهای «فلقی متحرک» و فیلمهای زنده ، سهم کمابیش برابر داشته ، اما آنچه که آثار را به چشم خود، بیشتر شخصیت کانون پرورش گفتری بود در زمینه ساختن آساز فلقی متحرک ، و این بیشتر خوشخانه هردو جنبه لازم و ملزوم خود را داشت . یعنی آنکه این فیلمها تنها پرداخت های تکنیکی شسته رفتاری داشته ، بلکه ایده های تیزتر و پیکرتری را هم در قابهای خود متبلور ساخته بودند .

انگار این واقفیت اندک اندک به پیش کارتونبستهای کانون نیز رسیده است که منبوه «فلقی متحرک» چه جولانگاه فرانس است برای نازیدن ایسان سرکش مورد ستایش انقهای اندیشه و نعلیل انسان و چه امکانات وسیعی برای ایسم عقیدین به فانتزهای که جسمانی بسیار زرگر از واقفیهای زاینده خود دارند ، در اختیار می دهد ، طر مقلب جاشر به اختصار از فیلمهای ایرانی جشنواره امسال یاد می شود . از تزیب وریس فیلمها ، نام زمان نمایش آنهاست .

\*\*\*

### ● زنگ تفریح (عباس کیارستمی)

فیلمی چون این ، از کارگردانی که فلاتالی مثل «نان و کوجه»

را عرضه کرده است ، فیلمی نامنظمه می نماید و این شگفت انگیز است چرا که این هردو فیلم کمابیش تکیه بر تم واحدی دارند . هردو فیلم برآند که به مرزهای واقفیت زندگی کودک دست یابند . اما در شرایطی که در «نان و کوجه» بایک بیان موجز و شوخ لطیفاتی واقعی از زندگی یک بچه ، و ترس طبیعی وقابل احساس او از یک مک بازنمایی می شد ، زنگ تفریح سعی بر آن دارد که واقفیت زندگی یک کودک را از طریق گرایش به تصویرسازی ذهنیات او نشان دهد ولی متأسفانه این بارکوشش کجا رستی توفیق آمیز نیست . اگر نان و کوجه امتیاز طبیعی ملموس بودن «واقعه» را داشت ، زنگ تفریح نه تنها این امتیاز را ندارد بلکه حتی در شکستن دیوار ذهنیات کودک و بستن بلورین این ذهنیات با دنیای واقعی عاجز می ماند . فلوکسپ از یک فضای باحال و امسبل برخوردار است و فیلمبرداری شفاف فیلم نیز در خدمت انعکاس این فضاسازی آگاهانه است ، اما در عوض حرکات زانگ و غیرلازم دوربین در پارهای مسجدها بدان لطف می زند .

ساخت بروفاق فیلم نیز از ناهمواری و فقدان یکمنشی در رنج است . فراموشل وقعی پرداخت چنان است که الله سوتی حرکت اتومبیلها ، در خدمت تعبیت گزاش فیلم آلبان بلند به گوش می رسد من ترجیح می دادم که آن حرکت فترمه و نودش بجهت را بهنگام خروج از مندره به سوت «اسلوبوشن» بینم و با از طریق هرتمهید مناسب دیگری تا یکمنشی فرم وجاهنگی بیان فئوگرافیک فیلمس حلق شود . علاوه براین ، تاکیدهایی بیش از حد برارهای مسجدها و مسائلی نیز جز آنکه رش فیلر را گسنازد و ملال را انگیزد ، اثر دیگری ظاهر نمی سازد .

ایشان که به نظر می‌رسد، کیا رستمی از طریق ساختن فیلمهای همچون «بان و کوجه» راضی را بهتر خواهد رفت.

\*\*\*

### \* وظیفه اول (نورالدین زرین کلک)

این نقاشی متحرک «دو دقیقه‌ای» قبل از آنکه هرچیز دیگری باشد، یک بله کوتاه تصویری است؛ مردی در حال دیدن است. سنن راه به‌جند موفقیت خطیر و حیاتی برمی‌خورد که تمام این موفقیتها بذات سریع و شتاب آمیز وی را می‌طلاند. اما او از کنار همه آنها بی‌تفاوت می‌گذرد تا گراماوشی را که مصفاش روی خط افتاده است، درست کند!

«نورالدین زرین کلک» که پارسال کارتون زیبای «زمین بازی با بوش» را از وی دیدیم (این فیلم اخیراً جایزه اول یک فستیوال اسپانیایی فیلمهای کودکان را گرفت)، با «وظیفه اول» شان می‌دهد که چطور می‌توان یک فیلم بی‌نقص دو دقیقه‌ای ساخت و طرآن حرفی هم زد.

\*\*\*

### \* جن (بهرام ری‌پور)

این فیلم نیز همچون «وظیفه اول» اثریت دو حد یک ناله تصویری با تفاوت آنکه طولانیتر است (۱۳ دقیقه) و البته جذابتر هم ری‌پور از زمان طولانیتر فیلم خود برای حدود یک ساله خرابی بهره می‌جوید و در انتها فیلم را با یک پایان سوررئیز و با بهترین دیالوگ ممکن تمام می‌کند: «رمضانی فر» وقتی در می‌یابد قضیه از چهار فر بوده، با لحنی سردی که هنوز نشانه‌هایی از ترس باخود دارد، به «صصت سنوی» می‌گوید:

— نه، جن نبود که ...

— پس چی بود ؟

— تعجب جن بود !

استفاده از وجود «صصت کریسی» برای ابقای یک نقش کوتاه و بی‌اهمیت، به عوض آنکه به‌رای به فیلم برساند، به آن لحنه می‌زند. چرا که دیدن نام او در تیزرهای فیلم انتقاری ناخدا درماتیاگر برای دیدن همان صصت کریسی شوخ و سرخوش فیلمهای «درشکمی» و «مطل» و «حکیم باش» به وجود می‌آورد و این انتظار، بی‌آنکه گناه فیلم باشد، برآورده نمی‌شود. بهتر بود به‌جای کریسی از بازیگر دیگری با اسم ورستی دو حد رمضانی‌فر و صصت سنوی استفاده می‌شد.

\*\*\*

### \* من چقدر میدانم (نقیسه ریاحی)

این یک انیمیشن ساده و روان و در عین حال باهوش بود آمیخته به‌طوری شیرین که ایده‌هایی ظریف و بکر و به‌جایم را نمک می‌ساخت. نقاشی‌های این فیلم می‌توانست رنگ‌آمیزی بهتری داشته باشد.

\*\*\*

### \* یری (ذکریا هاشمی)

اگر تو پیش از این «سقا» را ستودهای و ذکریا هاشمی را به عنوان یک فیلمساز آگاه و جدی و قابل اعتنا تحویل گرفته‌ای، دیدن «یری» دقیقاً همچون شدت محکم خواهد بود که به‌گونه‌ای سخت و نامنتظر بر صورت فرو گرفته می‌شود و حساسی گسخت می‌کند گسج می‌ماند که آیا این به‌رمانی فلسفی است از مولف «سقا»؟ آن «روح» کما و این «فروید» کما!

سوز «یری» اتفاقاً استعداد آترا داشته که زیربنای داستانی یک فیلم خوب باشد. از یکسو می‌توانست یک فکر یک نرالی باشد که آبا، نیست، و از سوی دیگر روان‌کاوی دشتری باشد با احساسات ظریف و حساسیهای شدید که مرگ پدر را باور ندارد و می‌خوردش با

نقشه در صفحه ۴۲



● نمایی از «ساق و سفید»، فیلم نوحین انگیر سهراب شهیددات



● صحنه‌ای از «یری»، فیلم ناموق ذکریا هاشمی



● سیروس حسن‌پور، «بچه آکتور» با استعداد فیلم «از یک نفریح»

# داود رشیدی و حرفهای تازه ...

موقعیت تئاتر «آوانگاره» در غرب بعد در ایران - که چند سالی است ریشه دارنده - برایشان حرف بزند.  
«هنر الهی دماغ است که تئاتر آوانگارد در غرب به یک بحران برخورد کرده و از آن رو دنبال راهها و فرمهای تازه میسرود. از این دورهها تئاتر همیشه داشته. وقتی بشفرم تئاتر عرضه میشوند و تکرار میکنند، پس از مدتی مردم و هنرمندان از آن دافرده میشوند و هنرمند تئاتر آوانگارد وقتی میسند چیزی برای گفتن ندارند، دنبال میان جدیدی میروند.»

در این دماغ اخیر اگر دقت کمی میسین کند تئاتر «بیا سیر» ز یاد پیدا شده، به شدت «لیونک تئاتر» بوده که خیلی گل کرد. نمایشنامههایی چون «هر» یا «اوه کلتکه» که خیلی از آنها استقبال کردند و بعد تئاترهای «هیپیت» که تئاتر فی البداهه است، بعد پیتر برونک، گروتوفسکی و حالا «ویلسون». این افراد در جستجوی بیان و فرم تازههای هستند و در دماغ جاری موجودیت تئاتر را حفظ کنند. اما دوره نثر و شبان اینها چندصاحبی بیش نیست. پس از این دوره باشعیر جدیدی موجود می آید که حتفا پایههای روی همین آند هاست و سازهایی متوالی پایههای تئاتر بر آن طرز فکر و استنباط میسند.

فی الحال «لکت» و «ویلسون» که در ۳۵ سال پیش آمدند و فرم بیان و موجودیت تئاتر را عوض کردند، اکنون آن شهرت گذشته را ندارند و حتی برای غرب نویسندگان سری نشان میروند. اکنون تئاتر باشعیر وضعی دارد و تا بعد جانشانقی رح بدهد، فقط زمان به آن پاسخ خواهد داد. «

رشیدی در مورد تئاتر «آوانگاره» کماخبر در ایران باید با شکارگاه نمایش کیا و بیانی پیدا کرده چنین ادامه سخن میدهد:  
«تئاتر غرب پشامینه مساله و یک سافینه تاریخی تئاتری دارد که ما نداریم و البتهما نمیگویی که بیاییم همان تجربههای را که آنها کرده اند، یعنی در مسال این تجربیات را بدست آورده اند، ما هم در حد سال بدست آوریم. مسال پشامان تاریخی است و در این مدت غرب خیلی تجربه کرده که اکنون وقتی از این نظر با آنها نگاه میسیم متوجه میسیند که خیلی چیزها فقط بوده و به نتیجه نرسیده است. ما اگر این زمان را از نظر تاریخی ششامیم و از تجربههای آنها دوری میسیند، این دوره را در ۳۰ سال میسیند. ما از هر نظر چهار از نظر جامعهشناسی، اقتصادی، علوم طبیعی و ... با لاجرا از قافله لندن عقبمانده ایم و اکنون اگر بخواییم از همان سببهای غرب استفاده میسیند، چیز ناخفای بدست خواهد آمد.»

ما باید تجربههای فقط غرب را تکمیل و بساییم تجربههای دست آنها داشته باشیم. ما مسال از نظر تئاتر اروپا عقب هستیم. ما میسیند نمی توانیم ویلسون، گروتوفسکی را عرضه کنیم. برای این که به گروتوفسکی رسمه باید آوی، اولیل، برشت و ... نگذاردیم تا بتوانیم مثلا در مدت مسال به گروتوفسکی و ویلسون برسیم.  
اسال در حشر هر برای ما ویلسون را آوردند. حتی اگر قبول میسیند که ویلسون بشفرم بزرگ در تئاتر است، دیدیم هر چه بد نظری، شاید دوقدر آن چیزی که از ویلسون باید کشف کنند، کشف نکردند. عدای آزادی اشرفیم بدیدیم این نمایشنامه رفتند و عدای هم به آن اعتراض کردند ...

اگر اسال اول برگزای حشر هر ابتدا می آمدیم از «لکتی فرانس» دعوت میسیند و اسال بعد یک گروه پیروتر و ... اکنون

• ما فعلا بهیچوجه نمی توانیم «ویلسون» و گروتوفسکی را عرضه کنیم!

• جشن هنر یک برنامه ایرانی برای مردم عام است نه برای روشنفکران!

• عیب تئاتر وابسته آن است که دستگاههای دولتی برای ارضاء سلیقه و طرز فکرشان از آنها استفاده می کنند!

• هنریشههای تئاتر در سینما موجب یک دگرگونی از نظر بازیگری خواهند شد.

• فردین در فیلم «جهنم ۴» تلاش فراوانی بخرج داده که فیلم خوبی عرضه کند.

• سینما خیلی چیزها بمن آموخته و من در آتیه امیدوارم فیلمی را کارگردانی کنم.

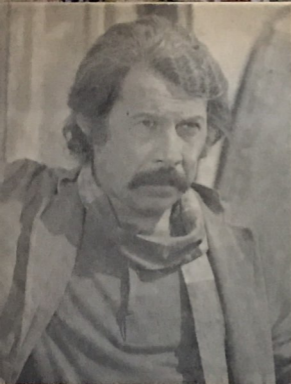
## گفتگو کننده: جمشید ارمنیان

• با «داود رشیدی» وقتی مساحه میسیند، طور قطع اول باید از رشته عملیش یعنی «تئاتر» صحبت کنی و بعد به «سینما» برسی. اول میسیند که بگویم که رشیدی وقتی سینما کشیده شد توجه همه گفتگان کم و بیش باوجهت گردید. پیشانی شدید آورا سینما کشانده بود و لاجرم احساس میسیند که برای زمین میسیند برای «تئاتر» خود «گفتگو» میسیند. اما مدتی بعدش کرد اطو که باید وفایید سینماگران ایرانی نمیسیند از وجود او اسفاده بریند حتی احساس کردی که چندفتری در تکرار بازیگری او در سینی فیلمها اختلال میسیند. نمونههای «مبارک» ختم» بوده که در این باره گفته است.

• ... حتی این بازی که در فیلم میسیند عالی نیست. دیالوگهایی من عوض شد و کوز آبیهای من حذف گردید و با عوض شدن پایان فیلم، دهم چیزی گفتن بازی کرده ام، روی برده سینما جور دیگری اسکار در آمد!

هر حال رشیدی از این بگردد بسیار خوب تئاتر ماست که در این زمینه مطالعات و تجربیات فراوانی کش کرده است و خود را پیوسته در جریان رویدادهای تئاتر در جهان گرفته جهان قرار میدهد.

این بار نیز اول از تئاتر شروع کردیم و چون موضوع مساحه تئاترهای جشن هنر اخیر و بعد کلی تئاتر «آوانگاره» ارتباط داشت. این بود که «رشیدی» خواستند ابتدا طوکل در مورد وضع و



اگر «وطن» را دعوت کرده‌ام شاید ازمدت ۵۰ نفر چیزی می‌پسندد نه‌این که هیچکس چیزی درلنگند. مااگر بیایم و بیون را درمقابل فی‌المثل نشانگر ۳۵۰ نفربر بگیریم ، خوب‌طبی است که نمی‌تواند بنهد تازا بررد چه می‌خواهد بگوید ، مثلاً این است که بابت بچه ۱۵ ساله بعضی بافادان الفبا ، یک‌کتاب باو بدهیم وتوقع هم داشته باشیم که آرا بخواند !

چنین‌ها بگذرانم و فسنوال ایرانی برای مردم عام است نه برای روشنگران - شاید کسی که بوزیک کلاسیک را نمی‌شناسد و نمی‌فهمد ، با «اشوکهاوزن» مثلا که روبرو می‌نهد ، شاید موسیقی کلاسیک‌هیزده بشود . دراین‌مورد باید مسئولیت وتعهد داشت . « رشیدی گوآن که ابیک سالی دومیه فیلم بازی می‌کند ، ولی نمی‌خواهد هیچگاه ازهدف اشپیش «اجرای آثار دراماتوسان جهان» روی‌سخته دوربیاورد ، ازاین‌روی بمحض آن‌که کار بازی اوید فیلم « خروس » ساخته شاپور قریب به‌پایان رسد ، بلافاصله نمایش‌اش «پروزی در شکاکو» اثر «واپلری» را با همکاری گروه تئاتر امروز در اوایل آبان‌ماه درتئاتر شهر بروی‌سخته خواهد‌آورد . درمورد هدفهای بعدی او دربارہ تئاتر سؤال پیش می‌کنیم و او می‌گوید :

« هدف این است کهما شناسه و باخدمت گرفتن چندجوان تازه‌کار ، گروه‌تئاتر امروز را تمام‌بدهیم کهنه باورارت فرهنگ‌سهر ونه باکارگاه نمایش وابسته‌باشد . ودر زمینه تئاتر ونواریون کارکنم وواقعاً بیشتر وقت‌م را صرف این‌گروه مکنم .

غیب مبهترتاز وایسه این‌است که ازسطر دستگاههای دولتی سحوری نبر شد دستگاههای دولتی بیشتر برای ارتقاء سطحه و طرز فکران آزادی‌انسانه می‌کند درحالتیکه این‌گروه‌ها باید استقلال فکری و معنوی داشته باشند و نه این‌خاطر باید به‌آنها کمک بشود که موجودیت معنوی داشته‌باشند نه وسیله‌ای باشند در دست دستگاههای دولتی ...

مثلا سلسله کارگاه نمایش با اداره تئاتر فرق می‌کند این فرق در نبودن آه‌آه‌روی نشانگران تئاتر هفتنه است . گروه‌های آزاد هر‌جا کار می‌کند باید استقلال فکری داشته باشد . رشیدی پس‌از جدایی ازاداره تئاتر ، مدیر‌اش کارگاه نمایش بیوت وقراردشکه به‌تازوب برنامهمالی درآجا روی‌سخته می‌آورد ولی‌اخیرا شنیدیم‌که ازاین کارگاه جدا شده وتقسیم دارد به‌تئاتر نمایش‌کننده ودراین‌مورد می‌گوید :

« برای این‌که بدیم اگر درکارگاه نمایش بنام با‌اجاز باید داشت آنها کارکنم واین‌سازکار بی‌موجبه مطابق باذوق من نیست . بعد با رشیدی « که روز مباحثه مورثش تقریباً از ریش خودگشایی بر شد و بعد و آرا بخاطر فیلم «خروس» گفتند در مورد سبب « کارهای قبلی وآئیبه وجوانی آن سخت می‌کنیم ، یادم می‌آید رشیدی قبلا در گفتگوشی خاطرنشان کردیم‌وکه «رو آوردن بازمیگان تئاتر بمسئله‌ای ایران » باعث تسریع‌نحوال من سینما شده است . و می‌خواستم ازآو پرسیم‌که آیا درحال‌حاضر هم بدین‌گفته‌مود ایمن دارم ؟

« هنوز هم بدین‌گفته خودایمان‌دارم ، دلش‌هم واضح است . تئاتری‌ها روی‌ساری خیلی‌تکیه می‌کنند . دباوقتهاش‌ان را می‌شناسد می‌کند ، هر‌کشتان را درمن می‌کند وحتلوی دورین دورین همانطور‌مسئله هشد کم‌روی‌سخته‌اند . قدرت شناسایی کارکنم‌ها هیزد آنها بیشتر است که هم‌آنها بخاطر ۱۰ الی ۱۵ سال‌کار با رنگری در روی

سخته . کاملاً حرف‌های هشد و درکارخان واردند

ایشه این‌نحوه کارکنم نجهش بافت هشت سال دیگر‌ها هم بشود ، خودن ارتقای هشم‌که همیشه می‌خواهد تکمیل رشت قبل ازآنها فیصداری بن‌بهد تازم راحاطت تازم وهیسه ارتکارگردانم می‌خواهد کاتکس مراتب قبل بن‌بهد ونه‌اید این‌کار باعث بشود که‌دیگران هم بن‌نمی‌کنند . این‌هه بااین‌دلیل است که هزینه‌های تئاتر باهوشد ، بلکه‌بدین‌دلیل است‌که ممانعت کرده‌ایم . من اگر کسی می‌خواهد رتیرا برآید بخواند ، گچ‌مستوم ، ما به‌این‌وضع‌ممانعت کرده‌ایم ، این‌لکن ازتعالی‌است که باعث بشود هزینه‌ها سر‌سخته می‌آید ، مسلط‌باشند ویدادت کچه می‌خواهد بگوید ، وجملاتش را باحال ویدرت ادا کند .

رشیدی ازتوقم کتابچه سینما او برطرف خودکنیده اسلا فرصت نداشته که نمایش‌نامه‌های روی‌سخته بی‌آورد و همیشه هم گفته‌که من تادوسه ماه دیگر نمایش‌نامه‌های روی‌سخته من آوردم‌وفی‌نهایتا ... واین‌بار هم وقت‌ی‌آو می‌گویم آیا‌حس می‌کنند که درسینما برآید و دیگر به‌تئاتر نرسیده می‌گوید :

« من تدریسنا هزینه برکاری لیسنه ونوده‌ام . من هنری‌است ارتکار دلخواهم تئاتر دورن‌نامه روی‌این‌اصل کم‌روی در خود حس می‌کنم اما این‌بار پس‌از انعام فیصداری «خروس» حسا کاری درتئاتر عرضه نمی‌کنم !

رشیدی « پس‌از «مبادگه» خنده بشپار دگر با فرین « بر فیلم «جهنم ۴» حسازی می‌گیرد . ازرشیدی درمورد نقش خودش دراین فیلم و تلاش فرین برای ایجاد وخلق باشقیلم خوب سؤال می‌کنیم و او جوابان می‌دهد که :

« من نقش باشرانده اتویوس دراین فیلم بازی کرده‌ام نقش من یک‌کسی جوانتر است ونه‌اید مابه‌های کمک‌داشته باشد ولی نه به‌شدت ...



منوچهر وثوق :

## «میخواهم يك بازیگر واقعی باشم...»

زن باکره و عاسی خیلی حاشا میکند ، او معتقد است که چهره واقعی خود را در این دو فیلم نشان داده است دو فیلمی که هر کدام بسک وروالی حاشی ساخته شده‌اند. در زن باکره در سرمای ۲۰ درجه زیر صفر ایفاگر يك نقش استثنائی است ودر عاسی نقش يك دوست فدakar از جان گذشته تا سرحد مرگ پیش رفته است و همین مصنات اوست که توانسته از او اکتور محبوبی بسازد که تا بکمال دیگر در ردیف غولهای سینمای ایران درآید .

منوچهر وثوق در سال جاری در فیلمهای زن باکره - آبیان چوبی - گروهان - قایقاران - ناشیپ سوباب - ناعدا - عاسی شرکت کرده است و احتیالاً با پایان آسال بازی در سه فیلم تازه را آغاز خواهد کرد .

خوش را در سینما نشان دهد و برزخای محبوبیت و شهرت دست یابد . وی در حال حاض از پرکارترین بازیگر مرد سینمای ایران است . دهر فیلم او ، با چهره‌ای متفاوت از او دورود می‌شود و چه بسار که بخاطر علاقه بنفشی. فیلمهای بسیاری را از دست داده است .

خود میگوید : « نمیخواهم بیوسه يك بازیگر پرکار باشم یا شنهای يك نواخت و معمولی ، بعضی اوقات احساس میکنم که واقعا میخواهم يك کار متفاوت را انجام دهم . زیاد درین مشغول و سار قسما با نیستم . کافی است بنشی خودی که بتوانم کارم را نشان دهم بمن پیشنهاد شود و آرا قبول کنم . حتی اگر فیلمهای دیگری را از دست بدهم ، زیرا بازی در هر فیلمی مرا اتفاق نمی‌دهد»  
منوچهر روی بازی خود در

يك نوشاش و سکون نمی‌ایم . بعد از کاکو که از منوچهر بازیگری تازه پدید آورد . وی يك باره روش کارش را تغییر داد و همان فیلم بود که توانست بازیگر نقشه اصلی در کاری سینمایی او باشد واز اونك چهره توانا و يك بازیگر متعدد پدید آورد .

منوچهر وثوق هر چند هنوز با پند آهای بازیگریش در سینما صت نیافته است ، اما خود میگوید « میخواهم يك بازیگر واقعی باشم» و همین جهت با آنکه در بسیاری از فیلمها میتوانستند بجای وی بازی بدل استفاده کنند ، معذرا خود را بنجام کارهای فوق العاده خود عطا کرد است زده است .

منوچهر وثوق اینك علاوه بر آنکه يك بازیگر موفق و پرکار و پرولاز سینمای ایران است بتدریج می‌رود از آن نقشهای کلیدکننده برآید و استعداد واقعی و جوهر

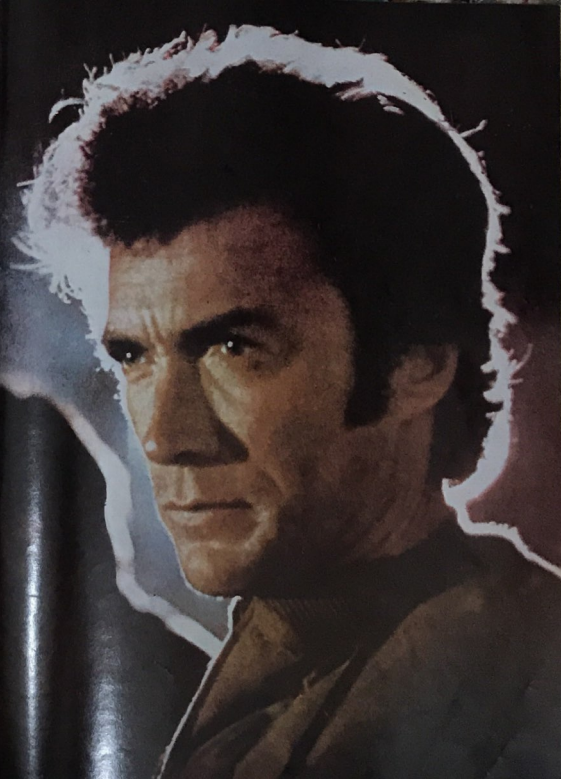
● این قیافه عشن، مردانه و متفاوت منوچهر وثوق بر عاسی است - فیلمی که معیار نازمائی از حیثان ، خشونت و فحش را با پساناگر ارائه میدهد .

منوچهر وثوق بازیگری است از آغاز تا کنون بیوسه در چهره‌اش و کوفته‌اش حاشا بوده است و تلاش تنها بخاطر آن بوده که بتواند در سینمای ایران معیارهای نازمائی از بازیگری دست یابد و همین طلت اکنون ، بعد از فیلمهای متعدد و متفاوتی که از وی پدیدامی آورد برقیافه و کاراکتر نازمائی می‌یابیم که بیگمان برایش ارائه نقش باور در فیلم عاسی طوفانی موفقیت پدیدال مازد .

منوچهر بازیگر پرکاری است که سینما خلق می‌پورزد و میخواند که بیوسه ارائه دهد نقشهای متفاوتی در فیلمهای ایرانی باشد و همین جهت است که او را در حال









# تلویزیون ملی ایران در دوره تازه

● تلویزیون ملی ایران از روز چهارشنبه هفته گذشته برنامه اول و از روز شنبه این هفته در برنامه دوم تغییرات و تحولات اساسی بوجود آورده که ما ضمن مرور بر این تغییرات - رتوس آن را با اطلاع خوانندگان علاقمند مطالعه می‌رسانیم.

## تغییرات برنامه های اول

اعلای برنامه اول تلویزیون ملی ایران که از شنبه سراسری پخش می‌شود شامل چهار بخش خبری است بخش اول از ساعت ۱۷ تا ۱۷:۱۰، بخش دوم از ۱۹ تا ۱۹:۱۵ و بخش سوم از ۲۰:۳۰ تا ۲۱ و بالاخره بخش چهارم یا بخش آخر میزبان برنامه هفت شب با اطلاع علاقمندان میرسد البته جز روز های جمعه که اخبار در سه بخش پخش می‌شود. بخش اول ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۸:۱۵ بخش دوم از ۲۰:۳۰ تا ۲۱ بخش سوم در پایان برنامه موسیقی ایرانی

در برنامه های جدید به موسیقی ایرانی توجه بیشتری شده است و موسیقی ایرانی در بخش های مختلف و در برنامه های گوناگون برای علاقمندان پخش می‌شود. از جمله برنامه های است نام گها که روزهای یکشنبه پخش می‌شود و در این بخش بزرگترین خوانندگان رادیو تلویزیون شرکت دارند و برنامه های مختلفی اجرا می‌کند. **نغمه** روز های چهارشنبه پخش می‌شود و خوانندگان جوان و آمانور در این برنامه شرکت می‌کنند و هر یک اثرانه عالی می‌خوانند.

— برنامه **چشمک** طبق معمول روزهای جمعه پخش می‌شود و به مدت ۱۵ دقیقه خوانندگان رادیو تلویزیون و گروه های آمانور بهرین برنامه های خود را برای علاقمندان این برنامه اجرا می‌کنند و فرشی در پی چون همیشه می‌گردند این برنامه را متنوع و سرگرم

کنندتر از همیشه تهیه و عرضه کند.

— پخش یک بخش از برنامه **پخش ترانه های ایرانی** اختصاص داده شده است با صدای کلبه خوانندگان رادیو تلویزیون که از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۷ پخش می‌شود. — **یک بخش موسیقی ایرانی**

از ۲۲ تا ۲۲:۳۰ روزهای یکشنبه و یک بخش ساعت ۱۶ تا ۱۶:۳۰ روز جمعه پخش خواهد شد. علاوه بر فواصل برنامه های روستاییان و هنر شهر عشق و وارنه ناسیونال نیز موسیقی ایرانی پخش می‌شود.

## فیلمها

**ششها** — فیلمهای **سرخ** محبوب من (در برنامه کودکان) روزهای زندگی و دلای بکون. **یکشنبه ها** — فیلمهای **گوش** — **گران** و **مسند**. **دوشنبه ها** — فیلم **ماجرای بچه گرگ**.

**سه شنبه ها** — فیلمهای **اطاق ۴۴۴** — روزهای زندگی — **فوتگر**

**چهارشنبه ها** — فیلمهای **جانوی علم** — **راز نفا** — **حامیان**

**پرنک محله**.

**یکشنبه ها** — فیلمهای **وروجک ها** — **دلای ثری** و **فیلم سینمایی**.

**جمعه ها** — فیلمهای **چابزل** — **جستجو** — **بالاز** از **خلف** — **نقشب**

پرفه.



— **نقشب** برنامه عنوان یکراز فیلمهای جدیدی است که روزهای جمعه پخش می‌شود که نام اصلی آن **بو** — **اف** — **ا** است که حرف

اختصاصی اجسام برنده دانش است است و پخش است درباره دلای آینده که پهننده را در ماههای ۱۹۸۰ قرار میدهد.

در این داستان اساس مطلب بیشتر علم در جهت پرورش فنانی بوده و به منظور ایجاد جنبه

سرگرم کننده آن سازمانی نام شرور وارد میدان می‌شود تا فعالیت بیگانگان سیارات دیگر را که قصد تجاوز به کره زمین را دارند خنثی سازد.

— دیگر از فیلمهای جدید **فیلمی** است **نام تامی** که روزهای جمعه پخش می‌شود و داستان این فیلم ماجرای زندگی دختری است نام تامی که روزهای جمعه پخش می‌شود و داستان این فیلم ماجرای زندگی دختری است نام تامی که در یک خانه روستایی کار و خانه به همراه پسر بزرگ خود زندگی می‌کند و پس از یک آزمایش برای استخدام تاجر ثروتمندی که در هاسباگ آنها زندگی میکند در می‌آید. جان تاجر ثروتمند مورد نظر زن هسبا خود لارینیا عسلی می‌کند اما دختری نامی را از چشم جان انداخته از زندگی او دور کند ولی همیشه زندگی همراه با بد جنسی او در مقابل صداقت و خوش قلبی تامی شکست می‌خورد.

نامی فیلمی است تفریحی — کمدی و سرگرم کننده.

— **جستجو** که منتهات از برنامه اول پخش می‌شود از این پس نیز روزهای جمعه پخش خواهد شد و **جین جاری** — **سوزان سنت** — **جیمز** — **آنتونی فرانسوزا** و **رامون استاک** بازیگران این فیلم هستند و ماجراهای آن در زمینه یک شرکت قطب‌یاب و اتر روزنامه نور میزند و هر بار حوادثی برای مندر و مستندگان این شره رخ میدهد و ...

— **فوتگر** نیز از فیلمهای قبسی تلویزیونی است که طرفداران بسیار دارد و ماجرای زندگی مردی است که با خانواده های افسونگر ازدواج کرده است و هر بار افسونگرهای این خانواده حوادثی سرگرم کننده و شیرین بوجود می‌آورد.

بقیه در صفحه ۳۹



# نقد و منتقد در ایران..

از: ایرج ساری ۲۸۵



## ● هوشک سلطانزاده صدافت بخود

● وجه مشخصه کار جوانانی که در اواخر سالهای ۳۰ نقدنویسی را شروع کردند، استقلال فکری آنهاست. آنها در مواجهه با سینما بیشتر تابع سلیقه و پسند خود هستند و این خصوصیت از پارهای جهات امتیازاتی است برای کار آنها و علتش را باید در خیلی جوان بودن کار نقد در مطبوعات دانست چون هنوز تفصیل در مورد کار یک فیلمساز و یا منتقد وجود نداشته و کسی و یا سینمایی مت شده بود تا نظر را تحت تاثیر خود فرار دهد. بنظر میرسد که آنها سعی میکنند لافزد به خود صدافت داشته باشند و سعی بینیم که گاهی آثار فیلمسازان برجستای را و یا فیلم کارگردانان گمنامی از طرف آنها پذیرفته می شود. تفاوت های تند و سریع یکی دیگر از مشخصات کلی کار سینمایی از طرف آنها پذیرفته می شود. تفاوت های تند و سریع باعث می شود که آنها سعی میکنند سیرات نظر خود را ابراز می دارند و کمتر محافظه کاری نشان میدهند.

حدود و مرز های مورد قبول آنها کمتر تابع معیارهای خاصی میشود و تسلط تکنیکی فیلمساز یکی از مواردی است که میتواند آنها را براحتی تحت تاثیر قرار دهد. مثلاً «مصورخانه شاهی» در نقد فیلم «شهریه سلطان» اورسن ولز می نویسد:

... در کادر سینمای امریکا تاجرس چیره بست و مطمئن که با اندازه کافی از فوه ابتکار بهره به ساختن فیلمهای مرده پند مشغول است نام این شخص هیچکاک است او نیز همچنان و داهره را در فیلمهای خود بکار می برد و لسی طریقی سطحی و مردم پسند و از طرفی دیگر خوب میداند چطور سرفشین و سینه فیل های علاقمند را شیره بماند. وی چنانچه گفته شد تاجر اولی تاجری غیر از تاجر های دیگر در سورتی که «وزر» پاک فیکور برشته و مهیب هر هنرمند پاک انجوهی واقعی سینماست ...

این ابراز احساسات تند و سریع حاصل نوق زدگی منتقد در مقابل فرم غریب سینمای ولز است و نظایر آنرا در کار بیشتر این منتقدین میتوان پیدا نمود.

## هوشنگ سلطانزاده

«هوشنگ سلطانزاده» در میان این ستاره جوانان - چشمه شخصیتش دراد - بیشتر بدلیل حساسیت فوق العاده وی به سینما و یکطرفه و از طرف دیگر بی گبری وسیع وی در کار نقدنویسی است نسبت به دیگران. «سلطانزاده» کار خود را با مسجله «جهان سینمایی» علمی مرندوی «مطالعاتی از فیلم: «گره سگی فراموش» و «کشف سکسپیل» شروع کرد و سپس با او به جمله «عالم هنر» آمد و خیلی زود تغییر روش داد و به ترجمه مطالب تکنیکی در زمینه سینما و عکاسی روی آورد و در

همان اوایل شروع بکار در «جهان سینما» چند نقد می نویسد و با تحسین شدن این دو مجله او به «است تهران سینمایی» می آید و سپس دامنه فعالیت خود را به «استاره سینما» و «هنر و سینما» دکتر کاوسی هم میکشاند.

«سلطانزاده» خیلی راحت و روان می نویسد و آنچه که مورد نظر اوست تکنیک کار میکند و در مورد سینمای مورد علاقاتش میگوید:

... بطور کلی از ساخته های «که در آن افراتیس مباله آمیز» بکار رفته و چیزی فراتر از واقعیت در آن وجود دارد، بیشتر لذت می برم زیرا «افراتیس محض» را خشن و یکواخت می بینم ... فیلم «خان کمرالتکان داد» «عظیم شده» از «هیچکاک» بود که در آن «ضمیر ناخوب» جنبه «تصویری» پیدا کرده بود. «اکت گمشا» پسروار می کشد» برای تکنیک فیلمبرداری «اوروسنسکی» و «شهریه سلطان» برای اینکه شریه «عظیمان سینما» بود ...

برای آشنایی بیشتر به نحوه کار او به قسمتی از نقد فیلم «شهریه سلطان» توجه کنید:

... از همان نخستین «پلان دنیامیک» بینندهی مطلع خود را مواجه با تکنیک قوی و مؤثری می بیند که محضی صعب و تکراری فیلم را بلاغی از امکانات مادیوم سینما می نشاناند.

چنان نظر میرسد که بدعت برداشتن های دهه «هیچکاک» بنحو بسیار جالب تر و کاملتری توجه «ولز» ارائه میگردند. استفاده از حرکات دوربین بجای موناژ این نوع هم را در نشانگر وجود می آورد که تکنیک «ولز» نااهلیه اختتام اثرش در «تئاتر روزنامه» فیلمسازی مؤثری لبرند ولی اینطور نیست: این مرد بحق نابغه، درین فیلم دوساعتی، همهی عوامل مادیوم خود را بمقدار کشیده و از پشت

دوربینی که یکم از حرکت و همچنان واپس نمی افتد، دنیایی از دنیایمزم و تحسیرک را می نمایاند. وی بتماجی بهت میدهد که به جریان انس بگردد فیلم پس از چند دقیقه با نگاهن با کلاباسک (اوج) غیر مترقبه ای (انجمن اوئیلی) بیننده را شوکه می کند.

... یک گراندهای انتخابی پلان های این فصل، با نالوده دوتی که فضا را گرفته و از جوامع مردمی که بر سر محرکه گرد آمده اند، خود پنهانی نکلی مؤثری بنشان می رود. نظر میرسد که «ولز» با استعمال لیر بخصوصی از نوع «زاویه باز» که فاصله کولبی آن از حد نورمال هم کوتاهتر است، به پرسپکتیو و فاصله بین اشیاء است یافته و این عین، چنان شدید و غیر عادی است که از نقطه نظر زیبایی شناسی کلاسیک و فرارادتی، معیوب جلوه می کند.

آنچه که در تمام فیلم سخت جلب توجه می کند زوایای دوربین است و ولز بی شک واردترین فسرده سینمایی به حواص روایست و یکی از شینگان زاویه سربالا.

پلان هایی که پرترمی اورا ارائه میدهد، تقریباً باستانی یکی دوتا، با زاویه سربالا تند و شادبخت اینهمه بسگی به این نوع زاویه وسیله برای افتاد و نعلت و برتری به نشانگرمانند...

سکاس خله کن آکیم تامیروف که غلغله حرکات مباله آمیزش بازی حالی دارد، توسط ولز، با موناژ سریع، خوبتر نشانده و چون آسای دوربین، زوایای متعدد و کادرهای کج و افکاهی قوی بقدری تکان دهنده ساخته شده که حتی بر آن مستوریتست. چند کادر کج دیگر در سارفت ها بنظرفر ارفائی حالت تعلیق و اضطراب بازیگران، اثر عجیبی روی بیننده، دارد ...

## از جشنواره آفریقا

● سال ۱۹۷۲، آخرین دور های خود را می‌گذراند و در این سال جشنواره های متعددی در سراسر جهان برگزار شد و ما در معرفی سینماها از بهترین آنها باقی‌مانده هستیم. هر چه از حوزه تألیف، هر چقدر خارج نیست که سینما چه به عنوان یک هنر و چه به معنی یک صنعت، امروزه تأثیرات همه جانبه‌ای از خود بر تمام ارکان فرهنگی و اقتصادی یک جامعه منتقل ساخته است و اهمیت سنگین آن از آنجا محسوس می‌گردد که این به یک تأثیر گریزناپذیر و رویداد بلکه تألیف است. بنابراین ما با توانی آنکه هر بدنه انسانی دیگری را تحت تأثیر شعاع خود گیرد. از اینرو شکست‌ناپذیر می‌تواند بود اگر که تألیف - این زبان، هر ساله از یک هدف و یک برنامه فیلم منسجم‌تری برخوردار باشد. هدف آن نیز چیزی نیست مگر تحلیل و ارجح مناسبی از هنرهای هنری و انسانی و اقتصادی سینما به عنوان یک پدیده نویدگیر و مردم‌پسند.

پارامی از این سینوال ها صرفاً جنبه به آن هدف دارند که آموزش‌های آرتیستیک کارهای سینمایی را بازتابانند. یا آنکه سینما - گران برجسته تحویل کند. اما پارامی از خود از این جشنواره ها، شکل یک نوع بازار فیلم‌فروشان و واقع، مرکزی هستند برای معاملات و داد و ستد فیلم. این مطلب از کتاب International Film Guide گرفته شده و ترتیب ذکر سینوال ها، تقدیرمان برگرادی آنها خواهد بود.

## \* سینمایفستیوال ۷۲

۲ تا ۳ فوریه ۱۹۷۲

در حدود ۲۴ فیلم بلند در چهارمین سینوال فیلم هلندی، سینمای سینمایی اورتخت، عرضه شد و در همان حال، جشنواره‌ای از فیلم های کوتاه هلندی نیز ترتیب یافت. جایزه جشنواره اخیر

سیسی آورد - حدود هزار دلار ارزش دارد. در مورد فیلم های بلند این سینوال، به جایزه‌ای منظور می‌شود و نه آنکه هیئت داوران بطور رسمی آنها را تصویب می‌کنند. بلکه برای هیئت داوران جهت تقسیم بودجه «مرد» و «منفرد» به عمل می‌آید. این سینوال کوچک اما دلپذیر هلندی همواره جمع گفتری از کارگردان ها و سازگان برشمارد. سینما را بصورت خود حلق می‌کند و البته سبیل منفرد فیلم نیز از سراسر اروپا هر ساله سوی این سینوال جاری است. نکته جالب آنکه از آنجا که این جشنواره، بهترین سینوال فیلم جهان است که در آغاز هر سال همواره در برابری می‌گردد، و همواره راه نوید پدید می‌آید. تصادم زیادی از روسای سایر سینوالها نیز فرار می‌گیرد.

## \* تأمیره

۵ فوریه - ۲۷ آوریل ۱۹۷۲

مدای حاکم بر فیلم های شرکت جوینده در این سینوال خلاصی مدای است با یک طنین سیاسی و انسانی و فیلمهای کوتاه نیز در مسافه این سینوال که برنامه ها و جشنهای آن همواره با بحث و معاهده حاضرین در سینوال توأم است. شرکت داده می‌شود.

در سال ۱۹۷۱، در این سینوال، فیلمهای از ۳۳ کشور بصرش نمایش گشته شده و همچنین برنامه‌های «رئوسکپی» (آروری بر فیلم) نیز به نمایش فیلمهای نقاشی متحرک آکادمی و محصولات از سینمای کشورهای آمریکای لاتین اختصاص داده شد. سینوال، علاوه بر این یک سینوال ویژه فیلم های کودکان نیز ترتیب داد.

## \* تور

فوریه ۱۹۷۲

شازدهمین سینوال فیلم‌های

کوتاه «تور» فرانسه، همچون سال گشت یک جشنواره غیر رقابتی و بدون جایزه رسمی بود و فیلمهای ۱۶ میلیمتری، ۳۵ میلیمتری و تا ۷۰ میلیمتری را برای نمایش صرفاً می‌تواند.

در سینوال سال ۱۹۷۱، ۶۴ فیلم کوتاه نمایش داده شد و تمام آنها فیلم های ویژه‌ای نمایش داده شدند. اما سینوال در یکی دو سال اخیر بخاطر فقر عمومی کیفیت فیلمهای کوتاهی که ساخته می‌شود، چهارچوب حواشی‌های نداشت و نشانه شد به این ادعای برآوردارندگان خود وقار بماند که «هدف این سینوال، نمایش کارهای برجسته است که می‌توانند سینمای را تکمیل «فیلم کوتاه» ایفا کنند و نیز شان دادن جنبه های چندگانه تولید بین‌المللی در این زمینه بدون هیچگونه روحیه رقابتی و هیچ نوع مایه‌های»

## \* بلگران

مارس ۱۹۷۲

هر منتقد، تهیه کننده و یا بخش کننده‌ای که از این سینوال بهره‌ور بگردد، این سخن می‌کند، می‌تواند تمامی فیلم های کوتاهی را که طرف پیکار گشته در این کشور تهیه شده است، در یک فضای فرحیخشان و مطبوع جشنواره‌ای نشان دهد. نمایش فیلمهای شرکت کننده در مسافه جریان دارد و بعد از ظهر، برنامه های اطلاعاتی به اجرا گشته می‌شود. هر ساله، حدود ۲۰ فیلم کوتاه، در جشن جمهوری بوسگلای نمایش داده می‌شود و به این ترتیب، گروه‌های سازمان، گروه‌های تولید، شرکت‌های اداری سینوال، عالی است.

## \* ماردل پلاتا

مارس ۱۹۷۲

این سینوال آرژانتینی را که صرفاً جنبه های سنتی و تجاری

دارد، به بهترین نحو ممکن سینوال توسط این اصطلاح تعریف کرد. «کن آمریکای جنوبی» و «ولسی» البته بی آنکه نمای گن فرانسه را داشته باشد و بی آنکه فیلمهای آن، توان حسنگی کمی و کیفی با محصولات سینمایی عرضه شونده به سینوال کان را داشته باشند. در این جشنواره شخصیت های معروف سینمایی از گونه‌های مختلف دنیا، همیشه در فستیوال هستند. هیئت های رسمی نمایندگان از اکثر کشورها در سینوال شرکت می‌کنند و همچنین حضور خریداران متعدد فیلم از اروپا و آمریکا نیز نباید نادیده گرفت.

## \* تهران

۱۵ - ۲۶ آوریل ۱۹۷۲

تهران - که به خاطر سینوال کودکانش مشهور است - در مسافه سینوالهای جهانی موردتأیید است. در بهار سال جاری نخستین سینوال بین‌المللی خود را در زمینه نمایش فیلم های بلند و کوتاه برپا داشت. ۱۸۰ فیلم بلند و ۱۸ فیلم کوتاه جهت شرکت در مسافه این سینوال برگزیده شد، و جوایز به شکل برزهای بالدار طلایی بود. تیسر جشنات متعددی برای نمایش فیلم های اطلاعاتی و خبری برگزار گردید - تم این سینوال برخورد و مواجهه فرهنگهای شرق و غرب است با تأکید ویژه بر محصولات سینمایی جهان سوم.

## \* اوپرهاوزن

۲۴ - ۲۹ آوریل ۱۹۷۲

اوپرهاوزن - سال گذشته به سیستم دوری بین‌المللی خود، و نیز اقتصادی زمان، تغییر جهت داد و تصمیم ندادن برنامه هائی به هر مشترک گشته که در مسافه سینوال شرکت کنند. به جای این، فیلمهای عرضه شده به سینوال، به چند گروه مثل نقاشی متحرک، فیلم های تجربی، فیلمهای مستند و ... تقسیم شدند. سیستم گران است. تشریح در صفحه ۴۸

# ناجی وحشی

«آخرین قسمت»

گفتگوی «دیتر باکلی»

نویسنده مجله فیلمز آند فیلمینگ با :

«کن راسل»

ترجمه و اقتباس: جمشید ارمیان



● اسکان آلوتی به نقش‌هری‌گودیه در صحنه‌ای از این فیلم هنگام بردن هدیه‌ای به نزد «متوفاهای سوئی»

بستر آنها بیش از آن که آکور باشد، دانشجوی هر معاصری بودند. سرانجام من توانستم چهره دلخواه و ایده‌آلم (آلتوی اسکات) را پیدا کنم و اطمینان حاصل کردم که او به‌رحال می‌تواند یک آکور بنود. اما اگر شخصا اوردوست نداشتم، نمسند که با او کار کنم.

من مخصوصاً دوست ندارم با آکورهای بزرگ کار کنم. خوب من یک وقت با «مایکل کین» کار کردم، اما او یک سوپرانوست، مگر به آن منظور این است که من نمی‌توانستم با آدری‌جیورن کار کنم. لاف‌ل‌ل این که من هرگز مایل نبودم با او یا با الیزابت تیلور کار کنم.

باربارا استرایسند در این‌میان یک اشتباه نیست. ساختن فیلمی درباره‌ی «اراراتاره» با شرکت این ستاره، یکی از آن فیلمهای بزرگی است که می‌خواهم بالاخره یک روز آنرا بسازم. در «ساره استرایسند» می‌خواهم بگویم که او ستاره بزرگی است، ستاره‌ای که بی‌باورش ثبوت برده است و اگر روزی «اراراتاره» را بسازم مسلماً از وجود این ستاره برای ایفای نقش «ساره» استفاده خواهم کرد. در واقع باید بگویم که این، پیشنهاد و ایده باربارا بود که سارا برتاره را بسازم. البته قبل از این که ما جلوتر برویم باید بگویم در دوره چند چیز توافق کنیم، خوب او ستاره‌ای است که رقب زیاد دارد و همین حساب باید قلاً با هم مقداری حسوف برین.

تولیکي مثلا ستاره‌ای متفاوت بود، خوب منظور این است که او یک ستاره بوده یا یک نام مشهور بود، اما به‌رحال یک احساس درونی داشت که این احساس از زمانیکه مدل بود و بعد در سینما به کار پرداخت، در او وجود آمد و به‌معنی آن که شروع به رقصیدن و آواز خواندن کرد، در او بود. یک جور عنصر بیگانه‌ای است که مورد تولیکي مهم است، در او بودن یک جور عنصر بیگانه‌ای است که بعضی‌ها این کیفیت را ندارند و این همان چیزی بود که من واقفاً بدان نیاز داشتم.

لارگرین مشکل ما در دوره «وی‌فرانسه» این بود که کار را با سرعت و عجله زیاد به‌انجام رسانیدیم. آنها می‌خواستند فیلم را به هنگام کریس در آمریکا به نمایش بگذارند، پس باید فیلم هرچه زودتر مونتاز میشد. به‌رحال باید بگویم که داستان فیلم را خوب می‌دانی کردند، آنها روشی بود که من در اینجا در انگلستان ساخته بودم.

● من امینوارم که دیگران که کارهای من تقلید کند بالا‌آفل چیزهایی در بهترین آثار من پیدا کنند که احتمالاً مورد استفاده آنها قرار گیرد، من خوشحالم از این که بگویم از کارهای کارگردانی چون «آرستین»، «فریتز لاک»، «سروو» و «فینی» - فنی سال‌های گذشته، نه فنی کونی، چون او اکنون آدم وحشتناکی شده - و البته اورسن وولر در کارهایم استفاده کرده‌ام. اورسن وولر بدون تردید از بزرگترین کارگردانان سینماست. آنچه برای او اتفاق افتاده، غیرانگیز است، من نمی‌دانم چرا اینطور شده، اما من شخصا ناراحتم چرا که او بهترین کارگردانی است که تا‌حال وجود داشته.

کن‌راسل در مورد هنرپیشه‌های فیلم «مسح وحشی» نظریات خاصی دارد و باول خودش در این فیلم به‌تعمیر عایش کمی استراحت داده است و آنچه از فضای کلام او می‌آید این است که هنرپیشه‌ها در این فیلم تازه او اهمیت چندانی ندارند و وجودشان چندان احساس نمی‌شود:

«بهترین ساله در مورد هنرپیشه‌های این فیلم - و من هم با وجود یک چهره تازه نیاز داشتم - این بود که کسی را برای ایفای نقش «گودیه» پیدا کنم. گودیه یک نابعه بود که قدرت فسر او ای داشت، و مثل یک کارگر انرژی داشت، با زبری که در «کالوست گارن» نام روز کار میکرد و شبها به‌خلاقیت می‌پرداخت و درباره هر چیز عقایدی داشت. من مجبور بودم یک آکور جوان ۲۰ ساله را انتخاب کنم، منظورم این است اگر غیر از این بود، کار صورت نمیداد. ولی با وحشت نمی‌توانم بگویم که نام آکورهای جوان ۲۰ ساله انگلیسی، بیست و هشت ساله بودند. واقفاً ۲۸ سال داشتند. آنها به جوان بودن ظاهر نمی‌کردند، اما جوان نبودند.

این آکورها همه شبیه بهی بودند و یک‌جور صحبت میکردند. آنها آکور واقعی نبودند. بوهانسان را تا روی شانه‌هایشان بلند کرده و ژانگ‌های خنق قدیمی‌شان کردند بودند. تا صبح از حدود سیرده نفر آنها تست گرفتیم و درمیان آنها، تنها یک نفر بود که تا حدودی توجه مرا بخود جلب کرد، او چه‌راهی تقریباً شرم‌آلود داشت.

این روزها تابع بودن برای آکورهای انگلیسی کار مشکلی شده، آنها مدرن شده‌اند، اما در دیگر آنها هنوز وحشتناکی‌ها شده‌اند. من نتوانستم بخودم بفیلام که چنین آکورهایی بتوانند نقش «هاری گودیه» را اطور که من می‌خواهم بازی کنند. بنظر من

# تربیون آزاد



## جوانان و سینمای نو

● موج نو و (سینمای نو) امروزه در جهت تأمین نیازهای اجتماعی بوجود آمده است این انگیزه و خواست در جوانان ما شوق زیادی را در شناخت بیشتر سینمای جدی و اصیل بوجود آورده است. متأسفانه تاکنون سینما بیش از آنچه که برای تلاشهای تئاترجی مفید باشد - در وجود مردم ما وسیله (تفنی) بوده است نفسی بصورت آدماس پیچیده در لعاب (رنگی سینماسکوب) که دو ساعت متوالی تئاتراجی میجود و سپس بیگام خروج از سالن سینما آژرا تک خیابانقف می کند. وجواب اینجاست که در چنین وضعیتی و با سینما چنین فیلمهایی بازم عشق به سینمای اصیل علمی در وجود همه جوانان ما بیدار است و آنان در جستجوی سینمای خوب فارسی آرام و قرار ندارند جنسیتی که سخت رفیقار و اسف انگیز است. زیرا در وضع موجود هرگز امید احتمال آن لیست که بوندگانش این راه را تا چنین رویانی نامواب که در پیش گرفته اند بجائی برسانند! سینمای نو میگوید تا اگر نخواست هدف را نزدیکتر کند لافال بداین تلاش و جستجو رنگ و صورت مشترکتری بیخند؟ سینمای نو باید واسطه‌ای بین خود و بیننده‌گانش باشد! سینمای گلسته ازما بیانی باوجودی ندارد ولی پژوهندگان واقعی سینما در هر زمانی باید چونندگان راههای نوین و صاحبان افکاری نو باشند سینمای نو ایده‌آل تئاتراجی منتکر است نه متضن آن تئاتراجی که برای سینما آرج و مزتی بیش ازین سری‌نمایشات (آژراسیون) کاره دالینسیها ویا تاسرهای لاکرار قابل است آن تئاتراجی منتکری که سینما را بازاریابی زنده برای بیان حرفهای لسل جدید و روزگار نو میخواد ودر حد است تا سینمایی این چنین را بهتر و بیشتر بشناسد و بیشتر دوست دارد برای همراهی وهمگامی باجریان روز سینما در ایران باید از فیلمهای روز انتقاسی سالم و سازنده کرد و تحسین نمود. از اوضاع جاری سینما مکتاب جوید و قدیم سینما را فیلمها و هنرمندان روزگ را با بحثهای زنده و ساده بیگمان فهماند و شناسد، باید برای ایجاد سینمای نو در سراسر ایران برای بقا و بهتر شدن این صنعت که برای باسختکولی نیازهای اجتماعی بوجود آمده از هیچ کوشش و تلاشی فروگذار نکرد، باید با تلاش جمعی و همگانی مطلق فیلم و شناخت فیلم را در این سرزمین بالا و بالاتر برد و به پیروی از نیازها گروه بیشتری از تئاترجانان منتکر و سازندگان مطلق تربیت نمود، باید اندک اندک سینمای خوب راه خود را در این سرزمین باز کند ودر پیچه‌نراهی از شای فکری و فرهنگ بشری راه را بر این دیدگان همه ما روشن سازد. کاره هدایت هدایی

## فیلمهای خوب و بد مستلزم یکدیگرند

● در این مملکت مرسوم شده است که همیشه «تجارتی‌ها» مورد حمله نستاندکاران سینما و منتسبن قرار گیرند. از هر طرف خط‌بطلان بر آنها میکشند. چرا؟ مگر نه اینکه ساختن فیلمهای «هنری» مستلزم سرمایه است، و این سرمایه نیز بوسیله همان فیلمهایی بوجود می‌آید که همواره خریدار فرمز بر آنها میکشند و آنها را طرد میکشند! این یک واقعیت انکار ناپذیر است که: (سینمای «خوب» بوسیله «تجارتی‌ها» تغذیه می‌کند). چون اینرا زمان ثابت کرده است، جویا همیشه از نظر مادی فزیرند تا آنجائیکه وضع تهیه تهیه کنندگان را بخطر می‌اندازند و آنانرا در برهانی قرار میدهند که گریز از آن کارست مشکل، کما اینکه علمای از این گروه سرازندانهایی بیرون می‌آورند، چرا، مگر رگبار با حسن نیت تمام ساخته ننما مگر نبایدکه همه آرا شوند و جایزه دهند، پس چرا تهیه‌کننده آن گرفتار شده «تهیه‌کننده رگبار توفیق شد، اینرا جاید گفته» و این سر نوشت نه تنها برای این تهیه‌کننده ستوده نیست، بلکه برای دیگران هم صدق میکند.

تهیه‌کننده رگبار دست بسایک ریسک‌خاطر می‌زند و با حسن نیت و بیانی که دارد فکر میکند که بازده سرمایه‌اش را حتی الاشکان متوافق دست آورد. ... اما اگر این تهیه‌کننده نخواست سرمایه‌اش را در راه یک فیلم «تجارتی» بگرددش می‌انداخت و بلافاصله فیلم دومش را تحت عنوان (رگبار) می‌ساخت بطور من هرگز باین برهان ویاضا شغل پایان و مسلما خانه فیلم سازی نمی‌رسید، او می‌توانست در کوران این سینمای محدود راهی بیابد و بظایر و دوامی، نه اینکه بکبار و دیگر هیچ!

فیلمهای «تجارتی» ثانویه و زیرمایست برای «مردم»، پس میتوان بروی این ریشه شناسی رگه‌هایی از «عوه‌ها» و «بدها» با نهاد... رگه‌هایی از رگبارها و رده‌هایی از همان فیلمهای (بد) و باطنی که بازده خوبی ندارند و مردم (ندانسته) بیای آنها پول می‌ریزند.

فیلمهای تجارتی در حقیقت (بده) گرچه همراه با مقداری آلودگی‌ها هستند، اما لازمند آنها را در ریه سینما فروزد تا با استفاده از لوازم خوانستی که همان «مدایب» است و همراه دارند بدون آن ادامه داده، گرچه (بازدم) آن «عوه فیلم» می‌باشد که آرا نمی پذیرند و پس می‌زنند.

پس این «بدها» هستند که همراه خود «خوانستی‌های» سینما دارند کما اینکه نام خوانستی‌های سینما خود فیلم می‌باشد که چون «بازدمی» طرد میشوند و بدور ریخته میشوند. بنابراین میتوانند این فیلمهای مثلا (بد) را از رانگسای سرمایه‌های داشت که باید به سینما راه یابد تا بوسیله آن فیلمهای (خوب) ساخته شود. چون این حقیقت را باید قبول کرد.

«تجارتی‌ها» تأمین حلقو مجروحان را بر آورده می‌سازند»

ع - استحقاقی (چهرم)

## بزودی در سینماهای کسری و...

### تخت جمشید



### ازدواج سیسیلی

«ترکی»

با شرکت لادابوراکتا - اراد و فورستربک  
برنامه اشپ سینما تخت جمشید: در تلاطم زندگی



# هونیکا



مجری و خواننده

از : حسین مرتضوی

## سوخنگی و کسرت

● «رئیس» خواننده جوان عهده گذشته هنگام آلبومی درمهرل چهار سوخنگی در قسمت صورت شد. جراحات حاصله چندان عمیق نبود چه روز چهارشنبه که مصاحبه با روز عیدمیلاد بود بهرمان «خبر» جهت اجرای کسرتی بابت چند روز به «اواز» مسافرت نمود. سنا بدینست بیانید که وی سنا چندی دیگر پای سفره عقد خواهد نشست.

## هنگاری دو خواننده

● بزودی دو ترانه با صدای «روپا» بخش خواهد شد که از ساخته‌های «صادرام» می‌باشد. این دو آهنگ که «شکایت دل» و «مظالم بلا» نام دارد قرار است از برنامه شما و رادیو بخش شود. شناسا با هنگاری نزدیک که مابین این دو خواننده برقرار شده ممکن است درآینده بیشتر آهنگهای «روپا» از ساخته‌های «صادرام» باشد.

## کسرت در گویت

● «آغاسی» قرار است برای اجرای یک سری کسرت جهت ایرانیان مقیم گویت، بدین کشور مسافرت کند. وی که سال گذشته نیز بدین مسافرت رفته بود امسال

● صفحه ۳۳

شیط گردیده است و قیزار است ناچندی دیگر با ترانه دیگری که فعلا مشغولاندر آن مستحصورت سفینه منتشر شود.

## ● «کاوه» یکی از مجریان

برنامه هومیه «جشن‌آواز». رادیو بنازی که بحر که خوانندگان پیوسته است وی در روز شنبه در وارینه این برنامه آهنگی از ساخته‌های «پرویز خانیان» تهیه کند. برنامه مزبور خواند با عنوان «سنا» که محتر کردی که شعر آن وسیله «بیژن سنندری» سروده شده بود.

## ● فتیوال الجزایر

● گروه هفده نفری هنرمندان ایران، چندی قبل جهت شرکت در فتیوال اندولس (الجزایر) بآن دیار رفته بودند. در بین این گروه تک‌نوازان چون فرامرز پور - خوشنک ظریف - حسن مهدی - محمد اسافیلس - دبیبی و خوانندگانی نظیر برسا - اماله و گلچین شرکت داشتند. این فتیوال که هرسال برگزار می‌گردد مبرکه منظور معرفی و انتخاب بهترین موسیقی شرق و کرانه‌های مدیترانه و شمال آفریقا تشکیل می‌شود. از ایران امسال برای اولین بار در تاریخ حیات این فتیوال دعوت بعمل آمده بود و برنامه‌هایی که وسیله هنرمندان ایرانی اجرا شد وسیله شبکه‌های فرانسوی رادیو - تلویزیون الجزایر بخش شد و جراید آن دیار همزمان شرکت ایران در فتیوال آندولس داشتند که موسیقی ایران، بهترین برنامه امسال فتیوال بود.

● چندی قبل به اطلاع رسانیدیم که قرار است «فریدون فروغی» با آهنگی که وسیله «پاک» ساخته خواهد شد جهت فیلم «خورشید در مراب» نوازی پسر خواهد نمود. دراین هفده مطلع شدیم که با اختلالی که مابین تهیه کننده و آهنگاز روی داده کار تهیه موزیک متن فیلم مزبور سه «واروژان» سپرده شده است و آهنگی که «واروژان» برای متن فیلم خواهد ساخت با صدای «شیری» ضبط خواهد شد.

شعر این ترانه را «آرش سزاوار» سروده است.

## ● گروه سلفری

● هفده گشته در استودیو «آلبورویس» آمک جدیدی با صدای «گروه جدید» مفیدی ضبط گردید که بهین یکی بقیه جزو خوانندگان مشهور می‌باشد. آهنگ مزبور «میتز» نام دارد که آهنگ آن وسیله «پرویزمفیدی» و شعرش توسط سزاوار ساخته شده و با صدای «کیوان» پرویز و ویلون



● «صادرام» برای «روپا» آهنگ میسازد و دو آهنگ اولوی برای «روپا» شکایت دل و مظالم بلا نام دارد.



● «کیوان» در گروه «آرش» «پرویزمفیدی» با پرویز و ویلون همکاری دارد.



● کمثاله آغاسی پسر برای اجرای کسرت به «گویت» می‌رود.

# فیلمسازی آماتوری

از: فریدون . م . صالح

۳۱

## فیلمبرداری رنگی

قبل از اینکه به بحث در این قسمت پرداخته شود بهتر است که فیلساز آمواتور باصلا و ریشه فتوگرافی آنتانی پیدا نماید . چون این اطلاعات بنا در فهم و درک مطالبی که در باره تجربه نور و فیلمبرداری رنگی خواهد آمد کمک موزی مینماید . سایرین لازم است نگاهی گذرشته شوند و تاریخچه فتوگرافی را بطور خلاصه مورد تجربه و تحلیل قرار دهند .

همانطورکه برای نقاشی تصویری ، احتیاج به قلمبو و رنگ میباشد ، یک تصویر فتوگرافی نیز با نور احتیاج داشته ویکتک آن وجود میابد . در حدود صدسال قبل از اینکه اولین تصویر دلبانکتک نور تهیه شود ، درسال ۱۷۲۷ یک پزشک آلمانی از دانشگاه هسمر نورلرک نام یروولسورJohann Heinrich Schulze کمالا تصادفی به حساسیت (نکات های تیره) نور بر، بدون اینکه خود بداند چه کتف مهمی نموده و این عمل صمدال بعد چه تحول عظیمی درتاریخ بشر ایجاد خواهد کرد .

در سال ۱۸۰۲ یک دانشمند انگلیسی نام Davy موفق شد تکتک Solarmikroskop روی صحنه حاوی (بروچور تیره) تصویری منعکس کند ، که این تصویر را میند فلف درحالی که دارای نور کم و تقریبا تاریک بود ، نگاه کرد که البته بعد از مدت کوتاهی تصویر از بین میرفت چون هنوز کسی قادر نبود آنرا بدرستی ظاهر و باقی نمود رساند .

بین سالهای ۱۸۲۳ - ۱۸۱۶ یک کاتلف فرانسوی نام - Nice phore Niepce مشغول مطالعه در ایجاد تصویر تکتک نور در (کامرا اسکورا) شد و برای اولین بار یکتک اسلانت حساس نور ، برای گرفتن عکس نگار برد .

طرح از این اسلانت بدینصورت بود که صحنه حاوی اسلانت حساس نور را توسط دوربین نور دانه ولفاقی که این صحنه نور مدید قابل حل درمانه مخصوص شیمیائی حلال نموده و تقاطعی که نور نمیدید دراین مانده حل میشد . تکتک این طریقه (نیپس) موفق شد در سال ۱۸۲۶ اولین فتوگرافی دنیا را بعد از ۸ ساعت نور دادن در (کامرا اسکورا) روی صحنه حاوی اسلانت حساس نور ، بوجود آورد (عکس شماره ۶۷) که خود آنرا Heliographie نامیده است .

بعد از این کار نیپس مشغول تهیه عکس تکتک مانده حساس نور نکاتهای تیره مثل (الیزابت تیره ، بروچور تیره ، کتر تیره وید تیره) شد و بدینوسیله بین او و یک فرانسوی دیگر نام Louis Jacques Mande Daguerre که همچنین در این زمان با معنای فتوگرافی مشغول بود تماس حاصل نموده و باهم تبادل معلومات در زمینه فتوگرافی نمایند .

در سال ۱۸۳۹ داگوئر صنعت فتوگرافی را در پاریس باعتموم معرفی نمود که در تاریخ نوزدهم اوت ۱۸۳۹ در آکادمی دانش و هنرهای زیبا پاریس با حضور نیپس و داگوئر صنعت فتوگرافی توسط Arago رئیس آکادمی ، برای استفاده تمام جهانیان آزاد اعلام شد .

طریقه‌ای که داگوئر نام (داگوئر تیپو) بکار میرسد ، بدین ترتیب بود که با بکاربردن یک صفحه تیره‌ای ، وسیله (بخار بد) که روی سطح آن دانه میشد مانده حساس بنور (بدتقره) بوجود میآید که آنرا در دوربین‌های اولیه عکاسی که فقط از یک اسلانت تاریک و عدسی بسیار ساده‌ای تشکیل شده بود ، نور میداد و بعد منظور بدست آمده را که هنوز قابل دید نبود وسیله (بخار جیوه) نمایان و ثابت میکرد .

هرچند که این طریقه تغییرات زیادی نموده تا فتوگرافی بصورت امروز درآمده ولی اصول استفاده از (نکاتهای حساس بنور تیره) از همان زمان پایه‌گذاری شد و بهیمن جهت سال تولد فتوگرافی را سال ۱۸۳۹ محسوب مینمایند با وجودیکه نیپس ۱۳ سال قبل از این فتوگرافی دنیا را بوجود آورد و او را کاتلف فتوگرافی مینامند .

از همان اوایل کار فتوگرافی کوشش میشد که تمام رنگهای که در طبیعت وجود دارند روی قتر حساس فیلم اثر نموده و درتصویر سیاه سفید بصورت نمایان شوند ، بدلیل اینکه در (داگوئر تیپو) صحنه تیره‌ای حساس بنور فقط در مقابل نور آبی (کامپندار زبانی در نور روز) وجود دارد ، بود و بهیمن جهت سایر رنگها در تصویر کاملا سیاه منعکس میشد و اگر عکسهای بسیار قدیمی آن زمان و با بعد از اینکه (سینماوگرافی) بوجود آمد ، در فیلمهای اولیه دقت نمود ملاحظه خواهد شد که لهای اشخاص و هنریشگان که در اصل بزرگ تر است در فیلم کاملا سیاه منعکس شده‌اند ، حتی در اوایل کار فتوگرافی و فیلمبرداری بصورت هنریشگان را با پودر مخصوصی سفید میکردند تا صورتشان بهتر در تصویر نمایان شود .

متد (داگوئر تیپو) یک عیب بزرگ نیز داشت و آن این بود که قابل کمی کردن بود چون تصویر بدست آمده از همان وهله اول بصورت بزرگ بود . تا اینکه در سال ۱۸۴۱ Talbot انگلیسی متد جدیدی کشف نمود و آن ایجاد نسخه نگاتیف برای تصاویر بود و بدینوسیله راه تازه‌ای برای فتوگرافی گشود ، وحی هنوز کمی‌های بزرگت بدست آمده از فتوگرافی گشود ، وحی و چون آنرا Calotypie مینامند ، بدحکمال نبود برای اینکه نسخه نگاتیف را با استفاده از یکتک کاتلف وجود میآورد که در نتیجه در نسخه بزرگت ترسیمه های ناجواری دیده میشد که در جنس خود کاتلف وجود داشت .

برای رفع این مشکل در سال ۱۸۵۰ یک نفر فرانسوی بنام Le Gary بعد از او در سال ۱۸۵۱ یک انگلیسی نام Archer موفق شدند که ذرات مانده حساس (بد تیره) را در مانده شیمیائی Kollodium که مانده حلالی از Nitrozellulose میباشد ، بصورت قشری روی یک صحنه شیشه‌ای بپزند ، حسن این کار این بود که نگاتیف های بدست آمده نور را ازخود عبور داده و برای ایجاد نسخه بزرگت کار راحتتر و ساده‌تر بود و از طرفی ، دیگر از عوامل خارجی در تصویر چیزی دیده نمیشد ولی اینکار هم بنوبه خود عیب بسیار بزرگی داشت و آن این بود که لایه حساس بنور شیمیائی در حالتی که هنوز (خیس) بود ، مورد استفاده قرارمیرگرفت چون وقتی این لایه خشک میشد از حساسیت خود را از دست میداد ، و در نتیجه برای عکسکار امکان اینکه مقداری شیشه عکس بعنوان

ذخیره داشته باشد وجود نداشت و از طرفی اگر میخواست برای عکسبرداری بجای برود میبایستی یک چادر تاریک خانه هم بدوش میکشیدند تا بتواند اول ماده حساس قشر شیشه را درست کند.

در سال ۱۸۷۱ یک بزنت انگلیسی J. Maddox بجای ماده Kollodium

حافظ بد تیره روی شیشه عکس، از ژلاتین و بجای بد تیره (برویدر تیره) مورد استفاده قرار داد و اولین شیشه حساس نور خشک را ساخت و بدینوسیله کار فوگرافی آسانتر از سابق شد و به فوگرافها این امکان را داد که شیشه های زیادی را قبل از عکسبرداری آماده و هشتت مقداری ذخیره داشته باشند (هوز هم در ایران، بخصوص قدیمیها، فیلم تکایف را شیشه عکس میساخت).

استفاده از این صفحه های شیشه ای خشک حساس نور درحالیکه کار فوگرافی را نسبت بگذشته خیلی آسان کرده بود، هوز عیب های زیادی داشت. اول اینکه شیشه ها شکنجی بوده و ناشکست آن، تکایف از سن میرفت و همچنین بسیار سنگین و بجای زیادی نیز

انغال میکرد، تا اینکه در سال ۱۸۸۷ Hannibal Godwin

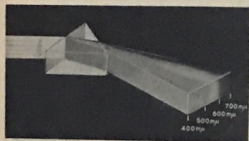
امریکائی برای اولین بار از ماده ای بنام Zelluloid بجای شیشه حامل لایه حساس نور در فوگرافی تکار برد که آژرا (فیلم) نامید (معنی لغت فیلم، پوسته نازک است) که هوز هم از سلولوید کفایت تا نند و شفاف است و ما آژرا بصورت های مختلف فیلم A و ۱۶ و ۳۵ میلیتری و فیلم ۹۶۸ و فرجهای مختلف دیگر برای فیلمبرداری و فوگرافی میسازیم، مورد استفاده قرار میگیرد و بدون وجود ماده سلولوید اصولاً صنعت سینما فوگرافی هرگز بوجود نمیآید.

عکس رنگی در صورتی بوجود میآید که ذرات حساس نور لایه های تیره برای رنگهای مختلف حساسیت داشته باشند و درحقیقت لایه های حساس فیلم باستانی رنگها را پسند تا بتواند آنها را دوباره باز بسازد. همانطوریکه گفته شد لایه های حساسی که داگوتر، تالیوت و مانوکس مورد استفاده قرار میدادند فقط در مقابل نور آبی حساسیت داشتند و بنابراین در عکسبرداری با آنها فقط انبساطی که دارای رنگ آبی بودند در عکس قابل منعکس شدن روی لایه حساس فیلم سیاه و سفید بود و بقیه رنگها در تصویر سیاه ظاهر میشدند. بطوریکه حتی اگر جسمی دارای رنگ کاملاً روشن قرمز بود باز در تصویر سیاه نظر میرسد. وهمن موضوع در آن زمان باعث شد که اشخاص زیادی به این فکر بیافتند که لایه حساس نور فیلم را طوری درست کنند که در مقابل رنگهای دیگر نیز حساسیت داشته باشد و همین فکر باعث شد که فوگرافی رنگی، که از همان موقع پیدایش فوگرافی عکاسان علاقمند به ایجاد عکسها با رنگهای طبیعت بودند، بوجود نیاید. که البته این نیز تیره خود سالها طول کشید تا اولین عکس رنگی تهیه شود.

در صنعت فوگرافی شیر از برویسر Schulze آلمانی، فرانسویها و انگلیسیها اکتشافات زیادی کرده بودند که در اینجا باز به اسم یکنفر آلمانی H. W. Vogel برخورد میکنیم که صفحه جدیدی در تاریخ فوگرافی گشود. Vogel موفق شد در سال ۱۸۷۳ با استفاده از چند ماده رنگ مثل Korantin و غیره ذرات برویدر تیره را علاوه بررنگ آبی در مقابل رنگهای سبز و قرمز و در نتیجه ن. مقابل تمام رنگهای طبیعت نیز حساس نماید که آژرا (حساس کردن لایه نسبت بفرنگها) میگویند که بدون آن فوگرافی مدرن امروزی وجود نداشت. بدینوسیله در عکسهای سیاه و سفید رنگهای روشن بجای (خاکستری روشن) و رنگهای (خاکستری تیره) دوباره منعکس میشد.



تصویر شماره ۶۴ اولین فوگرافی دنیا که در سال ۱۸۲۶ توسط نیپس بعد از ۸ ساعت نور دادن در کماره ایسکورا گرفته شد.



تصویر شماره ۶۵: تجزیه نور سفید توسط منشور مثلثی القاعده با طول موج رنگها بدیلمی میکرون

### تجزیه نور

نوری که ما از منابع مختلف نور چه از طبیعت (نورخورشید) و چه از منابع نوریهای الکتریکی و چراغ نفتی وغیره میبینیم و بنظر ما (سفید) میرسد در حقیقت سفید نبوده بلکه از رنگهای مختلفی تشکیل شده است. در حالیکه اگر نور سفید را از (منشوری مثلث القاعده) عبور دهیم (قانون نیوتن) از آن نور سفید بیرون نمیآید بلکه رنگهای مختلف بنظر خواهد رسید که آنها را (طیف نور سفید) مینامند (عکس شماره ۶۵). حال چون نور سفید از منشور عبور داده شد، پس نور سفید باستانی از رنگهای ثابت آمده تشکیل شده باشد که در اینجا نیز (نیوتن) در آزمایش بعدی آژرا ثابت نمود و رنگهای طیف را دوباره از منشوری عبور داد و مشاهده کرد که نور سفید بدست میآید.

ادامه دارد

آغاز دوسم هفته نمایش موفقیت آمیز در سینماهای : اونیورسال - پاسیفیک - ایران - ساین - تیسفون -  
میراد - موناکو - پرسپولیس - دارپوش - کارون - دریا - مهتاب - کریستال و آستارا «تخریش»

**تینا فیم**  
تقدیم ویکت

**ناصر ملک مطیعی**  
**منوچهر و شوق**  
**و امین امینی**

# گروهبان

کارگردان: **ستید مطیعی**  
فیلمبرمان: **ایرج صادقیپور**



هنرپیکر: **مستن و اردوژان**  
سناریست: **ایرج جنتی عطائی**  
تهیه کننده: **رضا شیبانی**

لیداران شور، تجدد، فراد حمیدی  
حسین اشراق، طوفان، طوفانپناه  
یدی قاسی و نمشیرزاد

## خبرها

### شرکت تازه سینمایی

● رسا صفائی بوجهب قرار داده حائی که دارد باید تا چند ماه دیگر فیلمهای متنوعه، گروگان، جعفر و جسی و محبوبه‌اش و خواننده را بخارند. وی مصمصامت از عید نوروز ۱۳۵۲ منتقلاکاروش ادامه دهد و یک سازمان سینمایی بوجود آورد. صفائی برای شروع کار سازمان سینمایی خود از روی ساریوی «جاسو» یک فیلم عیس تجاری خواهد ساخت.

### انتخاب محل

● فریدون زورک که برای ساختن فیلم تازه‌اش احتیاج به معدن دارد بعد از دیدن چند معدن در نواحی بزرگ، جنوب و اصفهان هت گشته به شمال مسافرت نمود و از معدنی که در ناحیه‌ای بام «زیرآب» وجود دارد دیدن کرد. زورک احتمالاً فیلم تازه خود را در این ناحیه جلوی دوربین خواهد برد. در فیلم زورک که داستان آن از فریدون گله است و سیروس اولندی سناریوی آنرا تنظیم نموده ناصر ملک مطیعی، فخری خورش، ارغوان و بیگ ایماوردی نقشهای اصلی را بازی خواهند کرد.

### بدیاری شروع میشود.

● با مراجعت قاسمیوند از اصفهان که اینک در آنجا سرگرم فیلمبرداری «خیالاتی» است تهیه محصول تازه استودیو این موسوم به «بدیاری» آغاز خواهد شد. در این فیلم که سناریوی آنرا میرخدیوی نوشته و بکارگردانی صفائی توسط قاسمیوند فیلمبرداری میشود پرویز کارمان، لیدا دانشور، رضا کریم‌رشتائی، سائق بهرامی و شیراندانی شرکت دارند. بدیاریا در رضا بیگ ایماوردی تهیه مینماید.

### فیلمهای بین‌المللی

● سازمان پانوراما و تیتسا فیلم مصمم هشتدها همکاری بکلیگر تهیه یک فیلم بزرگ را که در چند کشور اروپائی و آسیائی فیلمبرداری خواهد شد آغاز نمایند که بطرفی مهری وداییان و سرکوب شرکت در آن که میرلوحی کارگردان و

ایرج صادقیور فیلمبردارش هت فریدن بازی خواهد کرد همچنین زیرنست هم در صدد ساختن دو فیلم یونانی و عرس سیامیا همکاری همرندان آمریکائی و ایرانیست که تهیه کننده آن سعید فواد تهیه کننده کلبائی فوکس قرن بیستم است. این دو فیلم از شرکت سینما تئاتر رکس پخش خواهد کرد.

### دوقولهای جیون کینگ

● منصور بهرینیا مذاکراتی بایک ایماوردی بعمل آورده تا فیلمی را که قرار است تهیه نماید در استودیو آری بازماند این فیلم دوقولهای جیون کینگ نامدار که قرار است بکارگردانی کارمان قدقجیان توسط توج پسرمرودت فیلمبرداری شود. ساریوی فیلم مزبور را فیلا حبسالله کسائی نوشته بود و اینک سیروس اولندی مشغول تغییراتی در آنست. بهرینیا خود نقش «جیون کینگ» و دوقولهای او «فریزر و فریدون» نقش دوقولهای جیون کینگ را بهمه دارند.

### سهیلا و تحصیلات

● «سهیلا» با شروع سال تحصیلی ۵۱ و ۵۲ بطور کلی مینما را کنار گذاشته و مشغول تحصیل شده است و هم‌اکنون تمام وقتش را در درس و مشق و کتاب می‌گذراند و در تلمی که با سهیلا داشتیم گفت: اگر بخواهم در فیلمسی شرکت کنم فقط در ایام تعطیلات تابستان آهیمبخطاگر سرگرمی خواهد بود روی این نظر بانک سرگرمی گزارش داد که بوجهب آخرین برآورد حدود ۵۰۰ درس اطفال لازیم التعلیم دبستانهای کشور راه یافتند.

### نعت تقی ادامه دارد

● فیلمبرداری محصول تازه پارسا فیلم موسوم به «نعت تقی» توسط خانی ادامه دارد. در این فیلم که سنارست و کارگردان آن‌عاش کاشی و تهیه کننده‌اش منوچهر صادقپور است آقای سیمین‌غفاری مهری وداییان و سرکوب شرکت دارند.

## برندگان جوایز فستیوال

۱۴ تا ۱۸ سال به فیلم یک بپ برحسب تصادف از فرانسه بکارگردانی لاکویو بخاطر زیبایی تصویر و ترکیب موفق طنز سیاحت با اظهار نظری گزیده درباره مشکلات جهانی.

● **پلاک طلای فستیوال** در گروه فیلم‌های که برای عمووم نامانگار است ساخته شده ولی بلاخص برای کودکان و نوجوانان نیز مناسب است به فیلم **گرتک تنها** از یوگسلاوی بکارگردانی ابراهیم گلوچه **ویج** بخاطر بیان رابطه‌ای صمیمی و احساس گریش غریزی یک کودک در دنیای خصمانه و مفید بزرگسالان.

● **پلاک طلای فستیوال** بطور فوق‌العاده به فیلم **فوش** از انگلستان به کارگردانی کنت لوج بخاطر بازآفرینی موفق و دلنخ و گیرای دنیای یک کودک به‌گونه‌ای که موجب جلب توجه نسبت به مسئله کودک مورد غفلت قرار گرفته شود.

● **جایزه مخصوص حصه طلای فستیوال** به فیلم سفر از ایران به کارگردانی بهرام بضائی بخاطر ارزش‌های انسانی و شهامت در ترسیم فضای ناموافق و بخاطر برابری نوجوانان از زندگی واقعی و ازبهای فوق‌العاده‌ی هنریشان خرداش.

● **جایزه مخصوص حصه طلای فستیوال** به فیلم **تکامل** از کانادا بکارگردانی مایکل میلز، بخاطر کیفیت بدیع و مخیل و بخاطر اعاشش در ترسیم مضمینی که براساس ترکیبی کامل از عناصر استنتاج و نمایش بنا شده است.

● **وبالاحراه جایزه بزرگ حصه طلای فستیوال** به بهترین فیلم به‌منظوم مطلق به‌فیلم در ستاره **دانه‌دار** از چکسلواکی بکارگردانی کارل زمان بخاطر خیالپردازی شاعرانه و ترجمه درخشان که از یک اثر کلاسیک ژولورون به‌یک زبان بداعت‌آمیز و نوین سینمایی عمل آورده است.

### جوایز هیئت‌های داوری ایرانی نیز بدین ترتیب توزیع شد:

- **منتقدان سینمایی** طوعات تهران: به فیلم **طویل** «در ستاره دانه‌دار» از کشور چکسلواکی از کارل زمان.
- همچنین به فیلم **کوتاه سفر** از کشور ایران اثر **بهرام بضائی**.
- **وزارت فرهنگ و هنر**: به‌نویسندگوش کارگردان فیلم «دوستای زرنگ» از کشور بلغارستان.
- **وزارت آموزش و پرورش**: به‌فیلم «گرتک تنها» از کشور یوگسلاوی.
- **دانشکده علوم تربیتی** دانشگاه تهران: به‌فیلم **طویل** «فوش» از کشور انگلستان اثر کنت لوج و فیلم **کوتاه سفر** از کشور ایران اثر بهرام بضائی.
- **تلفزیون ملی ایران**: به مایکل میلز کارگردان فیلم «تکامل».
- **آرشو فیلم ایران**: به‌فیلم «سفر» از کشور ایران اثر بهرام بضائی.
- **هشت داوری بین‌المللی** کودکان: به فیلم **طویل** «گرتک تنها» از کشور یوگسلاوی و همچنین فیلم **کوتاه** «**فوش** خودخواه» از کشور کانادا اثر پیتر سالتر.

### دوست عزیز آقای روییک منصوری

دوگشت پندگرمی‌تان راسیمانه‌شلیت گنه وامیدوارم که دردم خود سهیم بدانم.

آرمان

نیاگارا - اروپا - بولوار - میامی - الوند -

آغاز دومس هفته نمایش موفق آمیز در سناهای :

کیهان - اسکار - فردوسی - مارلیک - اراونوس - آسمان آبی - ویلورسیتی (فلیک) و سیلوانا



# فردین پوری بنائی

شیراندازی  
خزانه تایلندی  
کیمون  
دشمن عدی  
نازنین  
تبرانی  
خولجی  
منصور شاه  
داود رشیدی



# تیم ملی



فرزادین ضیاء

مرتضی خانلار

محمدعلی فردین

مصطفی عالیپان

سپهرنگین - الهود

## نظرها

که اینبار هم قریب مطابق سابقه نشانهای و شاید هم تحت تاثیر سری فیلمهای قبسی فرمان ماجرایش را با آوردن آن تعجب روی بام به یک حالپووی نساکام می کند . البته قریب در این فیلم حرفهای را زده است مقدار درونگرا پیوده است ولی چیزی که هست فیلم از صحنه جد از آزاد شدن سانس آفتاب آسان طی می شود که این نوعیها ویدامالاج درونگرا تنها وسایلهای دنیا واقعی جلوه نمی کند بلکه خیلی خنده آور است . نگاه به کارنامه فیلسازی قریب نشان میدهد او در طول مدت کار خود همیشه متغیر بوده است . و به تجربه ثابت شده که درباره این گونه فیلسازان چه ایرانی و خارجی نمی توان بدستوری قضاوت کرد ؛ چون هیچ معیار نیست که کاربندی قریب بتواند موفقیت رفاه و دیگر فیلمهای نامیدیکند و درحقیقت اولیلسازی است مشکوک :

محمدعلی پرویزی (آبادان)

## رهائی

نمایش درآمده است . اما بطور کلی ، فیلمهای شوروی از این جهت وجلال زیاد در صحنه آرای و میزاس درخشان برخوردار است ، ولی این فیلمها گهگاه بیش از اندازه کاتارسی و ملال آور است . و حال آن که فیلسازان این کشور ، امرای عجیبی برای سرخوشواره های سیاسی از خود بروز می دهند که این پشنگار با مشخصات فوق بی نتیجه هم نبوده است ! سیاسی اروپای شرقی که از نظر فرم و محتوای سیاسی ، از اکثر کشورها پیش گرفته است با فیلمهای «شتق من به پرستوها» (چکسلواکی) ساخته «ماروسیل» (ایران) و «پروصخر» (مجارستان) ساخته «میگلوس بانچو» در این سننوار ، درخشد و تاثیر عمیقی بر اندام تئاترگران باقی گذارد لغرا سوزمهای انسانی سینماگران اروپای شرقی ، برای غریبان غیر منظره بود و موجب بسزگی بشمار می رود . ادامه دارد

## تلویزیون

سختورستی از بازیگران و خوانندگان قبسی سینما است که در عالم هنر طرفداران بسیار دارد و این شهرت و محبوبیت دورسرا بتلویزیون کشاید و در چند فیلم از جمله دیبای یکن بازی کرد که دنیای یکن معروفترین آنها است که منتهای است از تلویزیون پخش میشود و فیلمی است کندی و سرگرم کننده .

دیگر از فیلمهای جدیدی که نمایش آن اخیرا در تلویزیون آغاز شده است فیلمی است به نام «حایان که در آن گروهی سا خرابکاران با مبارزه میروانند و وایریت وان بازیگر اصلی این فیلم است .

«گاوگران» هم فیلمی است جدید که روزهای یکشنبه پخش میشود و نوی کرئیس و راجرو و بازیگران آن هستند .

«دنیای شرقی» فیلمی است جدید که نمایش آن از این هفته آغاز گردیده و روزهای پنجشنبه روز پخش این فیلم است .

### سابقات

سابقات برنامه اول شامل مسابقه جایزه بزرگ - مسابقه لائش و مسابقه چهرهها - است که با موفقیت از دوره قبل در این دوره هم دوام آورده است و یک مسابقه نیز تحت عنوان «بیکار اندیشهها» روزهای پنجشنبه وسیله «عزتالله منوچه» اجرا میگردد .

دنیای شرقی ماجرای زندگی یک زن خبرنگار و روزنامه نویس است و در اطراف حوادثی که در زندگی این زن رخ میدهد دور میزند شرقی مکالین بازیگر معروف سینما نقش آفرین اصلی این فیلم است .

«روزهای زندگی» که طرفداران بسیار دارد طبق معمول روزهای شنبه و یکشنبه برای علاقمندان پخش میشود .

«ناترا از حفر و چاپارل» نیز در روزهای جمعه و اطاق ۳۳۳ در روزهای شنبه پخش خواهد شد .

## برنامه های دیگر

از جمله برنامه های جدید تلویزیون برنامه خانه نبوش است که پرویز گلراند تهیه کننده و اجرا کننده آن است در این برنامه پرویز گلراند در نقش مرادرفی ظاهر میشود و او جوانی خانه نبوش و دوره گرد است که برای امرای معاش هرروز به دیاری می رود و اتفاقی برای او رخ میدهد که هر بار گوندهای ارزندگی این مرد و حیوات زندگیش منعکس میشود در این مجموعه الهی - حسن - حسنی و گروهی دیگر با کارداران همکاری میکنند .

«پژواک از مجموعه های بی دربی جدید ایرانی تلویزیون است که اولین قسمت آنروز پنجشنبه پخش میشود و پژواک که توسط حمید شامحسینی نوشته و کارگردانی میشود ماجرای زندگی چند دانشجوی شهرستانی است که برای ادامه تحصیلات به تهران آمده اند و در یک آپارتمان زندگی میکنند .

یادداشتجویی الهیات یک دانشجوی یک کارمند و یک هریبته بیکار با این گروه هستند و این برنامه ماجرای زندگی این گروه است با شرکت پرویز احمدی - امده منجزی - افشین شهیدی پرویز نوحی - حسین عطار - نوران شامیرای و حسین شاه عراقی .

«برنامه آدم و حوا» کمدی قطع شده بود از هفته آینده مجددا آغاز میشود و سعید امدادی آنرا برای تلویزیون تهیه و کارگردانی میکند . در این برنامه آهو خرمند و اشرف کتانی و اسدانه ، حامی و گروه دیگر شرکت دارند . در این مجموعه بسیاری از مشکلات خانواده ها مطرح میشود .

«هفت شهر عشق را همین بوسان تهیه میکند و اجرای آن

مجموعه خانم فخری نیکراند است . در برنامه هفت شهر عشق ، درباره عرفان و اسباب غازی و شاعران عارف صحبت میشود و مسایلهای رای پنهانهای می نشاناند .

## ورزش

در برنامه های جدید به ورزش نیز توجه بسیاری شده است از آنجمله روزهای یکشنبه پخش برنامه ورزشی خاص نوجوانان پخش میشود و روزهای دوشنبه نیز خبرها و ویژه های ورزشی هفته مسوره برسی قرار میگیرد و روزهای جمعیه یک قسمت از برنامه اختصاصی به فوتبال و پخش مسابقات فوتبال ایران و جهان دارد .

در برنامه جدید یک بخش خبر ورزشی اضافه شده است که هر روز تغییر از روزهای جمعه از ساعت ۱۹:۳۵ به مدت یک ربع پخش میشود و علاقمندان در جریان بهترین رویدادهای مهم ورزشی قرار خواهند گرفت .

## اخبار

اخبار یک نام ترکیبی است . مرکب از حروف اول الحسین خامین لندن آسانی و بی گذاران وحدت شنیدگان ا

پنج نفر از معارف شهر گرد می آیند برای بی گذاری اجنبی با هدف مبارزه با جهل و فقر و فساد و بیعدالتی و برانداختن مرض از کرد ارض ا

پنج نفر که نماینده پنج گونه طرز تفکر در جامعه ما و نیز هر کدام یک جسم حسوده عقب اندکی و تبحر فکری و فرهنگی هستند .

بازیگرهای مرشاهی چسبون صادق بهرامی ، جهانگیر فروهر ، سروس ابراهیمزاده ، نوذراتی آپیک و خود صیاد ، نلفهای اصلی این سریال تلویزیونی را به سنده دارند .

## داود رشیدی

مسره . نقش نامحدود انسانی است و تکلیف خوب و بدی دارد .  
فیلم را در تمام ولی خوشحال هستیم که نقش ما را برای ساینفون  
دارد . محیط کار خیلی حساب شده و دقیق بود و « فردی » که کاری  
که میخواست نکند و در آن خطی که خودش فکر کرده بود ، و افکار صحت  
کننده ، کارش را خیلی جوش گرفته بود . اولیاد دفاع میکرد . صحنه ها  
را اگر مطابق نخواهد او در نمی آمد ، تکرار میکرد و خیلی میل داشت  
که فیلم خوبی بسازد و کوشش زیادی کرده و امیدوارم موفق شود .  
رشیدی که هنوز معتقد است بهترین روزی که در سینمای ایران بازی  
کرده در « فرار از زندان » بوده در مورد این که آیا از فعالیت در سینما  
پشیمان شده و رانسی هست یا نه ؟ میگوید :

« هیچوجه پشیمان نیستم . سینما خیلی چیزها ، خیلی حس ها  
داشته و من خیلی چیزها یاد گرفته . قول دارم که در سینما اشتباهانی  
کردم ولی بغول انجیل لای که گاه نگردد اولین سگ را بمن  
زند . »

من سینما را هیچوجه نسیخوام ، کار نگذارم و حتی در فکر  
کارگردانی فیلمی در سینما هستم ، و خوب وارد شدن به این محیط و یاد  
گرفتن خیلی چیزها ، باعث میشود که شاید در آینده فیلمی را بسازم .  
در مورد « خروس » آخرین فیلمش چنین گفته اند :  
« به خروس خیلی امیدوارم ، نه و خدا دانسان خیلی قشنگ است  
و چون در جریان نوشتن داستان با نابور فریبده ، مدینه که او  
چقدر سعی میکرد پرده ها را نظر کاراکتر و نحوه قصه صندرت باشد .  
من امیدوارم خروس یکی از فیلمهای خوب سینما شود و چقدر میل  
دارم که این پیشبینی و امیدواری من درست آرزو در بیاید .  
نقش من در این فیلمش یک قهوجی است که شایق آرزو میشود .  
آرزو پس بزرگی دارد ، و توهش بزرگه . نقش من خیلی بیچینه  
است . دانسان باف تر از وی وحشکی دارد و با آن آندیس تراژیک  
است . »

در پایان مصاحبه رشیدی میگوید که از قول من نبویس که  
میخواهی اسم مرا در خبرها بنویسند که فانی در این فیلم شرکت دارد  
و در خلال فیلم قرار داشته ، صدام میزودم ازین خبرها و فانی  
فیلمها خبر ندارد . این خبرها باعث میشود که صدای از نویسندگان  
محلانما با دیگر محلات تصور کنند که رشیدی طریقه ادعای سابق  
خود را تکرار می کند . پیش بیاید و با او پیشنهاد کنند ، بازی می کند .  
ساعت حدود هشت و نهم معادل ظهر است با شکر از رشیدی ،  
با او خدا حافظی میکنم و بیرون می آیم .

## ناجی وحشی

فیلم « شبانین » کرد و فیلم را به  
کلی از شکل ادعایت می بیند  
یوم ، نیکه باره کردند ، و اگر که همانا احوالند . این مورت  
می توانیم به آمریکا برویم ، نمی . ایجاد ترس و وحشت می کند ، آنها  
گذاشتم این بلا را بر فیلم من طرز مرگاری از همه چیز می .  
بیاورید ، ولی وقت نداشتیم . من ترسیدم و نتیجه کار نیز اصفانه  
تا موقعی که در سوسون آمریکائی است اما من اطمینان نمیدهم .  
این حرفها را نسیم نمی توانم آرزو . درست است ، او اطمینان به  
نالد کیم و سانه بهین سادگی این فیلم مسائل نمیدهد او بدون  
است .  
توجه به کس و بدون توجه به  
این خبری است که نسیم چنین نکالی بر ما نموده ادامه میدهد  
کنیانی های آمریکائی احساس می . در آن محوشش را میروید ، رانسی در  
کنند که محصور در آن کار را نکنند . خصوصاً کارش خود یک جنور  
زیر آن و از هر همین معامله را با « نسیم وحشی » است . ● تمام

## بستچی

از سه مشکل اساسی و همه گرسنگی  
ظفر و باشتار با نوسل به سفیدت  
گریخته و زیاده قربانی آن میخواند  
و با آن بیروح و مرده اش می آید و  
سر انجام به قهرا می رود و تنها کسی  
و افعی بیانی که در باره اش گفته  
می شود این است : « آدم طبیعی  
بود »

حسن کارمهرجوی در ستانه  
بجا و آگاهانه از نام عناصر فیلمش

است و در اینجا نیز به مدد فیلمهای  
بجا ، بیان استعاری جدیدی ارائه  
میدهد . فرمت و بهار و دقیقاً بهترین  
بهترین اثرات را می آفریند و بازی  
تصنیفات با نرزش کامل توأم است  
و بهر جوی بدون اینکه قسمی از  
« گلو » فراتر رفته باشد ، در خلق  
اثری متشکر و صمیمی - توفیق  
دارد بخصوص که ایثار نیز مظهر  
نیتدار و سواد خود را متوجه  
سیاست کرده است .

محمد جعفری

## جنسواره های فیلم

های مطوعانی نیز تا حدود زیادی  
اصلاح شد ( تپه این بهترین  
های خارجی بسیار کمک میکند  
اگر که ترجمه خوبی فراهم می  
آید ) . و ضایع جنسواره ، می  
ترید بسیار جدی تر از آن شده که  
در سالهای قبل بود . برآمد های  
ترژیو سکیو سنیوال ، که در سال  
۱۹۷۰ ، به نمایش رفتی های خارج  
کادانالی و دکومانای های اجناس  
سالهای دهه سی آمریکا احتضاس  
یافته بود ، همیشه درجه یک هستند .

در سن سنیوال سال ۱۹۷۰  
مسلط این بود که اگر فرار است  
جوایز سنیوال از بین بروند ،  
بابت چیز های دیگری جای آنها  
را بگیرند ؛ در واقع یک رشته  
رویداد های جنبشهای از نوع آنها  
که در سنیوال فیلم نیویورک جریان  
دارند - فرا حواس کارگردان  
های پیشتری به سنیوال برای بحث  
و گفتگو در سراسر کارهایشان ،  
ترگراری بسیار با و حسانت نمایش

فیلمهای خبری .  
تپه کسنگان باید توجه داشت  
باشد که برخی از جوایز پولسی  
این جنسواره آندانی ( آلمان غربی )  
که توسط هیئت های ژوری محلی  
و آموزش اهدا میشوند ، مورد  
رجای مانده اند .

## \* گاتوالدوف

آوریل ۱۹۷۲

این جنسواره دوستانه فیلم  
های مخصوص کودکان ، هر سال  
توسط انجمنه هنرمندان فیلم و  
تلویزیون چک و اسلک کمیته  
مسی وابسته به شهرداری در  
« گاتوالدوف » برپا میشود . هر  
فیلم شرکت جوینده در سنیوال  
یک دیلم « شرکت در سنیوال »  
میگیرد و نیز یک « نعل رنسر  
طلالی » کوچک ، تنها جایزه ای  
که سنیوال اهدا میکند . « نعل  
رین طلالی » بزرگ است این جاره  
حسب فیلمی میشود که از طریق  
آرآی سناسرفنیوال به عنوان بهترین  
فیلم برگزیده شده باشد .  
ادامه دارد

## سهیلا

تاریخ باعث از هم پناستگی زدگی نمود . این بود که سر سفره عقد  
من خیلی از مسائل را ناگو در میان گذاشتم و با این نتیجه رسیدیم  
که ازدواج ما دونه منحصی کامل نخواهد رسید . این بود که راه  
را از همان نخستین گولانه کردیم .  
برایش وقتش در راه تازه زندگی آرزو کرده و او را ترک  
می کنیم .



آغاز هفته دوم نمایش موفقیت آمیز در گروه ممتاز سینماهای :

آسیا - رکس - شهوند - لیدو - رنگین کمان - ژاله - پاسارگاد - توسکا - المپیا -  
چرخ و فلک - شرق - فیروزه - درایوین سینما ونک و دیانا و حافظ



علی عباسی  
تقدیم میکند

# نصرت کریمی

فخری خورش  
اردوان مقید  
رضا کریم رضایی - مقیدی - نادیا  
روشن ضمیر - مهرام  
و مهناز

مهرپویان اصلاحی و سرپرست علی محمد زین دین دست  
مست - خورشید برای سید - فرحناز - شرف  
و دیگر بازیگران سینماهای

همزمان با تهران در شهرستانهای :

شهر آره سینماهای : کابری ، مترو - «تبریز» سینماهای : آریا ، مولی و روز - «الغز» سینماهای : ساحل ، کارون - «رشت» سینماهای : سیدرود ، قصر زرین -  
«آبادان» سینماهای : کیمیا ، بهلا - «مکران» سینماهای : «فهر» سینما دروازه طلایی - «قزوین» سینما : آریا - «اراک» سینما : قصر طلایی - «اصفهان» سینما : الوار

## شاهکار کوچک بیضایی

یک شکارچی تنها و تکرو، معارضا را سبب می‌شود. فیلم می‌توانست هر یک از این دو سوژه را به تنهایی و با هر دو سوژه را به لطف یک کارگردانی آگاهانه و فکر شده در هم بافته و حاصل کار آری در حرحر اعتنا باشد. اما در شکل حاضر، فیلم آمیخته گسل‌کننده‌ایست از کارگردانی سهل‌انگارانه، پرداختهای منضاج، شخصیت‌سازیهای ناقص بازیگران، سانسپردگی و کنترل نشده، فیلمبرداری بد، رنگ آمیزی بد، مونتاژ غیرمنطقی و دیالوگهای شنیده‌بار (مگر تو همان شکارچی سرگردان نیستی که پیام می‌گفت؟ - چرا، من همان شکارچی سرگردانم ..... تو فرشته‌ای بری - منو با خودت می‌بری!) و البته این فساوتی ناپایدار خواهد بود اگر که با این فیلم آمیخته‌ای را که قبلاً به ذکرها حاشی می‌بسته بودیم، از وی بریم. برای فساوت فضا، در مورد ذکرها حاشی باید چشم بفرم «زن باکره» دومین فیلم طولی او بود، من آرزو می‌کنم این فیلمی باشد برتر از «ساق» یا دست کم در همان حد.

\*\*\*

### ❖ سیاه و سفید (سهراب شهید ثالث)

شهید ثالث زبانه‌های امید را دامن می‌زند. او که با ساختن فیلم مصاحبتی «آیا» و کسب «سیاس» بهترین فیلم کوتاه سال بخاطر همین فیلم درخشید، اسامی در زمینه‌های کاملاً متفاوت از زمین فیلم فنی خود آزمائی می‌کند و خوشبختانه این بار نیز از میدان آزمون سرفراز بیرون می‌آید. فیلم او فرم نوجوانانه‌ای دارد با پرداخت‌هایش نقاشی متحرک، که اما ساختمان فیلم به عوض «نقاشی» بر «عکس» با شده است و در واقع سیاه و سفید را باید یک فیلم «عکسهای متحرک» خواند (در مقابل «نقاشی متحرک» و نه به مفهوم فیلمهای زنده).

شهید ثالث در این قالب بدیع، ایده مورد نظرش را - معارضه‌ای بین قوه‌های متجاوز و نیروهای خلافت - به خوبی مطرح می‌سازد. کیفیت کار او در دو فیلم کوتاه «آیا» و «سیاه و سفید» چنانست که آدم را مشتاقانه منتظر همین یک فیلم طولی آرزوی می‌آیند. این احتمالاً تجربه بدنی شهید ثالث خواهد بود.

\*\*\*

### ❖ «ب» مثل «پلیکان» (یرویز کیمیای)

این فیلم برای کسیکه قبلاً «پاشان آهو» را دیده باشد تأییدی است بر آنکه کیمیای فیلمسازی است اندیشمند با دریافتهای آگاهانه از سینما که می‌تواند روزهای درخشانی داشته باشد. «ب» مثل «پلیکان» یک اثر زیسته دکومانتاری است که در آن بهترین بهره‌گیری از امکانات تکنیکی و اخلاقیهای دوربین برای دادن یک بیان سینمایی به بازمانده‌ای مقطعی از زندگی پیرمرز خلسه‌ناق از اعالی طس به اسم «آسید علی میرزا»، به عدل آمده است. ماندن فیلمشاهد یک تغییر وضع (یکجور حجرت) صدوشتاد درجه‌ای هستیم از سوی او پیرمرز و پرداخت فیلم نیز شری. شاهکار با این تغییر

می‌شونم. او می‌گوید واقعا بیجا از جان و دل کار می‌کنه و هر لحظه خطری در کمین آنهاست. آنها خود مایلند که کارشان را انجام دهد زیرا بخشی که دارند علاقمندند. زیرا هدف ما ساختن یک فیلم فوق‌العاده است و برای تهیه آن از هیچ کوششی ناگوار فروگذار نشده است.

### عاصی

استفاده کرده‌اند. بوری مانی نیز در یکشنبه شنبه از است فرو نظیدند و اگر اندک دقتی می‌کرد قطعاً حادثه ناگواری برایش پیش آمد می‌کرده است. با شبانی که از کار گفتگو فارغ شده، دوباره فیلم صحبت

بر نامه سینماهای:

# سانترال - متروپل گلدن سیتی - رویال



جرج پپارد در فیلم پانزدهمین روزگی

جاوسی که هرگز نبود



بشارت

ما یکل سا را زین

کریستین بلوورد - جیمز اولسون

محمول کیمیا یوفیورمال

وسیع دارد. در اوتال فیلم آنچه که به چشممان می‌رسد، خشکی و تن زدگی يك محیط کوبری است که بوی «مراک» می‌دهد، و در نهایت، حضور زنده آب را می‌بینیم - که شاهانه «زدگی» است. سگاسی پاپان نلیه که دالیف هیاچنکی است از اینترکانهای حرکت آهسته پیرمرد و فروریخ دیوارهای مغزوبه دست وازدن شادمانه پیرمرد درآید. نیکس نشن کاتر و منو ندرجی سینه، یاد مانی است. میان فیلم، گرچه گاه نمادگرایانه، اما در همه حال انسی حسرت‌آزانه دارد. کیمیاوی به‌لطف شادخت دقیق جغرافیائی منطقه، تریسی آنتجان می‌دهد که در هر صحنه فیلیش «حیما» و حیات حاکم بر آن منعکس - انده روحیات کاراکترهایش باشد.

کیمیاوی نیز در دل تئاترگری که دو کارکوبه مستندگونه او را تحسین کرده است، اشتیاقی دماغزون برای دیدن اولین فیلمش «موها» می‌آفریند.

\*\*\*

### ✽ شکار ماه (نصرت کریمی)

این يك نقاشی متحرک ۷ دقیقه‌ایست که به بیان مضامرات يك گروه در راه شکار ماه می‌پردازد. این فیلمی است که ناهنجار بازی دارد و نه نفس چشمگیری، نه جلوه مساحه مطروغانی کرسی، بیش از هر چیز، این ایران مطرح شد که چرا در عصر فضا و در زمان فتح ماه، وی در فیلیش ماه را دست نیافتنی نشان داده است. این فل از آنکه اشتغال از فیلم باشد، در واقع یک محور تعیین تکلیف است برای فیلمساز، که کاریت کاملاً غیر منطقی و بی‌مورد، فیلم کریمی واقعا ایرانی از نظر ارائه سینمایی موضوع داشت، هرچند که الهه می - توانست کاری بسیار بهتر باشد.

\*\*\*

### ✽ ایستادن ممنوع (افشین شرکت)

این فیلم در واقع چیزی درجه سیامتنك يك سیماگر آمانور بود، با تمام اشتباهات ابتدائی که از فیلمی در اینحد انتظار می‌رود. انسی است بی‌هدف و سرگردان در انحاز يك بیان یکجست که آدم هرچه فکر می‌کند دالیلی برای نمایش آن در يك جشنوال جهانی سراشد.

\*\*\*

### ✽ ستر (بهرام بیضائی)

این شاه‌فیلم کوچک بهرام بیضائی به رانسی که ماه اعتبار هشتین جشنوال فیلمهای کودکان و نوجوانان بود، این نانتها بهترین فیلم ایرانی جشنوال امسال و بهترین فیلم ایرانی هرقت نوردهجستواره بود، بلکه در میان فیلمهای خارجی جشنوال امسال هم مکانی برسد داشت. برمن این فیلم تاثیر عهاسان خردکننده داشت که فیلم فراموش کنندگی «فرمان» (چکسواکی - جشنواره ششم) در مورد این فیلم هغه آبدنه، با تفصیل خواهیم نوشت و همچنین به مورد سه «نقاشی متحرک» يك نقشه سیز (هرتلی مین) و شهر خاکسری (فرشید متالی) و گمشوران (علی اکبر صادقی) که خوشبختانه همه کیمیاوی خنودکننده داشتند.

فقط: در سینما

# آتلانتیک

بک نیکولون، کن‌دیس برگن  
آن‌ها رحمت



Everyone needs to be loved - sometime or another

with THE CAROLEES and THE MISS NICHOLLS



Camal Knowledge

دقیقه‌ها: مایک نیکول

# معرفت‌بیم

رنگی - محصول مترد گل‌دورین مایر

تماشای این فیلم برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال ممنوع است

بلیط را قلا در گیشه سینما آتلانتیک رزرو فرمائید



شماره ۶۶  
کتاب جدول

در هفته آینده  
منتشر میشود.

# پاسخ سردبیر



که نامبرده‌اید در طی هفته عکس چاپ شده و می‌شود می‌توانید استفاده کنید. ۳ - از فیلمسازان فیلمهای زیرزمینی اطلاعات زیادی نداریم و محدود می‌شود بیکی دو مطلق که در محله چاپ شد است.

بهترین راه است و بهتر است از تحولات کلاسیک در این مورد بگردید.

کارزون - خدمات و دآوری

شرایط ثبت نام در دانشکده حرای براماتیک دارا جون نیلیه کامل متوسطه است.

## آقای محمدمدنی اصل

فیلم دنیای جوانان هنوز هم توفیق است و علت توفیق آن اینست است. بانالی دن زما سی اینست است. بعدا جدا شدند. نقل سابق چون کارتری قبل از هریشگی نابوت سازی بود است. فیلم گرهان نیسز اینست هفته نمایش درآمده است.

## اصفهان - آقای علی رضا ضیائی - رستمیان

۱ - سومین فیلم آغاسی را رضا ضیائی کارگردانی میکند و علت قطع همکاری وی با نوژی بانواقی طرفین بوده است ۲ - مهوش بطور دقیق معلوم نیست در چند فیلم بازی کرده است. اما یکی بود، یکی نبود و شاپاجسی خانم از مهمترین فیلمهای او است.

## تهران - خانم ژانف چیسا

از داریوش بروی عکس رنگی تازه‌ای چاپ خواهیم کرد.

آنچه که شما را بچین انتخاب وگزینش واداشت. مرفطر از میزان اطلاعاتی که ممکن است در زمینه سینما داشته باشید، سلیقه شما است و هیچ ایراد و مانعی همبرای این سلیقه نیستیم. اما در هر جای گدای نیست. اما در یک جله ارزشهای سینمایی را که از نوبل یک شاهکار ساخته نیست. توانیم در اینجا برای شما توضیح دهیم، چه در وهله اول در این مورد خاص، شناخت کامل هیچکاک (افکار - سیستم فکر - بیان و تحلیل وی از مسائل و...) را نیاز داریم. اما شما را اشاره می‌دهیم به مطالبی که پیام دربار نوبل در سبب و نیام نوشته بود با دکتر وجدانی درباری برده شماره ۱۰۰ فرموس.

در مورد کارهای تحریر شما برای آفتاب با سینما بنظر ما این

اصفهان - آقای حسن کریمی  
۱ - اولین فیلم بهروز توغری سدکیلو امام بود ۲ - اولیس فیلم منوچهر ونوق چاهلها و زنگوها نام داشت.

## اصفهان - آقای احمد رضا جعفری

۱ - اولین فیلم بهروز ونوق را در فیلمنگاردها آتوش همدا در بود ۲ - فرین با بهروز ونوق در فیلمی همبازی شده بود ۳ - محضا فیلم تازه چه خبر دکتر جون را در اصفهان نمایش خواهند داد.

### آقای جمشید گشتاسی:

شما از خوانندگان فهم محله ما در زمینه سینما هستید و مطالب مفیده نظرها اگر از این مطالعه در صورتیکه با سیاست کار محله معایرت نداشته باشد و شما بطور خلاصه نوشته شده باشد بدون حذف مطلق چاپ می‌شود. اما

آغاز سومین هفته نمایش در سینما:

# کسری

نمایش دهانه آثار برگزیده  
سینمای جهان

## ژان پل بلوموندو، عمر شریف

مدنیسی، بازگردان، هلزی ورنوی

# شکت

پانا ورنون، رگی

باشکرت  
دایان کانن  
روبرت استین  
نیکل کالفان  
رنا تو - الو اتوری



THE BURGLARS

پخش از سینماهای سراسری



موفق ترین، مهیج ترین،  
پر حادته ترین و پر فروش ترین  
فیلم سال ....



● یادستاران ایرج قادری  
- زدی خوشکام - گوگوش و  
چیچو و فرانکو حاضر بنگانه‌ام.  
نیرجند - صنوق پستی ۲۰  
سغی اکبر ایزدپناه

● با دوستداران بهروز  
و شوقی - سعید کیمیائی -  
سندباد منیرزاده و محله فیلمو  
هر حاضر بنگانه‌ام

● صنوق پستی ۳۹

پرویز حبیبی

● با علاقمندان ناصر ملکش  
طیعی - پوری پاتی - بهمن  
مفید و فریدون زورک حاضر  
بنگانه‌ام

● زاهدان - خیابان پهلوی -  
انتهای کوی سارلی - پلاک ۳۳

● منزل علی‌ویگر - علی‌اسماعیلی

● با تمام دختران و پسران  
با احساس حاضر بنگانه هستیم.

● لاهیجان - آبر شهید -  
کوی علیشهر - شماره ۸ -

● سروس قوامی لاهیجی

● با طرفداران ناصر ملکش  
طیعی - فرین - ایرج قادری -

● بهروز ونوفی - سمیر کرمی -  
وحدت - یک‌ایمان‌نوردی - پوری

● بنالی و آغاسی مایلم مکاتبه کنه.

● اسپهان - چهارموق‌شیرازها  
- فرشته‌گاه ناهین - رسول آقا

● باحالیان

● فیلسی کسوتاه برای  
پنجمین جشنواره میاس میازم .

● از دوستانیکه در فون مظفل  
فیلسازی آفتابی دارند تنها دارم  
با من مکاتبه کنه .

● کاشان - کافه گلپهرگان -  
رضا ملی

● مایلم با کاتبیکه ساریو  
لوسی را دوست دارند اما نمی-  
توانند بیومنه مکاتبه کرده و آنها  
را درحالی کنه .

● لوئیسرکان - خیابان پهلوی  
- دبیرستان شاهپور - کلاس  
ششم طیعی - شعبه الف - محمد  
رنگینبسی

جمال امید - رضا میرلوسی -  
شاپور قرب ازبهرین ساریت‌های  
ایران هسته که اکثرشان بکسار  
فیلسازی روی آورده‌اند .

آنادان - آقای عیود حسینی

در حال حاضر بطور متوسط  
اندرازان بین هشتاد تا یکصد فیلم  
تهیه میگردد که تعدادی از آنها  
بعثت فضاان کارگردانی خوب و با  
استدلال در کمیسیون مسابقات  
سازور میگردد . سرمایه‌های که  
برای ساختن فیلم در ایران درهر  
سال بکار می‌راند رقمی بالغ‌پانصد  
میلیون ریال است .

تهران - خانم سیمین هروی

۱- مسلط‌طیعی در حال حاضر  
پولسازترین بازیگر سینمای ایران  
است . وی بطور متوسط در سال  
بین ۷ تا ۱۰ فیلم بازی میکند و  
جهت فریلم بک میلیون و پانصد  
هزار ریال دریافت میهدارد ۲- سار  
وی درسال جاری فیلمهای مهدی  
شکی و شوارک داغ - مسره -  
گروهان بنایش برآمده است و در  
فیلمهای ناخته - عاصی از وی  
بست تهیه است .

بندر لنگه - آقای منصور  
قادرنه

۱- فیلم مهر در کاتبه  
شهرستانهای ایران دارای ساینده  
است و هر هفته جهت آنها مجله  
ارسال میگردد . ۲- سروس  
خبرنگاری محله دارای فعالیت‌های  
لازم در داخل و خارج است . حذف  
فیلم مهر تنها جهت و تراخیر  
و مطالب صحیح است و تا صحت  
خبری تأیید نشود چاپ نمی‌گردد .

عاصی می‌کنیم از چاپ حناچاله  
و درج خبرهای دروغ پریه‌وسم  
همین علت ملاحظه می‌کنید که  
اکثر مطبوعات کشور اخبار هری  
و سینمایی خود را از روی فیلم‌وهر  
تعمیم می‌کنند .

ارسال دارد - خواه حتمی‌پلیتری  
خواه ۱۶ میلیتری و خواه ۳۵  
میلیتری .

شهری - آقای محسن فرجی

ایرج قادری هم در فیلمها  
بازی دارد و هم کارگردانی‌سسی  
از آنها را قبول می‌کند . وی‌مسر  
قلی‌تهیه ستاره سینمای ایران  
است و مدتی هم خود متعلق‌بتهیه  
فیلم پرداخت که جز زبان‌حاصلی  
برایش نداشت .

گرگان - خانم ملیحه شیرازی

پرکارترین هنرپیشه زن سال  
۱۳۵۱ پوری‌پاتی و پرکارترین  
هنرپیشه مرد تا این تاریخ بیگ  
ایمان‌وردی است . این دو بطور  
متوسط درهزماه بک فیلم سازی  
می‌کنند . از پرکارترین هنرپیشه  
سینمای آمریکا نیز در حال حاضر  
اطلاعی ندارم .

تهران - خانم هاشمیک  
مگر دیچیان

۱- امکان دارد که باردیگر  
گوگوش در فیلمهای ایرانی حرکت  
کند . متأسفانه دیدرسمی‌تاوسته  
است موفقیت متشکک برای خود  
نست‌وچا کند درحالیکه درهزوزیک  
برعکس است و وی موفقترین چهره  
روز موزیک ایران است . ۲- ما  
نیز چون شما ازآرژانتینم سزودی  
گرفتاریهای وی رفع شود .

تهران - آقای سعید حیدری

۱- سه‌فصلنگار سینمای ایران  
نست بگذشته کسر فعالیت دارند.  
ازاین گروه دو فیلم دام ازدواج  
و یک میلیون و دو مطلق حاضر  
بنایش است و گویا در نظر دارد  
ازاین سی بطور انفرادی فعالیت  
کند . ۲- بهترین فیلم این گروه  
سندپوانه بکارگردانی جلال مقدم  
بود که متأسفانه در شرایط بسدی  
بنایش درآمد . ۳- برای گشتا -  
سیرینیا و متوسلانی یادرس خانه  
هنرمندان نامه ارسال داره .

کاشان - آقای حسین توفیقی

۱- در حال حاضر فیلسازان  
ایرانی می‌توانند که کارگردان‌و  
سناریو نقش اساسی در کار فیلم-  
سازی است و به همین علت هم  
دستور کارگردانان افزوده شد و  
هم حق‌ازحمه ساریت‌ها ۲ -  
فریدون گنه - پرویز نسوی -  
سعید طیعی - پیرام ری‌ورد -

عکس منوچهر ونوفی را هم این-  
شماره روی جلد ملاحظه می‌کنید  
و عکس انفرادی وی نیز درآه‌نده  
چاپ خواهیم کرد .  
آقای علی محتشمی

از توضیح شما متشکریم -  
از طلب ارسالی شما استفاده خواهیم  
کرد . منظر مطلب تازه شما  
هستم .

تهران - آقای حسن هاشمی

منوچهر ونوفی ازدواج کرده  
و دارای مسر است . اولین فیلم  
وی جاهلها و زیگولها نامدارو  
آخرین فیلمی که در آن بازی داره  
بانی است .

اسپهان - آقای محسن  
منظری

۱- بعد از تهران ، اسپهان  
مرکز فیلسازی‌تهیه کنندگان‌است .  
در حال حاضر سه اکیپ در اسپهان  
و بواسی اطراف آن مشغول کار  
هستند ۲- ابراهام صفور در سینما  
اخیرا کارش‌گل کرده و دست‌فروش  
بالای یک میلیون ریال است و در  
فیلمها خودش محبت می‌کند .

هرمزآباد - آقای ایرج بلدی

کتابون اخیرا باردیگر فعالیت  
خود را آغاز کرده و در دو فیلم  
شرکت دارد . بهترین فیلمی که  
وی در آن بازی داشته تا کسی‌حق  
است . وی تاکنون سه‌بار ازدواج  
کرده و دارای یک فرزند دختر  
است .

تهران - آقای واهیک  
گالشیان

۱- بسیاری از زمانهای  
تهیه فیلم در ایران بوده که از  
میان رفته و نامی از آنها باقی  
نست . تنها از میان استودیو-  
های فنیسی پارس فیلم - مهرگان  
فیلم - مسر طلایی و میناق‌باقی  
ماندست .

۲- در ایران تاکنون در  
حدود هزار فیلم ساخته شده است  
و در حال حاضر بازار فیلم در ایران  
در اختیار محصولات داخلی است  
۳- سناریو خود را برای تصویب  
بایستی بوزارت فرهنگ و هنر ارسال  
دارید .

تهران - آقای جواد بابایان

بله میتوانید فیلمهای کوتاه  
خود را برای جشنواره پنجم میاس  
آماده کنید ، هرکسی میتواند  
برای این جشنواره فیلم کوتاه

**بوتیک**  
**نامزودی**  
به راه نخت جشنید  
چانه قدیم شیرکان

# نظرها

## افسانه کیل هوک و مبارزه با زندگی مانیس

● مام پکنیا کارگردانی است که پیش از هر فیلمش دیگری تاثیر زندگی مانیس را بروی انسانها و نحوه گذرن آمهاسی گذشته نشان میدهد چه در فیلم «این گروه حش» و چه در این فیلم «کیل هوک آبی است آزار» مبارزه که خیالی مردانه می‌جنگد . مبارزه میکند و همیشه طالب یک زندگی آرام وی در دسر در گذشتهای از سحر است تا بدون اینکه کسی از حلق این آسایش او بشود بتواند زندگی خود ادامه دهد او که در ابتدا توسط نو نفر مورچه تهاجم قرار میگیرد پس از گذشتن از کوهها و سفلات فراوان سرانجام با یافتن آب قانع میگردد بد می‌بینیم که همین آدم چطور اسپر زندگی مانیس میشود و با تمام عشقی که زندگی ساده خود دارد راهش شهر میگردد و زندگی مانیسی را بدو می‌دهد او را نیز نکام خود می‌کنند کیل هوک آخرین نسل انسانی است که طعمه مانیس می‌گردد

پکنیا در فیلمش نشان میدهد که سرانجام مانیس هم را بسوی خود خواهد کشاند و او برای این تلف میخورد . کیل هوک دارای یک شخصیت کاملاً معلق است زیرا او به نسل امروز تعلق دارد و به نسل گذشته (زیرا گذشته دیگر وجود ندارد) با بر این وجود او کاملاً معلق است و سرانجام نیز همین معلق بودن و متعلق بودن او را نابود میکند . دیگر از نکات مثبت فیلم کاراکتر آن کیسیس قلابی است که طی یک سکانس جالب پرده از چهره و احساسش بر- داشته میشود و شخصیت پنهانی او برملا میشود .

غیر کانتور - رضاییه

## آقای میروچی چرا سرکار ششفر

● مردم فیلم «پلی» را به خاطر «پلی» دیدند ولی سرکار ششفر را به خاطر «میروچی» سازنده فیلم «پلی» در حقیقت این چشم‌خوبی برای یک کارگردان تازه‌کار است کار «میروچی» در «پلی» خیلی جدی بود و سرکار

## ریویو بو پاک شاهکار

برخورد بین «مرد» و «زن» مثل اغلب فیلمهای دیگر «هاکر» با سوء تفاهم و بصورت یک‌جور مبارزه آغاز می‌شود چون زن «مردوار» خاکر در این‌جا هم با قدرت و اقتدار مرد مبارزه میکند و در واقع فقط مرد را در پهنای «نام مردانه» خاکر مورد نوبی استیضاح قرار میدهد و این امر البته مبار با آن نیست که زن در چنین تدبیلی قهرمانیت مرد را بطلاند و مرد نیز این حمایت را باز نمیشود کند . در حقیقت رابطه‌ای که با چون و چرا و شک در ارزشهای طرفین آغاز شده است آهسته آهسته سالم تر می‌تواند متعلقه باشد چون احساس سرخوردگی در آن همه جا به حداقل تقلیل می‌رود و دخترک با مرد جوان «کاروبونه» نیز در همین روال آشنایی برقرار میکند و این آشنایی که بعداً به سمت گنبد می‌ماند هرگز از جایی زن با شادمانه قبال احساسات رفیق همراست نیست و «زن» باین نحو بر چنین احساسی حکومت نمیی کند که نه فقط خودش و بدون مرد در قلب حالت پیش میآید . نه فقط حادانه را کنترل و گاه ایجاد

ششفر درست لقب مخالف «پلی» این خود دید وسیع یک ساریست و کارگردان در ارائه دو اثر کاملاً متفاوت می‌رساند . «میروچی» که خوشخصیت های اصلی رقابت و کاکو را در ساریوی خود شکل داده بود با این شخصیتها را در قالب دیگر چون محسه های گلی خرد میکند .

میروچی نیداست سرکار ششفرای خواهد ساخت که اساس سن قراردادی جالیس را بایر- سورد بجای برخوردار از مایه های طنز ، پکلی درهم خواهد ریخت . میروچی در تنظیم صحنه دیالوگها و چهره بازیگر هماغی حامی ایجاد میکند که در هر دو اثر متفاوت این روابط کاملاً معلق شده است .

میروچی در سرکار ششفر خواسته همه چیز را به سفره بکشاند و کارگردان کت فیلم جاعلی را ترسیم نباید که تا حدودی موفق است سرکار ششفر «برای نشانگر

جالب و تا حدی غیر منظره است و این درک مانیس برای ندایت دید بیننده حساس میآید ولی این همان نشانگر حساسی است که در دغا همه قراردادی را در آثار جدی دیده و آمادگی کاملی برای فهم این اثر کمیک پیدا کرده است و قبلا پرویز نوری در سناحامل چنین ابتکاری بکار گرفته بود . بازیها و نقاط فیلم‌برداری خوب ولی خود فیلم‌برداری در سطح نادانی بود و در بعضی صحنه ها نشانگر

و آغاز می‌کند (مبارزه در دفتر کلانتر) بلکه درامور استقرار روابط خصوصی و عاطفی نیز خود پیشقدم می‌شود که زمام در دست مسردر باشد .

جسسه سه سفری «شستا» ، «کاروبونه» و «مک طی» را در لفظی برهمی و گنر ، موضوع واحد انتظام و در واقع مبارزه با نامی بهم می‌بینند . و با مغلز رابطه‌ای که بین کاروبونه و آن دخترک سز جنم در لحظه ورود مرد جوان به کلبه بین آن دو به وجود میآید .

نکته قابل تعجبی که بین «ریوربروو» و «ریویو بو» پیش میآید این است که در «ریویو بو» رخا «ریوربروو» و «الودرودو» مردان تفکار وابسته های رسمی قانونند و نشان دستیاران کلانترها به سینه دارند اینها سندی های یک نظام و حکومت فاسد هستند که نه فقط قدرت مادی بلکه قوت معنوی قانون را نیز در اختیارداره و بطن و تجاوز رنگ مومچیزند .

روحه رفی ریویو بو از تکبکی جدید و فغانی نو برخوردار بود ، فیلم‌برداری یکسخت و روان آن ، بصوی پیش می‌رفت و امید است که فیلمهای بهتری از این کارگردان با قدرت بینیم .

ابوالفضل خلیلی اراک

خام مرجان موجه و اسود نمیگرد که خود برای یک اثر کمیگ و سه درسد تجاری نتواند اثر منفی داشته باشد با آنکه آثار کسندی و تجاری لازمه اقتصاد سینماست ولی انتظار میرفت و می‌رود که میروچی وقت خود را صرف تهیه آثار سکین و با ارزش نماید . زیرا مبارزه گاشی که سرکار ششفر مبارزه ولی اندک آهنگانی که تپسی را و خواسته سینمایی ملی ما آثار اصیل و جدی است و خواست آقای میروچی آثار عشق را بر کارهای سطحی ترجیح دهد زیرا گفته اند : حیف از طلا که خرج ملامت کسی .

غیرضا اردلان

## بابا نان داد قصه زندگی

● سرآغاز سخن باید بگوئیم که در این جهان صحنی اگر سینما زندگی نزدیک نماند دیگراهدی و ارزش ندارد . درست است که سینما یک وسیله ارتقاء و سرگرمی است ولی باید بازگوکننده حقیقتها باشد و نشانگر بتواند زندگی خود را بصوی روی این پرده مشاهده نماید همین دلیل اکثر فیلمسازان بزرگ جهان کوشش میکند که داستانی را بفیلم برگرداند کترگه های از واقعیت در آنها چشم بخورد . و نشانگر بتواند همه حوادثهای فیلم را قبول کند - روی سخن با فیلم سازی است بام

«امان منطقی» که نوانته برزمان کوتاهی برای خویش اختاری در سینمای این مرد و بوم کسب‌نایب کارهای قبلی او از جمله پهلوان مرمر و علام زاندارم است که بر زمینه های متفاوتی ساخته شده بود. بدیم، و اینبار شاهسومین فیلم او با نام داد همنیم - که گرایش جدیدی است سوی یک سینمای واقع بیانه - سرگذشت مرد فقیر و باصلاح آسون‌چل که ست تقدیر کودکی را جلوی راه او قرار میدهد و برای این کوبند که پدر می‌بندد و هم مادر در این فیلم جویوی نقش یسک کارگردان خوب یک بازیگر خوب و یک فیلمبردار خوب نمایان است - تمام لحظات فیلم از واقعیت های کاتب آکده بود - بلکه در طول یک داستان سرگرم کننده و جانب توجه یک واقعیت را از نزدیک ملاحظه می‌نمایم - آهنگ های ساخته انوشیروان روحانی با صدای گرم عارف توانسته است لطف و اهنیتی به فیلم بیافزاید - فیلم برداری قدرت‌الله احسانی در بسیاری موارد کمک دهنده خوبی با تاثیرات روانی داستان کرده است، اما در بعضی از مواقع در لحظات فیلم صحنه های کشدار و خسته‌کننده چشم می‌خورد - ولی از اینها گذشته باید هشدار بدیم که بازی خوب بینا‌مانوردی هم با فلسف کارگردانی امان منطقی از یک‌سخت و روانی بخصوص برخوردار است و سخت بیننده را تحت تاثیر قرار

میدهد - رسا بیك ایمن‌بودی بازیگر خوب و انطاق پذیر سینمای ایران یکی از بهترین کارهای دوران هری خویش را در این فیلم عرضه داشته - و نیمی از خوبیهای این فیلم را باید مدیون این هنرمندارزنده بود - هنرمندان دیگر از جمله سینه - ساسان بخصوص بازیگر قدیمی و خوب سینمای ایران حشید مهراد هم موفقیتی برای فیلم می‌افزایند - امید است در آینده فیلمهای در همین روال که به «فلسه زانده‌گر» مردم رابطه دارد - از فیلمسازان با استعداد سینمای ایران مشاهده نمایم

«ساح اکبری - کوهالی - پرد»

### شُرّیه

#### قرب فیلمسازی متوکوک

● فاس سیامیا فاسیوشتری پس از آزاد شدن از زندان در سملش عاشق دختری می‌شود و پدر دختر حاضر نیست دخترش را به‌عاقبم بدهد، این سوز فیلم است که خیلی مکرر و کهنه‌است و قریب می‌گویند تا سوسله آن همچنان بخت - بقیه فیلم هم تلاش فاس است برای صاحب‌دختر بقیه در صفحه ۳۹

یک توضیح: «هنه گنش» نشانها نام آقای «مجددنی» از نقد «بلوچ» اشتهاا حذف شده بود که بدینوسیله تصحیح میشود.

### فرودگاه

یک فیلم بد

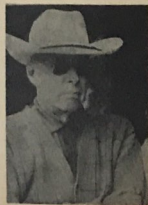


● خرج کندی و برن ککشر در صحنه‌ای از فیلم «فرودگاه»

● این فیلم خارنه نمایش فیلم آموزشی و صنعتی خاصیت کردن آتش‌پوزی جاه شماره ۶ اهواز را برام ندانم مگر بود! سکانس افتتاحیه فیلم همراه با تیرلا، عملیات پاک کردن ریفهای فرودگاهی را نشان میدهد و در این ضمن برعوضات عمومی ما اضافه شده به تجمیرات فرودگاههای مختصر آمریکا آشنا می‌شویم! بعد هوایمانی فرود می‌آید و دربرگیر می‌کند و تلاش برای بیرون کشیدن آن آغاز میشود و از همینجا صحنه سیون با تقسیم یرنه نمایش به دو مدیر کل فرودگاه - منشی او زنش و سایر فیرمانسان رابط نشان میدهد لایه‌یک نشاناند و با این تقسیم یرنه نمایش بدوقسمت، قسمت، مدیر کل فرودگاه - منشی او زنش و سایر فیرمانان را فقط نشان میدهد نه اینکه نشاناند و با این تقسیم یرنه به‌جند قسمت شاید می‌خواهد فرم زبانی تکارش بدهد که علاوه برکمه بودن و بیجانای این کار زیبا هم نیست.

سوزه اصلی‌فیلم جالست: مردی که هیچوقت برای خانواده‌اش نان‌آور خوبی نبوده تصمیم می‌گیرد هوایمانی را منجر کند تا پول نیه او را به خانواده‌اش بدهد. اگر فیلمساز تنها همین موضوع میرداخت شاید با فیلم گرم و گیرا‌تری روبرو بودیم ولی فیلم چون طبق فریبول هالیوود ساخته شده و باید علم، طولانی و بی‌خرج باشد با شرکت جمع کثیری از سوبر استارهای هالیوود فیلمساز وارد زندگی خصوصی مدیر کل فرودگاه و خلبان هوایمانی میشود بدون آنکه لزومی داشته و بدون روشن کردن هونتشان. تنها آن پیرزلی که همیشه‌مطور قاجاق سوار هوایمانی میشود از شخصیت زنده و قابل لمی برخوردار است. فیلم خسته‌کننده است و فقط در لحظه انتظار هوایمانی حال پیدا می‌کند و کلا فیلمساز در آفرینش فضای اکتیوئی ناآوان است و چقدر مسخره است لحظه کنترل نیه‌ها که تا بهترین هنرمندسوز قطع کنترل داده میشود گاه سیون می‌خواهد نکته‌های از جامعه آمریکا را نمایش بدهد مثل قاجاق لیس در مگر که فرودگاه ولی این ضحون هم کینه و دستکاری شده و بی‌باده برای فیلم است. باوجود اینکه سوبر استار فیلم از بازیهای خوب بهره‌است و موزک و فیلم‌برداری خوبی هم ندارد و تجمیرات اینکه کاندید چند جایزه اسکار شده بود!

جشنید گنشاسی «آبادان»



● «الغاردن هاکو» وسترن سار بزرگ سینمای آمریکا که تاکنون ششکارهای بی‌هنالی را سب شده است.

# گزارش فیلم

از: ایرج صابری

## از هفتمین فستیوال بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان

اگر گفته‌ام «آنت سوفر» نماینده رادیو تلویزیون فرانسه را قبول کنیم که چون تلویزیون جای سینما را گرفته لذا تهیه فیلم برای جهان روز بروز مشکلتر میشود - پس بدون شک نیست از اینکه مریمنیم، فستیوال فیلمهای کودکان در تهران سال به سال کم‌بازتر میشود و در پی از پارسال جای میگذارد.

فیلمهای اسامی عموما در دو سطح کاملا متفاوت و متضاد قرار دارند. یا بسیار ساده و فاقد هرگونه ظرافت فکری میباشند یا اینکه خیلی خصوص و پیچیده و دور از سطوح ذهنی و استنباط بدهها ساخته شدهاند - و نظر میرسد که در این نوع فیلمها، فیلمساز بیشتر قصد خودنمایی داشته است و میخواسته بنحوی زواری را مروج نماید طوری که حتی در بعضی از کارتونها هم مایه نحوی یا مشکل نظارات روشنگرانه که مدتی است در سینما مد شده، روبرو میشود...

### رنگ تفریح - (ایران)

مشکل کار «کیارستمی» در فیلم «رنگ تفریح» در اینکه میخواهد از میان بی‌بختی‌های موجود در فیلمش منظوری ارائه دهد. «کیارستمی - کارگردان» در کار خود مسلط است و از کوجه پس کوچکها و خیابانها، فضا و آنسفر جالی میبازد - بخصوص وی در بازی «سپروس حسین‌پور» - بازیگر خرسال فیلم - کاملا چشمگیر است ولی عدم ارائه یک داستان خوب از جانب «کیارستمی - سازنده» بکار او لطمه زده است و تمام کوشش کارگردان در لایای حوادثی بدون منظور چون تلبه شدن بیه در مدرسه به‌عناصر شکنش تشبه پنجره و سپس گریز وی به‌کوچهها و خیابان‌ها با عجز می‌رود.

### اکردوگر (آمریکا)

یک کارتون امریکایی است ساخته «اسپنریل» با قصه‌ای با هدف که سر می‌کند آموزنده باشد. تلفی رقیبی که در لایای قصه‌اش وجود دارد ظرافت خاصی باین فیلم داده است.

### جانکت ۸۹ (انگلستان)

«پیش پلایر» بازیگر گرفتن فانتزی و در هم آمیختن آن با واقعیات فیلمی ارائه میدهد. نظیر خصوصیات کارخانه «وات میشر» که از سوندهای اسپیش می‌توان «پرسور» که حافظه و «ماشین سحرآمیز» را نام برد. در این فیلم نیز فرسودی، دستگاه اختراع می‌کند که

می‌توان بکنک آن اشیاء واحجام را تغییر مکان داد - و قفس این دستگاه بدست بجهنما می‌افتد. مقداری حوادث ظاهرا «شیرین» پیش می‌آورد - البته آقای «پلایر» فقط به جنبه‌های فانتزی توجه ندارد بلکه گاهی هم خوشترکی می‌کند که باز صد البته لطیفه‌هایش زیاده‌مست اول نیست - روی این نظر باینکه فیلمش کمی‌کتر از یکساعت است، باز طولی و کشدار جلوه می‌یابد.

### برخورد (رومانی)

کارتون است ساده و روان ساخته «فلورین آرتسکو» - از سینمای وسترن می‌آیند که زیاده‌مست شوخی با این سینما را داشته باشد.

### ترانهی فاصدک (بلغارستان)

کارتون است زنده و برخوردار از تخیلی‌قوی - اثر «راد کاباجو» ارووا» و در طی آن می‌بینیم که چطور با آمدن فاصدکها انتظار آهنگار پایان میرسد و فاصدکها با الهام دادن به او - آهنگی ساخته میشود و تمام زندگی سرشار از سرور میگردد.

### در ستاره دنباله‌دار (چکسلواکی)

«کارل زمان» فیلمساز بزرگ سینمای چک باین فیلم به‌فستیوال ایتلی می‌دهد. این فیلم همانطوری که انتظار میرفت درخشش کم‌نظیری داشت و «کارل زمان» برای ساختن فضای تخیلی قصه «ژولورن» از تمام عوامل ساختنای سینما بهره میگیرد و به‌فرمی استثنایی دست می‌یابد که در آن تمام وهم و تخریک یک قصه وجود دارد.

«کارل زمان» در این فیلم باحالی کاملا رومانتیک عشقی روایتی را در میان جنگ و جدال‌های گوش ابدی ملتها باور می‌سازد و آرا از زمان و مکان‌های مختلف تعقیب می‌کند - سپس با تعلق‌گامی واهی بودن آرا نشان میدهد - در حالیکه کینه‌ها و دشمنی‌ها واقعیت و ادامه دارند و آنچنان و آنچنان به زندگی وابسته شده‌اند که حتی وقتی قسمتی از کره زمین ضمن اسباب بیکی از شهاب‌های نافع به فضا پرتاب میشود باز موجودیت خود را حفظ می‌نمایند.

### جغد و موش قطبی (کانادا)

فیلمی است غریبگی ساخته «کوهدن» با قصه‌ای بسیار ساده جغدی شمن گردش روزانه بیک موش صحرایی برمی‌خورد - شمن حنائی که بین آنتو درمی‌گیرد، موش باهوش وانمود می‌کند که مرده است و شمن فرصتی که می‌یابد فرار می‌کند و جغد مودرس‌ترش جفتش قرار می‌گیرد.

### یک باب ترحیب تصادف (فرانسه)

بر حسب تصادف یک باب وسط میدان شهری کوچک سقوط می‌نماید و هرآن ممکن است متضرر شود. تمام مردم، زندگی خود را رها می‌کنند و در تبعای دور از شهر سگر می‌گیرند.

مرد غریبه‌ای بی‌خبر وارد شهر میشود و دست به خرابکاری می‌زند و مظاهر هنری شهر را از بین می‌برد.

مردم که ناباورین افعال این مرد را می‌بینند، از ترس انضاج بس عکس‌العملی از خود نشان نمیدهند تا اینکه مرد غریبه وارد بانک شهر میشود و به جا اول بولها می‌بردازد و مردم بولپرست بیکاره سگر خود را رها نموده و به شهر هجوم می‌آورند و مردم غریبه را از شهر بیرون می‌کنند در همین لحظه بس متضرر میشود و تمام شهر و مردم آزمدند آرا از بین می‌رود.

«ژولی» سازنده این کارتون سعی می‌کند از لایای طنزی تلخ و سیاه بیامی انسانی بپندهند. بعد فیلم او از نظر فرم و ساختار



خیره کننده است.

### وظیفه اول (ایران)

کارتهوی است بسیار کوتاه از «نورالدین زرین کلمه» و آندرز کوباکه که قبل از اینکه متوجه نمایشش بشوم تمام شد.

### یکشنبه کلاستر (رومانی)

«آدریان نیکولا» بافصد ریختن سبزیهای سترن بنای فیلم خود را بر مبنای سونده ودر آن تمام قراردادهای و حتی کمپوزیسیونهای خاص این سینما را با تکلی غلو شده و اغراق آمیز بکار میگیرد و فیلم او کارتهوی است بر تحریک و طنز آلود.

### ایر و آسمان صاف (یوگسلاوی)

«زنانکو گرجیک» با کارتهون ساده و گویای خود میگوید که چطور با مریخی رفتن آیر، شهر دچار بی آبی و خشکسالی میشود تا اینکه «باتازار» بر صورت شهر با استفاده از عووش و دستگاه اختراعیش محل استراحت او را در انگلستان پیدا می کند و با هلی کوپتر دوباره آیر را بهتر میسازد و مردم از بی آبی نجات میدهند. فیلساز برای بیان این قصه کثر، فکر و ذوقی نشان داده است.

### لا توکون (چکسلواکی)

«واسلاو و رگل» برای شان دادن نتایج حرص و آز بشر طماع کارتهوی ساخته است از فضا و فضاوردان - لحن او کاملاً جدی است و فضای فیلمش از شامات سایه بر شده است و نامل و تاکید فراوان وی برای معرفی این لحظات بتفویق کارش لطمه زده است. چند فضاورد به سیاره ای دیگر سفر می کنند ودر آنجا با سنگهای درخشان و کمیای مواجه میشوند - برای دستیابی باین سنگها آنها حتی یکی از یاران خود را نقل میسازند و سنگها را با بدخل سفینه خود می برند و هنگام بازگشت در فضا این سنگها تغییر ماهیت داده مدخل بمحیواناتی خطرناک میشوند و فضاوردان را نابود می نمایند.

### تغییب (لیستان)

و باز کارتهوی است و سترن ساختهی «ولادیسلاو نهریسکی» با طنز و ریختند - و تخرک کارتهوی های ناب امریکائی را بیاد می آورد.

### نوشابه جانوئی (رومانی)

امپراطور که هر روز صبح کاشکهای دختران خود را پاره میبرد باید سخت متعجب و ابرامحت است تا اینکه با اینکه باغان او با یک گل میسر آمیز که بوسه ای این میتوان نامش شد متوجه میگردد که جادوگری بانوشابیدن مایعی سر آمیز به دختران امپراطور آنها را تا صبح رفیق و پاکبوی وادار می کند...

«لاورینو سیرو» بدون نشان دادن کترین فوقی این قصه را با یک نقاشی بیان می کند روی این نظر فیلم با همه کوتاهی بازر طولای و کاست آمیز جلوه می کند.

### سلام کوچولو (مجارستان)

قهرمان فیلم بر بچه کوچولوئی است که در میان بزرگان خانواده زیاد محبوب نیست و هیچیک از آنها فرصت نمی کنند تا با او باشد تا اینکه روزی ملط شیطنت در محبت منزل زندانی میشود - و او از تنهایی خود به خیال و آرزوهای پناه می برد و بنیادال یافتن «وقت» در شهر به جستجو می پردازد و در همان عالم خیال طری حرکت در قضا می خواند خود را به محاکمه می کشاند و سپس برای نجات آنها حاضر میشود با زندهای دختر سزاره کند...

«کیوردگی پلاشتی» با آمیختن کارتهون با ساور زنده دنیای تعبیلی سربچه را طرزئی گویا جسم می نماید و لحظات جالبی می آفریند.

### آلاله (آمریکا)

«ارانت لیلاند براون» با فیلم خود سفر یک گل آلاله را در یک رودخانه از کوهستانی بر طراوت نامردایی لعنزار تعقیب می نماید. با فرو رفتن گل آلاله در لجن زندگی معنی متعلق به شهر درخش برای این شهادت بجای میماند که چطور زیباییها و مظاهر آن قربانی میشوند.

### کولار گل در ماه (فرانسه)

یک فیلم هروسکی از «پادویگا کوبرزیکا» که ماجرای سفر دو برنده به زکرمه ماه است بی آنکه حاوی نکات خوشندانهای باشد...

### متاورفوس (چکسلواکی)

«سری درجکا» با استفاده از نابوهایی نقاشی، قصه عشقی «اورفه» را نست به سترش که در شب عروسی می میرد، بازگو می کند و تمام احساس لطیف مربوط باین عشقو سپس مرگ مجدد «اوریدیس» هسر «اورفه» را القاء می نماید - و این یکی از فیلمهای خوب فنتیوال است.

### غول خودخواه (کانادا)

وقتی غول پس از یک سفر به قمرش باز میگردد - بجهدای زیادی را در قمر خود در حال بازی می بیند غول خودخواه بجهدا را از خانه اش می راند و برای اینکه آنها دوباره باز نگردند دیوار بلندی در اطراف قمرش بنا می کند - باین حصار راه ورود چهار نیز بسته میشود و سرمای هولناکی در آنجا حکمفرما میگردد... تا اینکه بالاخره غول متوجه اشتباه خود میشود و ضمن اینکه با بجهدا آشنا می کند دیوار را نیز در هم می ریزد و چهار همراد با بجهدا وارد سرزمین غول میشود. سازنده این کارتهون «بیتر سندر» است - و اگر لزوم خوشترقاری با بجهدا حذف فیلم باشد باید گفت که جبهه آموزندگی فیلم بیشتر مربوط به بزرگانان میشود تا بچهها.

### جن (ایرانی)

فیلم «جن» داستان خوبی دارد - ساده و بی ادعا و بیوز از اداهای روشنفکرانه است که می بینیم این نظاره های حتی در فیلمهای کودکان نیز رخیه کرده است و در طی آن تصورات خرافی مربوط به وجود جن مورد ریختند قرار می گیرد - متنها «چهرام پور» خیلی خوب تا لطفه اکثر تماشاگر منتظر را در کنگهایوش گشنگمیدارد و در آخرین لحظه تماشاگر از اینکه می بیند خیلی آسان قریب خوردن و پیش بر هایش درست نبود، لذت می برد.

### بیز کوچولو، الاغ و کسه (اتریش)

یک کارتهون بر دلق و بیساز از «رودلف ایتر» که در مورد نمایش باید به کمیته انتخاب فنتیوال ابراد گرفت.

### شکار تیهکاران (آلمان)

این کارتهون «کهاره بونک» ظاهراً هنش شان دامن بیروزی خیر برض است البته در طی سارزادی بانیهکاران - ولی اگر تماشاگران خرمسال بتوانند چنین اشتناظر را از لایای تصویر فیلم بیرون بکشند.

فیه فیلهها در شماره آینده



خانه صبحانه  
پاستوریزہ پاک  
مقوی - اشتہا آور - لذت بخش